

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 131

131-191

Date of filing: 14 Aug '91

** AWARD - Type of Award Funeral
- Date of Award 14 Aug '91
____ pages in English

98 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
____ pages in English

pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____

- Date _____
 pages in English _____ pages in Farsi _____

** OTHER; Nature of document: _____

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 131

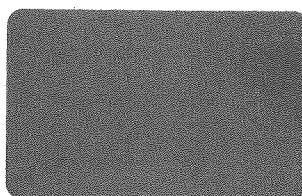
Chamber Two

پرونده شماره ۱۳۱

شعبه دو

حکم شماره ۵۱۸-۱۳۱-۲

DUPLICATE
ORIGINAL
«نسخه برای اصل»



IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE	14 AUG 1991
تاریخ ۱۳۷۰ / ۰۱ / ۲۲	

پترولین، آینکورپوریتد،
ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، آینکورپوریتد، و
سی هورس فلیت، آینکورپوریتد،
خواهانها،

- ۹ -

دولت جمهوری اسلامی ایران،
شرکت نفت ایران، پان امریکن،
شرکت ملی نفت ایران، و
شرکت خدمات نفتی ایران،

خواندگان.

حکم

حاضران:

از طرف خواهانها: آقای آرتور دبلیو. رووان،
وکیل،

آقای گرانت هانسیان،
وکیل،

آقای ویلیام بی. وید، جونیر،

نماینده ایستمن کریستنسن کامپنی،

آقای کریستوفر ا. هلمز،

نماینده ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد،

و سی هورس فلیت، اینکورپوریتد،

آقای رابرت ج. مک میلان،

شاهد،

آقای فریدون باورسانی،

شاهد،

آقای اوستین جونز،

شاهد کارشناس.

از طرف خواندگان: آقای علی حیرانی نوبری،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای سیف الله محمدی،

مشاور حقوقی نماینده رابطه،

آقای عباس اجتهادی،

دستیار حقوقی نماینده رابطه،

آقای حمید فروذیان،

آقای سید محسن شهرستانی،

آقای گشتاسب باستانی الله آبادی،

آقای سید عباس هاشمی،

آقای عبدالحمید بیگدلی،

نمایندگان شرکت ملی نفت ایران.

سایر حاضران:

آقای مایکل اف. رابین،

معاون نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا.

فهرست مندرجات

شماره بند

۱	اول - مقدمه
۶	دوم - موضوعات شکلی
۶	خواهانهای واقعی
۱۴	اظهارات طرفین
۱۶	تصمیم دیوان
۱۹	سوم - صلاحیت
۲۴	چهارم - دعاوی ایستمن و دعاوی متقابل علیه ایستمن
۲۴	الف - واقعیات و اظهارات
۲۵	ب - دعاوی ایستمن
۲۵	۱ - دعوا بابت صورتحسابها
۳۸	۲ - دعوا بابت کسور (بیمه‌های اجتماعی)
۴۰	۳ - دعوا بابت اموال
۴۱	ج - ماهیت دعاوی ایستمن
۴۱	۱ - دعوا بابت صورتحسابها
۶۲	۲ - دعوا بابت کسور (بیمه‌های اجتماعی)
۶۴	۳ - دعوا بابت اموال
۶۴	مقدمه درباره وقایع
۶۹	استدلالات خواهان
۷۷	استدلالات خواندگان
۸۲	تصمیم دیوان
۸۲	الف - مصادره توسط بنیاد
۸۴	ب - منع صدور مجدد (تجهیزات)
۱۰۳	ج - تجهیزات متعلق به اشخاص ثالث

۱۰۵	د - بررسی ارزش تجهیزات
۱۰۹	ه - عدم النفع
۱۱۱	د - دعوای متقابل علیه ایستمن
۱۱۱	۱ - دعوای متقابل بابت نقض قرارداد
۱۱۲	۲ - دعوای متقابل بابت پیشپرداختها
۱۱۳	۳ - دعوای متقابل بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی و مالیاتها
	۴ - دعوای متقابل بابت فوقالعاده خاتمه خدمت، حقوق و مزایای معوقه
۱۱۴	۵ - دعوای متقابل بابت هزینه‌های متفرقه
۱۱۵	ه - ماهیت دعوای متقابل علیه ایستمن
۱۱۶	۱ - دعوای متقابل بابت نقض قرارداد
۱۱۷	۲ - دعوای متقابل بابت پیشپرداختها
۱۱۸	۳ - دعوای متقابل بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی و مالیاتها
	۴ - دعوای متقابل بابت فوقالعاده خاتمه خدمت، حقوق و مزایای معوقه
۱۱۹	۵ - دعوای متقابل بابت هزینه‌های متفرقه
۱۲۲	پنجم - دعوای سی هورس و دعوای متقابل علیه سی هورس
۱۲۳	الف - واقعیات و اظهارات
۱۲۳	ب - دعوای سی هورس
۱۲۸	۱ - دعوا بابت صورتحسابها
۱۲۸	۲ - دعوا بابت کسور (بیمه‌های اجتماعی)
۱۲۹	ج - ماهیت دعوای سی هورس
۱۳۰	۱ - دعوا بابت صورتحسابها
۱۳۰	۲ - دعوا بابت کسور
۱۳۷	د - دعوای متقابل علیه سی هورس
۱۴۸	

۱۴۸	۱ - تعمیر اساسی مریم، لادن و لاله
۱۴۹	۲ - محور عقب و پمپ آتشنشانی لادن
۱۵۰	۳ - مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی
۱۵۱	۴ - اجناس و خدمات متفرقه
۱۵۲	۵ - ماهیت دعاوی متقابل علیه سی هورس
۱۵۲	۱ - تعمیر اساسی مریم، لادن و لاله
۱۵۷	۲ - محور عقب و پمپ آتشنشانی لادن
۱۵۹	۳ - مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی
۱۶۰	۴ - اجناس و خدمات متفرقه
۱۶۱	ششم - بهره
۱۶۲	هفتم - هزینه
۱۶۳	هشتم - حکم

اول - مقدمه

۱ - پرونده حاضر حاوی دو گروه دعاوی مشخص و مجزا از یکدیگر است که تواناماً در تاریخ ۲۸ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۱] به ثبت رسید. به طوری که در نهایت امر روشن شد، خواهانهای این پرونده عبارتند از شرکت ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد که در ایالت دلور به ثبت رسیده و شرکت سی هورس فلیت، اینکورپوریتد که در ایالت لوئیزیانا ثبت شده است. دو خواهان فوق تماماً متعلق به شرکت کالیفرنیایی پترولین، اینکورپوریتد ("پترولین") می‌باشند.

۲ - ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد سه دعوای جدایانه جمعاً به مبلغ ۷،۶۱۳،۶۵۲/- دلار امریکا اصالتاً و وکالتاً از طرف ایستمن ویستاک (نورث سی) لیمیتد (همچنین موسوم به "ایستمن نورث سی") که یک شرکت فرعی انگلیسی و کلاً متعلق به وی می‌باشد، ابتدا علیه شرکت خدمات نفتی ایران ("آسکو") و جمهوری اسلامی ایران ("ایران") اقامه نمود ("دعاوی ایستمن"). بعدهاً ایستمن، شرکت ملی نفت ایران ("شرکت نفت") را نیز به عنوان خوانده نام برد.^(۱) دیوان افزودن شرکت نفت را به عنوان خوانده می‌پذیرد. در دعوای نخست که علیه شرکت نفت و آسکو اقامه شده، نهایتاً مبلغ ۵۳۹،۸۰۶/۶۵ دلار امریکا با بهره آن، بابت وجوده صورتحسابهای معوقه طبق قراردادهای اجاره وسائل حفاری و خدمات وابسته منعقده بین خواهان و آسکو و بین آسکو و ایستمن نورث سی مطالبه شده است. دعوای دوم علیه آسکو و شرکت نفت است و استرداد مبلغ ۳۲۲،۰۹۲/- دلار امریکا

(۱) شرکت ملی نفت ایران که تقریباً کلیه لواجع خواندگان منجمله دفاعیه و دعوای متقابل مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۲ [۲۲ ژوئیه ۱۹۸۳] را ثبت کرده است، در اظهاریه مورخ ۲۲ مهرماه ۱۳۶۴ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۵] خواهانها، رسماً به عنوان خوانده نام بردند.

و بیهوده آن را مطالبه می‌کند که حسب ادعا وجوهی است که آسکو برای تضمین پرداخت حقوق بیمه‌های اجتماعی بابت کارهای انجام شده تحت قراردادهای فوق، کسر کرده است. دعوای سوم علیه ایران، شرکت نفت و آسکو است و بنا بر آنچه نهایتاً "اظهار گردید" مبلغ ۲۳۶/۸۸، ۷۶۰، ۶ دلار امریکا با بیهوده آن، بابت ضبط ادعایی پاره‌ای وسائل حفاری که خواهان برای اجرای قراردادهای منعقد با آسکو وارد ایران کرده بود، و نیز بابت ضبط ادعایی انبار و دفاتر خواهان در اهواز مطالبه می‌کند. شرکت نفت دعوای متقابلي بابت نقض قرارداد، استرداد مازاد پیش‌پرداختها، بازخرید خدمت کارکنان، مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی که حسب ادعا پرداخت نشده، اقامه کرده است ("دعایی متقابلي علیه ایستمن").

۳ - سی هورس فلیت، اینکورپوریتد دو دعوا علیه شرکت نفت ایران پان امریکن (همچنین موسوم به "ایپاک") اقامه کرده است ("دعایی سی هورس"). دعوای اول مبلغ ۱۱۱، ۵۴۰/۴۳ دلار امریکا به اضافه بیهوده بابت صورتحسابهای معوقه مربوط به قرارداد منعقده بین ایپاک و شرکت سلف خواهان را مطالبه می‌کند. دعوای دوم بابت استرداد کسر بیمه‌های اجتماعی به مبلغ ۲۹۶، ۲۰۰ دلار امریکا به اضافه بیهوده است. کلیه لوایح ایپاک از جمله دفاعیه و دعوای متقابلي، توسط شرکت نفت ثبت شده است. در جریان رسیدگی این پرونده، خواهان پذیرفته است که یک دعوای متقابلي به مبلغ ۷۷۰/۵۸ دلار امریکا بابت کالا و خدماتی که ایپاک ارائه کرده، معتبر می‌باشد. درنتیجه خواهان جمع غرامت درخواستی تحت دعوای سی هورس را به رقم ۴۰۶، ۹۶۹/۸۵ دلار امریکا تقلیل داد. شرکت نفت نیز دعوای متقابلي بابت بدھیهای ادعایی قراردادی، مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی متعلقه طرح کرده است ("دعایی متقابلي علیه سی هورس").

۴ - طرفین دعوای (و دعوای متقابلي) ایستمن و سی هورس خواستار هزینه داوری نیز می‌باشند.

۵ - جلسه استماع مقدماتی پرونده حاضر در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۶۴ [هشتم ژوئیه ۱۹۸۵] و جلسه استماع آن در روزهای ششم و هفتم تیرماه ۱۳۶۹ [۲۷ و ۲۸ ژوئن ۱۹۹۰] برگزار شد.

دوم - موضوعات شکلی

خواهانهای واقعی

۶ - دیوان به عنوان یک موضوع مقدماتی به تعیین هویت خواهانهای صحیح پرونده می‌پردازد و در بادی امر شرح مختصری از گردش کار پرونده حاضر و شمهای از سوابق واحدهای مختلفی که در لوایح خواهانها مذکورند، به دست می‌دهد.

۷ - پترولین دعاوی خود را در این پرونده در تاریخ ۲۸ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۱] به ثبت رساند و در شرح پیوست دادخواست اظهار نمود که: "پترولین اینکورپوریتد بدینوسیله دعوای خود را نیابتاً" از طرف ایستمن ویستاک، اینکورپوریتد، و سی هرس، اینکورپوریتد که دو شرکت فرعی کلا" متعلق به وی هستند طرح می‌نماید...". دادخواست حاوی دو بخش متمایز با عنوانین "دعاوی متعدد ایستمن ویستاک، اینکورپوریتد" و "دعاوی متعدد سی هرس، اینکورپوریتد" می‌باشد. قراردادهای مبنای دو گروه دعوای فوق به عنوان ضمیمه هر بخش، پیوست آن بود. در دادخواست اولیه نام سی هرس، اینکورپوریتد به عنوان جانشین ایستمن آفسشور بوتز، اینکورپوریتد (همچنین موسوم به "آفسشور بوتز") ذکر شده است که یک شرکت ثبت شده در لوئیزیانا و طرف قراردادهای منعقد با ایاک بود که دعاوی سی هرس از آنها ناشی می‌شد.

۸ - در عنوان نخستین دستور دیوان که در تاریخ ۲۶ آذرماه ۱۳۶۰ [۱۷ دسامبر

[۱۹۸۱] ثبت گردید نوشته شده است: "پترولین اینکورپوریتد، وکالتا" از طرف ایستمن ویستاک اینکورپوریتد، و سی هورس اینکورپوریتد.

۹ - در عنوان دفاعیه شرکت نفت که در ۳۱ تیرماه ۱۳۶۲ [۲۲ ژوئیه ۱۹۸۳] تسليم شده چنین مذکور است: "خواهان، شرکت پترولین، مدعی تابعیت ایالات متحده و به ادعای قائم مقامی شرکتهای ایستمن ویستاک و سی هورس و ایسترن آفسور بوترز مقیم ایالات متحده".

۱۰ - پترولین در لایحه مورخ ۱۶ آبانماه ۱۳۶۲ [هفتم نوامبر ۱۹۸۳] اظهارات قبلی خود را تصحیح کرده اظهار نمود که جانشین آفسور بوترز، سی هورس فلیت، اینکورپوریتد می باشد نه سی هورس اینکورپوریتد.

۱۱ - متعاقب جلسه استماع مقدماتی، در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۶۴ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۵] پترولین، ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد، و سی هورس فلیت، اینکورپوریتد لایحه ای ثبت کردند که روابط فیما بین شرکتهای خواهان این پرونده را تا حدودی روشن نمود. خواهان دعاوی ایستمن، نام شرکت خود را در تاریخ پنجم خردادماه ۱۳۶۲ [۲۶ مه ۱۹۸۳] از ایستمن ویستاک، اینکورپوریتد به ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد تغییر داد و شرکت انگلیسی تابعه آن که ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد از طرف آن اقامه دعوی می کند در ششم اسفندماه ۱۳۶۱ [۲۵ فوریه ۱۹۸۳] نام خود را از ایستمن ویستاک (ب.و.ک.) لیمیتد به ایستمن ویستاک (نورث سی) لیمیتد تغییر داد. ایسترن آفسور بوترز، اینکورپوریتد در سال ۱۹۶۹ توسط پترولین تشکیل و سپس در نهم مهرماه ۱۳۵۸ [اول اکتبر ۱۹۷۹] در شرکت سی هورس فلیت، اینکورپوریتد ادغام شد.

۱۲ - با وجود این، لایحه خواهانها پاره‌ای از موارد ابهامی را که هنوز در روابط آفسور

بوتز و سی هورس، اینکورپوریتد از یک سو، و آفسور بوتز و سی هورس فلیت، اینکورپوریتد از سوی دیگر وجود داشت، روشن نکرد، خاصه آنکه خواهان دعاوی سی هورس همراه با اظهاریه مورخ ۱۶ آبانماه ۱۳۶۲ [هفتم نوامبر ۱۹۸۳] خود صورتحسابهای معوقه‌ای را ارائه نمود که بخشی از دعاوی سی هورس مبتنی بر آنهاست. صورتحسابهای فوق که در سال ۱۹۷۷ به نام آفسور بوتز صادر شده بود، از سال ۱۹۷۸ به بعد به نام سی هورس، اینکورپوریتد، می‌باشد. علاوه بر آن، خواندگان همراه با دفاعیه مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۲ [۲۲ ژوئیه ۱۹۸۳] نسخه‌ای از نامه مورخ ۲۴ دیماه ۱۳۵۶ [۱۴ ژانویه ۱۹۷۸] را که در سرnamه "آفسور بوتز" نوشته شده ارائه نمودند که در آن به ایپاک اطلاع داده شده که از نهم دیماه ۱۳۵۶ [۳۰ دسامبر ۱۹۷۷] – یعنی بیش از یک سال و نیم قبل از آنکه آفسور بوتز در سی هورس فلیت ادغام شود – آفسور بوتز نام جدید "سی هورس، اینکورپوریتد" را اتخاذ کرده است. باتوجه به موارد ابهام ناشی از اسناد فوق، دیوان داوری در دستور مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۲ [۱۷ مارس ۱۹۸۶] ازجمله درخواست کرد که خواهانها به عنوان بخشی از مدارک و لایحه توجیهی خود مدارک و اطلاعات بیشتری در توضیح موارد مزبور، ارائه نمایند.

۱۳ - خواهانها طی لایحه و خلاصه مدارکی که در اول تیرماه ۱۳۶۶ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۷] تسلیم نمودند، توضیح دادند که پترولین به دلایل مالیاتی، از سال ۱۹۷۶ برخی از شرکتهای تابعه خود را که در صنایع خدمات دریایی فعالیتهای کشتیرانی داشتند در سی هورس فلیت، اینکورپوریتد ادغام نمود. خواهانها همچنین اضافه کردند که سی هورس، اینکورپوریتد در سی هورس فلیت، اینکورپوریتد ادغام نشد بلکه به عنوان یک شرکت جداگانه باقی ماند زیرا پترولین ازجمله مایل بود که از سی هورس، اینکورپوریتد به عنوان یک نام تجاری بین‌المللی برای خدمات دریایی خود در صنعت نفت استفاده نماید. خواهانها اظهار داشتند که به دلیل فوق آفسور بوتز در تاریخ ۲۴ دیماه ۱۳۵۶ [۱۴ ژانویه ۱۹۷۸] طی نامه‌ای به ایپاک اطلاع داد که از آن

تاریخ به بعد آفسور بوتز به نام سی هورس، اینکورپوریتد خوانده خواهد شد. خواهانها اظهار داشتند که از آن پس سی هورس، اینکورپوریتد شرکتی بود که با ایپاک مکاتبه می‌کرد. توضیحات فوق دیوان را قانع کرده است زیرا روشن می‌کند که چرا از ژوئیه ۱۹۷۸ صورتحسابهای آفسور بوتز به ایپاک به نام سی هورس، اینکورپوریتد صادر می‌گردید.

اظهارات طرفین

۱۴ - خواندگان استدلال می‌کنند که پترولین نمی‌تواند دعاوی غیر مستقیمی از جانب ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد و سی هورس فلیت، اینکورپوریتد طرح نماید چون دو شرکت مزبور به علت تابعیت امریکائی خود می‌توانستند به نام خود مستقیماً "اقامه دعوا" کنند. خواندگان مضافاً استدلال می‌کنند که پترولین با افزودن نام سی هورس فلیت، اینکورپوریتد به عنوان خواهان، قصد دارد ادعای جدیدی پس از انقضای ضربالاجل تسلیم دعاوی که در بند ۴ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر شده طرح نماید.

۱۵ - خواهانها اظهار می‌دارند که در دادخواست و مدارک مستندی که همراه با آن تسلیم شده‌اند به صراحت مشخص شده است که پترولین، ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد و عملاء سی هورس فلیت، اینکورپوریتد خواهانهای پرونده حاضر می‌باشند و اضافه می‌کنند که اگر دیوان افزودن سی هورس فلیت، اینکورپوریتد به جمع خواهانها را نیازمند به اصلاح دادخواست می‌داند، صدور چنین اصلاحیه‌ای به موجب ماده ۲۰ قواعد دیوان، مجاز است.

تصمیم دیوان

۱۶ - دیوان خاطرنشان می‌سازد که در واقع با دادخواست اولیه دو دادخواست مجزا و متمایز ارائه شده است. (رجوع شود به: بند ۷ فوق). در مورد دعاوی ایستمن، در سراسر بخش موسوم به "دعاوی متعدد ایستمن ویپستاک، اینکورپوریتد"، این شرکت به عنوان طرف دعوا و خواهان ذکر شده است. علاوه بر آن، مدارک مستند تسلیمی در این بخش مشخص می‌سازد که ایستمن ویپستاک، اینکورپوریتد و ایستمن ویپستاک (یو.کی.) لیمیتد طرفهای قراردادهای می‌باشند که با آسکو منعقد شده و اساس دعاوی ایستمن را تشکیل می‌دهند. بنابراین خواندگان در تمام مراحل از خواهان واقعی و واقعیات اساسی دعاوی مطلع بوده و فرصت کافی برای پاسخ به دادخواست داشته و پاسخ نیز داده‌اند. براین اساس، نمی‌توان تصور نمود که از نحوه ثبت دعاوی ایستمن، زیانی متوجه خواندگان شده باشد.

۱۷ - در مورد سی هورس فلیت، اینکورپوریتد خاطرنشان می‌گردد که استدلال خواندگان مبنی بر اینکه ذکر نام شرکت مذکور به عنوان خواهان در حکم ثبت ادعای جدیدی است، باید رد گردد. به نظر دیوان، جانشینی سی هورس فلیت، اینکورپوریتد بجای سی هورس، اینکورپوریتد، بمنزله روشن کردن نام خواهان واقعی است و نه اصلاحیه‌ای که از آن طریق خواهان جدیدی اضافه شده باشد، زیرا سی هورس فلیت، اینکورپوریتد جانشین واقعی صاحب دعوا یعنی آفسشور بوتز می‌باشد. از بخش موسوم به "دعاوی متعدد سی هورس، اینکورپوریتد" بدون تردید روشن بود که خواهان دعاوی سی هورس دقیقاً شرکتی است که جانشین آفسشور بوتز شده است. در واقع امر، نام آفسشور بوتز را حتی خود خواندگان در عنوان دفاعیه مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۲ [۲۲] [۱۹۸۳] خود ذکر کرده‌اند. خواندگان از بد و دادرسیهای حاضر از قراردادهای مورد بحث مطلع بوده و نتیجتاً در موقعیتی قرار داشتند که دفاعیات مقتضی را ارائه نمایند. توضیح فوق لطمه‌ای به آنان وارد نمی‌سازد.

دیوان مضافاً" یاد آور می شود که این توضیح در مراحل اولیه دادرسی داده شده است.

۱۸ - براین اساس، نظر دیوان این است که ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد و سی هرس فلیت، اینکورپوریتد خواهانهای صحیح پرونده حاضر می باشد.

سوم - صلاحیت

۱۹ - مدارک تسلیمی خواهانها دیوان را قانع کرده است که پترولین، اینکورپوریتد که یک شرکت کالیفرنیایی است طبق مدلول بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی در تمام دوره ذیربسط دارای تابعیت امریکایی بوده است. مدارک مزبور عبارتند از گواهی حسن شهرت، نسخ صفحات مربوطه و کالنامه هایی که پترولین در دوره ذیربسط صادر کرده است، سوکننامه دبیر پترولین و سوکننامه یک شرکت حسابرسان رسمی. به علاوه، خواهانها مدارک دیگری منجمله گواهی های حسن شهرت و سوکننامه ای از یک شرکت حسابرسان رسمی تسلیم کرده اند که نشان می دهد پترولین در طول مدت ذیربسط، مالک صد درصد شرکتهای خواهان ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد (قبل "موسوم به ایستمن ویستاک، اینکورپوریتد) که شرکتی ثبت شده درایالت دلهوراست، و سی هرس فلیت، اینکورپوریتد (قبل "موسوم به ایسترن آفسور بوتز، اینکورپوریتد) که شرکتی ثبت شده درایالت لوئیزیانا است، بوده است. براین اساس، خواهانها ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد و سی هرس فلیت، اینکورپوریتد^(۲) طبق بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی،

(۲) شرکت نفت استدلال می کند که دیوان قادر صلاحیت رسیدگی به دعاوی سی هرس فلیت، اینکورپوریتد می باشد زیرا خواهانها هیچ ادله و مدارکی ارائه نکرده اند که نشان دهد شرکت سلف سی هرس فلیت، اینکورپوریتد، یعنی ایسترن آفسور بوتز، اینکورپوریتد در سال ۱۹۷۵ که قراردادهای مبنای دعاوی سی هرس را منعقد ساخت، تبعه امریکا بوده است. طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، "ادعاهای اتباع" ایران یا ایالات متحده بر حسب مورد عبارت است از ادعاهایی که از تاریخ بوجود آمدن ادعا تا تاریخ رسیدت یافتن بیانیه "الجزایر مستمرة" در اختیار اتباع آن کشور بوده اند. دعاوی سی هرس فلیت، اینکورپوریتد در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ یعنی در زمان بروز اختلاف با ایاک (رجوع کنید به: بندهای زیر)، و نه در تاریخ امضای قرارداد با ایاک بوجود آمد. بر این اساس، دیوان استدلال شرکت نفت را رد می کند.

به عنوان تبعه امریکا شناخته می‌شوند. خواهانها همچنین مدارکی از جمله گواهی ایالتی ثبت شرکتها و سوکنندنامه‌ای از یک شرکت حسابرسان رسمی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد ایستمن ویستاک منیوفکپرینگ، اینکورپوریتد در تمام دوره ذیربطری مالک منحصر به فرد ایستمن ویستاک (نورث سی) لیمیتد (قبله) موسوم به ایستمن ویستاک (بو.کی.) لیمیتد، شرکت فرعی انگلیسی خود بوده است. درنتیجه، طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ایستمن ویستاک منیوفکپرینگ، اینکورپوریتد حق دارد دعوای غیر مستقیم از طرف ایستمن ویستاک (نورث سی) لیمیتد اقامه نماید.

۲۰ - دیوان همچنین قانع شده است که نسبت به موضوع دعاوی صلاحیت رسیدگی دارد زیرا که کلیه آنها طبق الزام بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، از دیون، قراردادها، مصادرها یا سایر اعمال موئز در حقوق مالکانه ناشی می‌شوند. به علاوه، اختلافی نیست که دعاوی مورد بحث در طول مدت ذیربطری همواره در تملک اتباع امریکائی و در تاریخ انعقاد موافقنامه‌های الجزیره پابرجا بوده‌اند.

۲۱ - دیوان برای احراز صلاحیت خود همچنین باید تعیین نماید که آیا طبق تعریف مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، دعاوی مطروح حاضر عليه "ایران" است یا خیر. خواهانها، دولت جمهوری اسلامی ایران، شرکت نفت، آسکو و ایپاک را به عنوان خواندگان نام برده‌اند. دیوان هماهنگ با یافته‌های قبلی خود نظر می‌دهد که شرکت نفت جانشین حقوق آسکو بوده و از این‌رو خوانده صحیح این پرونده به شمار می‌رود. رجوع کنید به: قرار اعدادی شماره ۱۰-۴۳ دیوان عمومی مورخ ۱۸ آذرماه ۱۳۶۱ [نهم دسامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده اویل فیلد آوتکراس، اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، و سایرین چاپ شده در 347 C.T.R. Iran-U.S. 1. در مورد ایپاک خواهانها یک نسخه از بخشنامه مورخ نهم مردادماه ۱۳۵۹ [۳۱ ژوئیه ۱۹۸۰] وزارت نفت ایران را به عنوان دلیل

ارائه کردند که در آن از جمله اشعار شده است که:

لازم است امور ایاک در شرکتی به نام "شرکت نفت فلات
قاره جمهوری اسلامی ایران" که قرار است تحت نظرارت
هیئت مدیره^۲ منصوب وزارت نفت عمل کند، متمرکز گردد.

خواندگان در رد مدرک خواهانها، بحث و سندی ارائه نکرده‌اند. براساس مدارک موجود و در فقد هر نوع مخالفتی توسط خواندگان، دیوان نتیجه می‌گیرد که از لحاظ احراز صلاحیت دیوان، ایاک تا تاریخ انعقاد موافقنامه‌های الجزیره واحدی تحت کنترل دولت ایران بوده و بنا بر این دعاوی مطروح علیه آن منزله دعاوی مطروح علیه "ایران" طبق تعریف مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، می‌باشند.

۲۲ - بنا به مراتب پیشکشته، دیوان نظر می‌دهد که صلاحیت رسیدگی به دعاوی حاضر را دارد.

۲۳ - صلاحیت دیوان نسبت به دعاوی متقابل تا آنجا که لازم است همراه با ماهیت دعاوی متقابل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. رجوع شود به بندهای زیر.

چهارم - دعاوی ایستمن و دعاوی متقابل علیه وی

الف - واقعیات و اظهارات(۳)

۲۴ - دعاوی ایستمن ناشی از سه قرارداد است که به موجب آنها ایستمن ویستاک

(۳) جزئیات بیشتری از برخی از واقعیات در ارتباط با ماهیت دعاوی و دعاوی متقابل لدى الاقتضاء در بندهای زير مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد که در آن زمان موسوم به شرکت ایستمن ویستاک، اینکورپوریتد ("ایستمن") بوده و یا ایستمن نورث سی که در آن زمان موسوم به ایستمن ویستاک (بی.کی.) لیمیتد بوده، لوازم حفاری چاههای انعماقی به آسکو اجاره داده و خدمات مربوط به آنها را ارائه می‌کردند. به موجب قرارداد شماره ۳۳۹-۴۰۰-۷۸-۳ (قرارداد ۴۰۰) ایستمن موافقت کرد که تعدادی ضربه‌زنی‌های حفاری دورانی معروف به "ضربه‌زنی‌ای دیلی" به آسکو اجاره دهد. این قرارداد از تاریخ ۱۱ خردادماه ۱۳۵۴ [اول ژوئن ۱۹۷۵] به مورد اجرا درآمد و مدت آن دو سال بود. ضربه‌زنی‌ای دیلی مورد بحث در قرارداد حاضر متعلق به شرکت تجزاسی دیلی اینترنشنال سیلز کورپوریشن ("دیلی") بود که ایستمن به عنوان نماینده دیلی به آسکو اجاره داده بود. به موجب قرارداد شماره ۳۳۹-۹۵۴-۷۸-۳ (قرارداد ۹۵۴) که برای یک دوره یک ساله از ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ [اول مه ۱۹۷۶] به مورد اجرا درآمد، ایستمن موافقت کرد که تجهیزات دیگری به آسکو اجاره دهد و انباری از تجهیزات و قطعات یدکی در اهواز دائم کند و خدمات حفاری ارائه نماید. بالاخره، قرارداد شماره ۳۳۹-۲۸۰-۷۵-۳ (قرارداد ۲۸۰)، قراردادهای ۴۰۰ و ۹۵۴ را یکپارچه نمود و توسعه داد. قرارداد مذکور از ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [اول مه ۱۹۷۷] به مورد اجرا درآمد و به مدت سه سال ادامه داشت. طرفین حق داشتند با دادن یک اطلاعیه شصت روزه قرارداد را فسخ نمایند.

۲۵ - اجاره‌های تجهیزات نفتی ایستمن ویستاک در جدول نرخهای قرارداد ۲۸۰ ذکر شده است. در این جدول آمده است که بهای ابزار فوق طبق "فهرست بهای" ایستمن خواهد بود لیکن برای اجاره "لوازم نفتی متعلق به ایستمن ویستاک" تخفیف‌های کلی (که براساس حجم مبلغ صورتحسابها در کل بود) داده خواهد شد. جدول نرخها حاوی فهرستی از اجاره‌های "ابزار ضربه زن کوکار" نیز بود. ابزار فوق متعلق به او.بی.آی. لیمیتد ("او. بی. آی."), یک شرکت کانادایی بود که ایستمن به موجب قرارداد امتیاز با آن شرکت به آسکو اجاره داده بود. شرایط

عمومی قرارداد خدمات آسکو در قرارداد ۲۸۰ منظور شده بود. مذاکرات مربوط به عقد قرارداد ۲۸۰، در سال ۱۹۷۷ در لندن بین آسکو و ایستمن نورث سی، شرکت فرعی انگلیسی و کلا" متعلق به ایستمن انجام شد.^(۴) قرارداد در نوامبر ۱۹۷۸ توسط آسکو و در اوت ۱۹۷۹ توسط ایستمن امضا شد (رجوع کنید به: بند ۳۲ زیر). کارکنان ایستمن در اهواز تا تابستان ۱۹۷۹ نسخه‌ای از قرارداد ۲۸۰ را دریافت نکردند و درنتیجه از پاره‌ای از مفاد آن بی اطلاع بودند. روش نیست که آیا کارکنان آسکو در اهواز نسخه‌ای از قرارداد را قبل از تابستان ۱۹۷۹ دریافت کردند یا خیر، و بهر تقدیر مدرکی در سوابق وجود ندارد که نشان دهد دریافت کرده باشند.

۲۶ - دفتر ایستمن در اهواز هر ماهه صورتحساب یکایک لوازم یا خدمات ارائه شده را برای آسکو ارسال می‌داشت. آسکو صورتحسابها را بررسی می‌کرد و کاه اصلاح یا ایرادی در آنها داشت، و وجه آنها را تلکرافی به حساب ایستمن در نیویورک حواله می‌کرد. آسکو صورتحسابهای ایستمن را بدون تاعییر قابل ملاحظه‌ای تا اکتبر ۱۹۷۸ پرداخت نمود. لیکن بعداً "علوم شد که تخفیف کلی مندرج در قرارداد ۲۸۰ در صورتحسابهای ایستمن و نتیجتاً در پرداختهای آسکو منظور نشده است. مضافاً" اجاره‌بهای ابزار ضربه زن کوکار در صورتحسابهای ایستمن بیشتر از نرخ مندرج در جدول نرخهای قرارداد ۲۸۰ محاسبه شده بود.

۲۷ - در اکتبر ۱۹۷۸ آسکو پرداخت صورتحسابهای ایستمن را قطع کرد. طبق اظهار شرکت نفت، اعتصابات از هفتم دیماه تا ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۲۸] دسامبر ۱۹۷۸ تا

(۴) به منظور سیولت امر و با توجه به رابطه شرکت فرعی و شرکت مادر بین این شرکتها، در حکم حاضر نام "ایستمن" عطف به خواهان، ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد، منجمله ایستمن ویستاک (نورث سی) لیمعیند می‌باشد.

۱۷ فوریه ۱۹۷۹] کلیه فعالیت‌های حفاری را متوقف نمود. خواهان اظهار می‌دارد که سفارشات آسکو برای لوازمی که ایستمن تهیه می‌کرد در ماه دسامبر ۱۹۷۸ به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. ایستمن خاطرنشان می‌سازد که بدین دلیل می‌خواست قطعاتی را که در ایران لازم نبود، برای سایر سفارشات بین‌المللی از ایران خارج نماید. خواهان مدعی است که بدین منظور در ژانویه ۱۹۷۹ صورت موجودی کلیه لوازم خود واقع در اهواز را تهیه کرد. ایستمن برای خارج کردن لوازم خود طبق مفاد قرارداد ۲۸۰ موظف بود که فرم "درخواست صدور" را تکمیل و به آسکو تسلیم کند. فرم مزبور حاوی فهرست اقلام موضوع صدور بود. ایستمن یکی از این فرمها را در ماه آوریل ۱۹۷۹ تنظیم کرد ("فرم آوریل"). این فرم حاوی ۸۳۱ قلم از تجهیزات بود و ارزش آنها را ۲،۷۴۲،۵۷۶/۴۰ دلار امریکا اعلام کرد. طبق اظهار ایستمن، مبلغ مذکور ارزش دفتری اقلام فوق بود. ایستمن اظهار می‌دارد که فرم آوریل شامل تجهیزاتی که در آن وقت در اجاره آسکو قرار داشت، نبود. خواهان مدعی است که تجهیزات مندرج در فرم درخواست صدور را تمیز و بسته بندی و از هر جهت آماده حمل نمود. ایستمن اظهار می‌دارد که آسکو سفارشات خود را تا اکتبر ۱۹۷۹ ادامه داد و مدعی است با اینکه طبق کلیه الزامات مندرج در قرارداد ۲۸۰، فرم آوریل را به شرکت نفت و آسکو ارائه کرده بود ولی این دو به آن ترتیب اثر ندادند. خواهان نسخه‌ای از فرم آوریل را به عنوان دلیل تسلیم کرده است. دیوان ملاحظه می‌نماید که فرم مذکور در تاریخ چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۴ آوریل ۱۹۷۹] توسط فریدون باورسانی سرپرست محلی حفاری چاههای انحرافی و نماینده وقت ایستمن در ایران، امضا شده است. امضاهای مقامات شرکت نفت و آسکو حاکی از تصویب خروج تجهیزات در فرم دیده نمی‌شود.

۲۸ - در ماه ژوئن ۱۹۷۹ ایستمن فرم درخواست دیگری حاوی تعداد قلیلی تجهیزات به ارزش ۲۲۱/۵۰، ۲۵۳ دلار امریکا تهیه نمود. ظاهراً تجهیزات مذکور از ماه آوریل ۱۹۷۹ که به ایران وارد شد دیگر مورد نیاز ایستمن نبوده و درنتیجه بلافضله

آماده صدور گردید. اختلافی نیست که ایستمن فرم درخواست صدور ماه ژوئن را به شرکت نفت و آسکو تسلیم نموده و مقامات آن دو شرکت آن را امضا کردند.

۲۹ - شرکت نفت اظهار می‌دارد که بعد از ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] بعضی از سکوهای حفاری وی بتدربیج کار خود را از سر گرفتند. آسکو (یا شرکت نفت) در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ چندین بار مبالغ مقطوعی به ایستمن پرداخت کردند. مدارک شرکت نفت حاکی از آن است که این شرکت در خلال مدت مذبور جمعاً "مبلغ ۸۶۳،۷۹۷/- دلار آمریکا به ایستمن پرداخته است. مدارک ایستمن تاعیید می‌کند که این شرکت مبلغ مذکور را دریافت و به حساب آسکو منظور کرده است ولی قادر نیست این پرداختها را به صورتحسابهای مشخصی ارتباط دهد. ایستمن در سراسر سال ۱۹۷۹ و تا مدتی در سال ۱۹۸۰ همچنان بابت اجاره‌ها و خدمات برای آسکو صورتحساب ارسال می‌نمود.

۳۰ - در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [پنجم مه ۱۹۷۹] آسکو طی تلکسی به ایستمن اطلاع داد که هنوز نیازمند به خدمات ایستمن لیکن به میزان کمتری است و نیز خاطرنشان ساخت که "لوازم و کارمندان مازاد بر احتیاج را می‌توان با اجازه قبلی این شرکت خارج کرد". آسکو مضافاً از ایستمن درخواست کرد که با توجه به تغییر نیازمندیهای آسکو پیشنهادی برای تجدیدنظر در قرارداد ۲۸۰ تسلیم نماید. ایستمن منکر دریافت تلکس فوق است.

۳۱ - در تابستان و پائیز ۱۹۷۹، راجع به میزان بدھی شرکت نفت بابت صورتحسابهای معوقه ایستمن و تعامل ایستمن به خارج کردن تجهیزات از ایران اختلافاتی میان طرفین بروز کرد. در تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] باورسائی طی تلکسی به ایستمن از جمله اطلاع داد "تا کلیه مدارک آسکو امضا نشود اجازه حمل هیچ وسیله‌ای را نخواهیم داشت". در تاریخ هفتم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۹ ژوئیه

[۱۹۷۹] آسکو تلکس مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه [پنجم مه] خود را به ایستمن تکرار کرده اضافه نمود که پرداخت صورتحسابهای معوقه ایستمن به دلیل "عدم اجرای [قرارداد ۲۸۰] بوسیله شما" متوقف شده است. در تاریخ دهم مردادماه ۱۳۵۸ [اول اوت ۱۹۷۹] ایستمن در پاسخ به آسکو اطلاع داد که رابت مک میلان مدیر سابق محلی ایستمن در اهواز در تاریخ ۱۳ مردادماه ۱۳۵۸ [چهارم اوت ۱۹۷۹] به منظور مذاکرات پرامون تجدید نظر در قرارداد ۲۸۰، تسویه حسابهای آسکو و ایستمن، و "انتقال تجهیزات مازاد بر احتیاج" وارد ایران خواهد شد.

۳۲ - مک میلان بیشتر ایام اوت تا نوامبر ۱۹۷۹ را در ایران گذراند و مشغول مذاکره با مقامات شرکت نفت درباره سه موضوع فوق بود. وی کوششهای خود را برای کسب اجازه صدور تجهیزات از شرکت نفت، در دو شهادتnameای که ایستمن به عنوان دلیل ارائه کرده شرح داده و آنها را در شهادت خود در جلسه استماع تائید کرده است. وی اظهار می‌دارد که در تابستان و پائیز ۱۹۷۹ "شخصاً" و به دفعات درباره صدور لوازم مندرج در فرم آوریل با احمد ساقیان، رئیس سازمان تدارکات شرکت نفت مذاکره کرده و ساقیان "ابتدا با اجازه صدوری که قبلًا" به ما داده شده بود مخالفت کرد". مک میلان اظهار می‌دارد که شرکت نفت ابتدا به وی خاطرنشان ساخت که تا ایستمن قرارداد ۲۸۰ را امضا نکند اجازه صدور داده نخواهد شد. مک میلان قرارداد مذکور را در ۳۰ مردادماه ۱۳۵۸ [۲۱ اوت ۱۹۷۹] امضا نمود. وی اظهار می‌دارد که پس از اجرای شرط فوق، شرکت نفت اظهار کرد که تا صورتحسابهای ایستمن را با پرداختهای آسکو مقابله نکند و تا دبیر حاجیان تهرانی، یک مقام عالیرتبه شرکت نفت، نامه‌ای در این خصوص صادر نکند، اجازه صدور داده نخواهد شد. مک میلان مضافاً اظهار می‌دارد که مهدی صدری، رئیس حفاری شرکت نفت، در پائیز ۱۹۷۹ به وی گفت که درخواست ایستمن بوسیله یک کمیته سه نفره مرکب از مقامات شرکت نفت در دهم آبانماه ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] در تهران بررسی خواهد شد. مک میلان در خاتمه اظهار می‌دارد که "آقای صدری و آقای ساقیان

بهر دلیلی که در یک روز بخصوص داشتند شخصاً به من اطلاع دادند که به ایستمن اجازه صدور لوازمش داده نخواهد شد.

۳۳ - مک میلان در نوامبر ۱۹۷۹ ایران را ترک کرد. در ۱۹ آذرماه ۱۳۵۸ [دهم دسامبر ۱۹۷۹] شرکت نفت با دادن اختصار میلت ۶۰ روزه، قرارداد ۲۸۰ را فسخ کرد. ایستمن طی تلکسی که در ۲۶ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۷ دسامبر ۱۹۷۹] به شرکت خدمات نفت ایران با مسئولیت محدود ارسال نمود ضمن اعلام وصول اختصار فسخ قرارداد ۲۸۰ اظهار داشت که "چون در حال حاضر کار دیگری در ایران نداریم مایل به صدور کارگاه خدماتی خود از ایران در اسرع وقت هستیم" و در این خصوص به ماده ۱۶ شرایط عمومی قرارداد خدمات آسکو اشاره نمود. ایستمن مضافاً خاطرنشان ساخت که ترتیبی داده ایم که "مدیر محلی ما، آقای فرد باورسائی در مورد تشریفات و ترتیب مدارک مقتضی صدور، با شما تماس بگیرد". ظاهراً باورسائی و خانم کشور کریمی کارمند دیگر ایستمن که هنوز باقی مانده بود تا آوریل ۱۹۸۰ به ارسال صورتحساب از طرف ایستمن ادامه دادند. در تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۸ [ششم فوریه ۱۹۸۰] کریمی طی گزارشی به ایستمن از جمله اظهار داشت که یکی از کارمندان شرکت که معاون صدری است به طور غیر رسمی به وی اطلاع داده است که "احتمال دارد شرکت نفت پس از انتخابات مجلس، تجهیزات ما را به خاطر حسن خدمات قبلی، آزاد سازد".

۳۴ - باورسائی در شهادتنامه و در شهادت خود در جلسه استماع اظهار داشت که در ماه مارس یا آوریل ۱۹۸۰، افرادی که ادعا می کردند نماینده بنیاد مستضعفان هستند دفاتر ایستمن را در اهواز اشغال کرده و اجازه دسترسی به تجهیزات ایستمن را به وی ندادند. باورسائی اظهار می دارد که افراد مذکور مدرکی به وی نشان دادند که اشعار می داشت تجهیزات ایستمن باید به شرکت نفت داده شود.

ب - دعاوی ایستمن

۱ - دعوا بابت صورتحسابها

۳۵ - ایستمن وجه بیش از ۶۰۰ صورتحساب بابت اجاره‌بهای تجهیزات و ارائه خدمات به آسکو را مطالبه می‌کند. تاریخ برخی از صورتحسابها به سال ۱۹۷۶ برابر می‌گردد و اکثر آنها بین نهم مهرماه ۱۳۵۷ تا ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۹ [اول اکتبر ۱۹۷۸ تا اول آوریل ۱۹۸۰] صادر شده‌اند. ایستمن ابتدا ادعا کرد که شرکت نفت مبلغ ۵۵۸،۸۴۷/۳۹ دلار امریکا به وی بدھکار است. این مبلغ با احتساب تخفیف کلی بود که باید در مورد تعداد زیادی از این صورتحسابها اعمال می‌شد و طبق محاسبه ایستمن بالغ بر ۱۵۵،۴۴۰/۰۷ دلار امریکا می‌گردید. شرکت نفت در لایحه خود پذیرفت که برخی از این صورتحسابها "کلا" و "برخی جزو" قابل پرداخت است و تعدادی از آنها را نیز "کلا" رد نمود. ایستمن در پاسخ به لایحه شرکت نفت، ادعای خود را در مورد مبالغی که شرکت نفت درباره آنها "مدارک همزمان با ذکر ایراد بجا" ارائه نموده بود، پس گرفت و درنتیجه ادعای خود را به ۵۳۱،۳۲۲/۲۲ دلار امریکا کاهش داد. نهایتاً، در جلسه استماع، ایستمن مبلغ ۸،۴۸۳/۴۳ دلار امریکا به ادعای خود اضافه کرد. این افزایش به علت کاهش در میزان تخفیف کلی و در پاسخ به استدلالات شرکت نفت انجام شد.

۳۶ - شرکت نفت همواره استدلال کرده است که جمع مبلغ صورتحسابهای قابل پرداخت بالغ بر ۳۴۳،۹۳۹/۲۲ دلار امریکا است. در عین حال، رقم تخفیفی را که اظهار می‌دارد می‌بایست در مورد صورتحسابها اعمال می‌گردیده، از ۲۲۰،۱۴۲/۸۹ دلار امریکا به ۴۰۸،۳۳۶/۸۹ دلار امریکا افزایش داده است. درنتیجه، با چندین مورد ادعای تهاتر و تعديل، شرکت نفت مدعی است که ایستمن مبلغ ۱۷۸،۸۶۸/۴۹ دلار امریکا به وی بدھکار است.

۳۷ - دعوای ایستمن بابت صورتحسابها سه موضوع عده را مطرح می‌کند:

۱ - آیا ایستمن حق داشته است برای ضربهزنی‌های دیلی که پس از دهم آبانماه ۱۳۵۷ [اول نوامبر ۱۹۷۸] اجاره داده شد، بهای بالاتری به حساب آسکو بگذارد یا خیر.

۲ - آیا امتناع شرکت نفت از پرداخت اجاره‌های و قیمت خدمات بابت سکوهای حفاری که حسب ادعا غیر فعال بوده‌اند، موجه می‌باشد یا خیر.

۳ - آیا تخفیف کلی قرارداد ۲۸۰ شامل اجاره‌های ضربهزنی‌های دیلی می‌گردد یا خیر.

۲ - دعوا بابت کسور [بیمه‌های اجتماعی]

۳۸ - ایستمن خواستار استرداد وجهی است که تحت قراردادها با آسکو، برای تضمین پرداخت تعهدات بیمه‌های اجتماعی وی نگهداری شده است. خواسته ایستمن در ابتدا ۴۴۲،۳۵۷/۲۳ دلار امریکا بود، لیکن در لایحه معارض خود آن را به ۳۲۲،۰۹۲/- دلار امریکا کاهش داد. این مبلغ معادل دلاری ۲۲،۶۹۹،۴۲۲/- ریال به نرخ ۷۰/۴۷۵ ریال برابر یک دلار است که در سال ۱۹۷۹ رایج بود. ایستمن استدلال می‌کند که استحقاق دارد کسور وی بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی آزاد شود زیرا وی طبق شرایط عمومی قراردادهای خود با آسکو مقاصداً حساب مربوط به حقوق فوق را تسلیم کرده است.

۳۹ - شرکت نفت تأیید می‌کند که مبلغ ۲۲،۶۹۹،۴۲۲/- ریال بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی از پرداختهایی که تحت قراردادهای ۴۰۰، ۹۵۴ و ۲۸۰ و دو قرارداد

دیگر به ایستمن انجام داده کسر کرده است. شرکت نفت همچنین قبول دارد که ایستمن مقاصدا حساب بیمه‌های اجتماعی را تسلیم نموده است. با این‌نصف، شرکت نفت به این دلیل که ایستمن مبالغی بابت اضافه‌پرداخت صورتحسابها به وی بدھکار است، از آزاد کردن کسور فوق امتناع می‌ورزد. بر این اساس، موضوع اصلی در این دعوا این نیست که آیا ایستمن حق به آزاد کردن کسور بیمه‌های اجتماعی می‌باشد یا خیر، بلکه اینست که آیا شرکت نفت می‌تواند این وجود را بابت سایر دیونی که حسب ادعا ایستمن به وی بدھکار است، ضبط نماید یا خیر. اختلاف دیگری نیز در مورد میزان شمول مقاصدا حساب وجود دارد. طبق متن خود مقاصدا حساب، پرداختهای مربوط به پنج قرارداد تا مبلغ ۳۲۰،۳۲۸،۶۶۳ ریال در آن منظور شده‌اند. لیکن شرکت نفت اظهار می‌دارد که در اعلام جمع مبلغ پرداختی به ایستمن به سازمان بیمه‌های اجتماعی مرتب اشتباه شده و مقاصدا حساب می‌بایست فقط شامل ۳۲۰،۳۳۷،۶۴۳ ریال می‌شده است. شرکت نفت اظهار می‌دارد که پس از اصلاح این اشتباه و یک اشتباه دیگر، ایستمن مبلغ ۱۱،۲۹۵/۳۰ دلار امریکا به وی بدھکار است.

۳ - دعوا بابت اموال

۴۰ - ایستمن خواستار ۸۸/۲۳۶،۲۳۶،۷۶۰ دلار امریکا غرامت بابت تجهیزات حفر چاههای انحرافی که در ارتباط با اجرای خدمات و اجاره قراردادهای منعقده با آسکو مورد استفاده بوده، و نیز بابت دارائیهای ثابت خود در اهواز که به علت فعل و ترک فعل شرکت نفت، حسب ادعا توسط ایران ضبط گردیده مطالبه می‌کند. مبلغ مورد مطالبه شامل ارزش عادله این تجهیزات در بازار، حسب ادعا به مبلغ ۶۶/۲۲۸،۳۳۰،۴ دلار امریکا، ارزش عادله دارائیهای ثابت به مبلغ ۲۲/۴۶۳،۱۷۹ دلار امریکا، و عدم التفع به مبلغ ۵۴۵،۲۵۰،۲ دلار امریکا است.

ج - ماهیت دعوای ایستمن

۱ - دعوا بابت صورتحسابها

۴۱ - اولین موضوع در دعوای ایستمن بابت صورتحسابها میزان اجاره‌بهای ضربه‌زنی‌های دلیلی است. در قرارداد ۲۸۰ نرخ اجاره‌بهای تجهیزات متعلق به ایستمن و ضربه‌زنی‌های کوگار معین شده، لیکن از ضربه‌زنی‌های دلیلی ذکری به میان نیامده است. ایستمن مدعی است که مبنای قراردادی برای اجاره‌بهای ضربه‌زنی‌های دلیلی در بند ۴ قرارداد ۲۸۰ مستتر است. در بند مذکور تحت عنوان "خدمات اضافی متفرقه" پیش‌بینی شده است که آسکو می‌تواند "گاه بگاه" از ایستمن درخواست کند که تجهیزات یا خدماتی را که در جدول نرخهای قرارداد درج نشده، فراهم نماید. ایستمن "نهایت سعی خود را خواهد کرد" تا درخواستهای مزبور را اجابت کند و پرداخت بابت این خدمات بر اساس "فهرست قیمتی‌های جاری چاپ شده" ایستمن" خواهد بود. فهرست قیمتی‌های ایستمن برای سال ۱۹۷۷ که حاوی اجاره‌بهای ضربه‌زنی‌های دلیلی بود، جزء قرارداد ۲۸۰ اعلام گردیده بود. ایستمن در تمام طول مدت قرارداد ۲۸۰، ضربه‌زنی‌های دلیلی را به آسکو اجاره می‌داد ولی مدرکی وجود ندارد که نشان دهد طرفین این کار را به عنوان خدمت اضافی متفرقه تلقی می‌کردند یا خیر. در ابتدا ایستمن اجاره‌بهای آنها را به نرخ مندرج در فهرست قیمتی‌های سال ۱۹۷۷ یعنی روزانه ۲۰۰ دلار امریکا برای ضربه‌زنی‌های مورد استفاده و ۷۰ دلار امریکا برای ضربه‌زنی‌های ذخیره محاسبه می‌کرد ولی با انتشار فهرست قیمتی‌های جدید برای سال ۱۹۷۸، نرخهای خود را از دهم آبانماه ۱۳۵۷ [اول نوامبر ۱۹۷۸] افزایش داد و بلافاصله روزانه به ترتیب ۲۲۰ و ۹۰ دلار امریکا به حساب آسکو گذاشت. ایستمن نرخهای بالاتر را در ۸۰ صورتحساب مورد بحث در دعوای حاضر منظور کرده است.

۴۲ - شرکت نفت نسبت به نرخهای بالاتر اعتراض دارد و اعتراض خود را با اشاره به قرارداد و نحوه عمل ایستمن توجیه می‌کند. شرکت نفت مدعی است که بند ۴ قرارداد ۲۸۰ باید فقط نسبت به خدمات نسبتاً کوچک اعمال شود و نه به موضوعی به اهمیت اجاره ضربه‌زنی‌ای دلیل (که به زعم شرکت نفت ۵۰ درصد مبلغ صورتحساب‌های ایستمن را تشکیل می‌دهد). علاوه بر آن، شرکت مذکور مدعی است که فهرست قیمت‌های سال ۱۹۷۷ کماکان جزئی از قرارداد بوده و ایستمن حق نداشت که به طور یکجانبه قیمت‌های مندرج در آن را افزایش دهد. شرکت نفت اظهار می‌دارد که در اثر مخالفت این شرکت در سپتامبر ۱۹۷۹، ایستمن گهگاه نرخ اجاره ضربه‌زنی‌ای دلیل را از ۲۲۰ دلار به ۲۰۰ دلار کاهش داده است و به عنوان دلیل این کاهش شش فقره صورتحساب‌هایی را که بین اول آذرماه و اول بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ و ۲۱ ژانویه ۱۹۸۰] صادر شده‌اند، ارائه نموده است.

۴۳ - این واقعیت که ایستمن در شش صورتحساب به نرخهای پائین‌تر رجوع کرد ملاک عمل نیست، زیرا مسئله مورد اختلاف در اینجا این است که آیا ایستمن حق داشت نرخ اجاره‌های ضربه‌زنی‌ای دلیل را برای آسکو به طور یکجانبه افزایش دهد یا خیر. تصمیم به کاهش نرخ، ولو در پاسخ به اقدام شرکت نفت، ثابت نمی‌کند که ایستمن فاقد حق افزودن نرخ بوده است. دیوان همچنین ملاحظه می‌نماید که شش صورتحساب مورد بحث توسط کارمندان ایرانی ایستمن پس از خروج مدیر خارجی آن از ایران و پس از اشغال سفارت امریکا در تهران، صادر شده بود. دادن امتیاز به شرکت نفت تحت شرایط فوق، "باید الزاماً" به اعتراف ایستمن به نداشتن حق افزایش قیمت‌ها، تلقی گردد. از سوی دیگر، ادعای ایستمن مبنی بر این که اجاره ضربه‌زنی‌ای دلیل جزء "خدمات اضافی متعرقه" بوده، نیز قابل قبول نیست. به عنوان مثال، از مدارک ایستمن مشهود است که اجاره‌های ضربه‌زنی‌ای فوق بیش از ۵۰ درصد مبلغ صورتحساب‌های ایستمن را به آسکو در سال ۱۹۷۸ تشکیل می‌داده است.

۴۴ - دیوان معتقد است که حل این موضوع باید با مراجعه به قرارداد ۴۰۰ آغاز شود.

در این قرارداد موضوع اجاره ضربه‌زنی‌ای دیلی از طرف ایستمن به آسکو مقرر شده است و نرخ اجاره‌ها طبق فهرست قیمت‌های سال ۱۹۷۵ ایستمن که نسخه‌ای از آن پیوست قرارداد است، معین شده است. جدول چاپی نرخهای فوق در چندین مورد با ماشین تحریر تغییر یافته است. به عنوان مثال، نرخ ضربه‌زنی‌ای مورد استفاده از روزانه ۱۸۵ دلار به ۲۰۰ دلار امریکا تغییر یافته، و شرط تغییر قیمت‌ها بدون اطلاع [قبلی] قلم خورده است. قرارداد ۴۰۰ برای دو سال تا دهم خردادماه ۱۳۵۶ [۳۱] مه ۱۹۷۷ ادامه داشت. در سال ۱۹۷۷ طرفین به قرارداد ۲۸۰ توافق کردند که مدت آن قرار بود سه سال از ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [اول مه ۱۹۷۷] باشد. قصد صریح قرارداد ۲۸۰ یکپارچه کردن قراردادهای موجود بین طرفین بود. با آنکه قرارداد ۲۸۰ ذکری از ضربه‌زنی‌ای دیلی نکرده ولی فهرست قیمت‌های ایستمن برای سال ۱۹۷۷ در آن منظور شده و نرخ اجاره‌های ضربه‌زنی‌ای دیلی در این فهرست آمده است. نرخ اجاره‌های مندرج در فهرست سال ۱۹۷۷ مشابه نرخهای مندرج در فهرست سال ۱۹۷۵ یعنی روزانه ۲۰۰ دلار امریکا برای ضربه‌زنی‌ای مورد استفاده و ۷۰ دلار امریکا برای ضربه‌زنی‌ای ذخیره بود، لیکن، قید "تغییر نرخها بدون اطلاع [قبلی]" روی فهرست سال ۱۹۷۷ قلم نخورده بود. دیوان از واقعیات فوق چند نتیجه به شرح زیر می‌گیرد: قرارداد ۲۸۰ باید عامل بسط یا اصلاح قرارداد ۴۰۰ تلقی شود. فهرست سال ۱۹۷۷ ایستمن جایگزین فهرست سال ۱۹۷۵ آن شرکت شد و این جایگزینی نرخ اجاره‌های ضربه‌زنی‌ای دیلی را بلافاصله تغییر نداد ولی این حق را به ایستمن داد که نرخهای خود را در طول سه سال مدت قرارداد ۲۸۰ افزایش دهد. حق آسکو به فسخ قرارداد با دادن اخطار شصت روز، ایستمن را از اعمال نرخهای بالا برحدز می‌داشت. دیوان نتیجه می‌گیرد که پس از انتشار فهرست جدید قیمت‌ها در دهم آبانماه ۱۳۵۷ [اول نوامبر ۱۹۷۸] ایستمن حق آن را داشت که اجاره‌های ضربه‌زنی‌ای دیلی را به نرخ روزانه ۲۲۰ و ۹۰ دلار امریکا برای آسکو محاسبه نماید و بنابراین کاهش مبالغ قابل پرداخت به ایستمن بابت اجاره‌های ضربه‌زنی‌ای دیلی، ضرورت ندارد.

۴۵ - موضوع دوم در دعوای ایستمن بابت صورتحسابهای ناشی از امتناع شرکت نفت از پرداخت صورتحسابهای اجاره و خدمات مربوط به سکوهای حفاری است که حسب اظهار شرکت نفت غیر فعال بودند. صورتحسابهای مربوط به این دعوا را بر حسب دلایلی که برای عدم فعالیت سکوها ابراز شده، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول صورتحسابهایی است که بابت دوره زمانی از هفتم دیماه تا ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۹] صادر شده‌اند. شرکت نفت مدعی است که اعتراضات و خروج کارگران خارجی باعث تعطیل حوزه‌های نفتی و درنتیجه موجب بروز شرایط فورس‌ماژور شد که تعهدات آن شرکت را در قبال قرارداد ۲۸۰ معلق می‌ساخت. بدین ترتیب، شرکت نفت تقریباً کلیه صورتحسابهای مربوط به دوره فورس‌ماژور را رد می‌کند. دسته دوم صورتحسابها بابت اجاره‌بهای و خدمات بعد از ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] می‌باشد. شرکت نفت اظهار می‌دارد که "تصمیم عملیاتی" که این شرکت گرفت این بود که حفاری برخی سکوها را پس از آن تاریخ از سر بگیرد و بقیه را غیر فعال بگذارد. شرکت نفت صورتحسابهای اجاره‌بهای و خدمات مربوط به سکوهایی را که از تاریخ ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] یا بعد از آن آغاز به فعالیت کردند، می‌پذیرد و صورتحسابهای مربوط به سکوهایی را که مدعی است غیر فعال باقی ماندند، رد می‌کند.

۴۶ - ایستمن در تائید دعوای خود بابت صورتحسابها اظهار می‌دارد که آسکو و شرکت نفت دادن سفارش برای اجاره تجهیزات را در اوخر ۱۹۷۸ و تا پایان سال ۱۹۷۹ ادامه دادند. حسب اظهار ایستمن، شرکت نفت ثابت نکرده است که سکوهایش واقعاً غیر فعال بودند و نیز خاطرنشان می‌سازد که طبق مفاد قرارداد ۲۸۰، شرکت نفت می‌توانست صرفاً با اطلاع تلفنی به دفتر ایستمن در اهواز، پرداخت اجاره‌بهای پاره‌ای از تجهیزات را که دیگر در سکوهای خود مورد استفاده قرار نمی‌داد، متوقف سازد. ایستمن سپس استدلال می‌کند که شرکت نفت ثابت نکرده است که شرایط فورس‌ماژور به طور کلی، یا در رابطه با مفاد این قرارداد وجود داشته است.

شرکت نفت در پاسخ اظهار می‌دارد که "ضروری نمی‌داند مدارکی در اثبات وجود شرایط فورس‌ماژور از دسامبر ۱۹۷۸ تا اواسط تابستان ارائه نماید زیرا دیوان وجود شرایط فورس‌ماژور را در پرونده‌های مختلف تائید کرده است". شرکت نفت در تائید اظهار فوق به احکام دیوان در پرونده‌های زیر اشاره می‌کند: قرار اعدادی شماره ۲۴-۴۹-۲ مورخ پنجم مردادماه ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳] صادره در پرونده گولد مارکتینگ، اینکورپوریتد و وزارت دفاع ملی ایران چاپ شده در ۱۴۷ Iran-U.S. C.T.R. و حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹ مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۶۶ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده سدکو، اینکورپوریتد و شرکت ملی نفت ایران، و سایرین چاپ شده در ۲۳ Iran-U.S. C.T.R. ۱۵.

۴۷ - دیوان در رسیدگی به این موضوع خاطرنشان می‌سازد که به موجب قرارداد ۲۸۰، مادام که آسکو این تجهیزات را روی سکوهای خود داشت اجاره‌بها به ایستمن تعلق می‌گرفت صرفنظر از آنکه فعالیت حفاری ادامه می‌داشت یا متوقف بود. دیوان باید تصمیم بگیرد که آیا و تحت چه شرایطی قطع حفاری می‌تواند موجب قطع اجاره‌بها و هزینه خدمات ایستمن گردد.

۴۸ - ابتدا بپردازیم به صورتحسابهای اجاره و خدمات بین هفتم دیماه و ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ و ۱۷ فوریه ۱۹۷۹]. دیوان مجدداً این قاعده را خاطرنشان می‌سازد که طرفی که به عنوان عذر عدم اجرای تعهدات قراردادی خود به شرایط فورس‌ماژور استناد می‌کند، وظیفه دارد وجود شرایط فورس‌ماژور را اثبات کند. رجوع کنید به: صفحه ۲۰ [انگلیسی] حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ششم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۷ ژوئن ۱۹۸۵] صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران چاپ شده در ۲۹۸,۳۱۲ Iran-U.S. C.T.R. ۸.

وجود شرایط ادعایی فورس‌ماژور باید در رابطه با تعهد ویژه قراردادی مورد بحث، ارزیابی شود، همان ماعخذ صفحات ۱۵ و ۱۶

[انگلیسی]، Iran-U.S. C.T.R. at 309 . در پرونده گولد دیوان نظر داد که «تا دسامبر ۱۹۷۸، اعتصابات و سایر کشمکشی‌ای داخلی در جریان انقلاب اسلامی، لاقل در شهرهای بزرگ ایران شرایط کلاسیک فورس‌ماژور را بوجود آورده بود». صفحه ۱۱ حکم فوق صادره در پرونده گولد مارکتینگ، اینکورپوریتد 152-53 Iran-U.S. C.T.R. at 152-53 . این شرایط فورس‌ماژور تا ژوئن ۱۹۷۹ ادامه داشت. همان مأخذ، صفحه ۱۲، ۳ Iran-U.S. C.T.R. at 153 .

۴۹ - در پرونده شماره ۱۲۹ سدکو، اینکورپوریتد، شرکتهای فرعی خواهان یعنی سیسا و سدیران سکوهای حفاری به آسکو اجاره می‌دادند. مدارک موجود نشان می‌داد که اعتصابات باعث قطع عملیات حفاری در سپتامبر و نوامبر ۱۹۷۸ شد و سپس بار دیگر در اوخر دسامبر بدنبال قتل آقای بل گریم مدیرکل آسکو و خروج کارمندان امریکایی آسکو از ایران، عملیات حفاری متوقف گردید. کار حفاری سکوهای خواهان به تدریج از اوخر فوریه ۱۹۷۹ از سر گرفته شد. رجوع کنید به: بندھای ۹۸، ۱۴۰، ۳۲۴ حکم بالا صادره در پرونده سدکو، اینکورپوریتد. دیوان نظر داد که «ناآرامی عمومی سیاسی موجود که در پرونده حاضر مطرح است، نمایانگر وضع کلاسیک فورس‌ماژور است». بند ۱۳۸ همان مأخذ.

۵۰ - در حکم صادره در پرونده سدکو مشخص نیست که آیا سکوهای ذیربطر در آن پرونده همانهایی است که تجهیزات ایستمن در آنها مورد استفاده بود یا خیر. معهذا، یافته‌های دیوان در چندین پرونده نفتی دامنه قیامی را که در خلال انقلاب اسلامی صنایع نفت ایران را تکان داد، منعکس می‌سازد. کارگران نفت ایران نقش به ویژه با اهمیتی در سقوط شاه ایفا کردند. امام خمینی از ماه نوامبر ۱۹۷۸ کارگران نفت را تشویق به اعتصاب می‌کرد تا با قطع صدور نفت، رژیم شاه را تضعیف نماید. اعتصابات توسعه یافت. اغتشاش و خشونت بالا گرفت و منجر به خروج کارگران خارجی نفت شد. تا ماه دسامبر بخش اعظم تولید نفت قطع شد و صادرات

متوقف گردید. صنعت نفت (بجز بخش کوچکی برای تأمین نیازهای داخلی) تا بعد از پیروزی انقلاب در فوریه ۱۹۷۹، کماکان فلچ بود و صادرات نفت تا ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۷ [پنجم مارس ۱۹۷۹] از سر گرفته نشد. رجوع کنید به: بندهای ۲۰ تا ۳۵، ۷۸ تا ۸۴ حکم شماره ۴۲۵۳۹-۲ مورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۸ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۹] صادره در پرونده فیلیپس پترولیوم کامپنی ایران و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، چاپ شده در 79 C.T.R. 21 Iran-U.S.

قطع تولید نفت، شرایط فورسماژور را در سراسر صنعت نفت ایران بوجود آورد. دیوان نظر داده است که شرایط مذکور "از اوایل ۱۹۷۸ که امام خمینی از کارگران نفت خواست که اعتصاب کنند، آغاز شد و چند ماه بعد از آن که انقلاب منتهی به ایجاد جمهوری اسلامی شد و دولت جدید دستور ادامه تولید داد، پایان یافت." همان ماعخذ بند ۸۱. همچنین رجوع کنید به: بندهای ۲۱، ۱۱۲ تا ۱۱۹ حکم شماره ۳-۱۵۰-۳ ۳۱۱-۷۴/۷۶/۸۱/۱۵۰-۳ مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده موبیل اویل اینکورپوریتد و سایرین و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، چاپ شده در 3 C.T.R. 16 Iran-U.S.

۵۱ - براساس مراتب فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که در فاصله زمانی هفتم دیماه تا ۲۸ بهمنماه ۱۳۵۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۹] شرایط فورسماژور پرداخت اجاره تجهیزات ایستمن به آسکو را متوقف کرد. دیوان استدلال ایستمن را دائز بر آنکه شرکت نفت نتوانسته است در رابطه با مقادیر قرارداد برای لغو اجاره تجهیزات بوسیله اطلاع تلفنی، شرایط فورسماژور را ثابت نماید، نمی‌پذیرد. از آنجا که نسخه‌های قرارداد ۲۸۰ تا مدتی دیرتر در سال ۱۹۷۹ در اهواز موجود نبود، اختلال دارد که کارمندان طرفین در محل از مقادیر آن در مدت فورسماژور اطلاعی نداشتند - همانطور که از ماده مربوط به تخفیف کلی نیز مطلع نبودند. بنابراین صورتحسابهای ایستمن در مدت فورسماژور قابل پرداخت نیست. با ایننصف، تعدادی از صورتحسابهای ایستمن که در آن دوره به شرکت نفت ارسال شد - مانند

صورتحساب هزینه انبارداری تجهیزات آسکو در انبار ایستمن - مربوط به دسته‌ای از خدمات ایستمن است که شرایط فورسماژور تأثیری در آنها نداشت. این قبیل صورتحسابها قابل پرداخت است.

۵۲ - سی و نه صورتحساب، کلا" یا جزوی، دوره زمانی از هفتم دیماه تا ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۹] را در بر می‌گیرد. مبلغ کل این صورتحسابها بالغ بر $103,243/36$ دلار امریکا است. از مبلغ فوق، $60,622/-$ دلار امریکا مربوط به اجاره تجهیزات در آن دوره است. با اجرای این تصمیم که شرایط فورسماژور پرداخت اجاره تجهیزات را متوقف کرد، دیوان مبلغ $60,622/-$ دلار امریکا از مبلغ صورتحسابها قابل پرداخت به ایستمن کسر می‌کند.

۵۳ - حال بپردازیم به صورتحسابهای اجاره و خدمات که بعد از ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] صادر شده‌اند. دیوان متذکر می‌گردد که شرکت نفت برای رد برخی از این صورتحسابها به شرایط فورسماژور استناد نمی‌کند. شرکت نفت "صرفًا" مدعی است که تعدادی از سکوهایش بلااستفاده باقی مانده بوده‌اند. دیوان در قرارداد یا در عملکرد طرفین دلیلی نمی‌یابد که در مواردی که شرکت نفت قصد خود را به قطع اجاره تجهیزاتی قبله" به ایستمن اطلاع نداده باشد حق داشته باشد از پرداخت صورتحسابی امتناع کند. صرف این واقعیت که سکویی در حال فعالیت نبود، موجب تعليق در پرداخت اجاره‌های ایستمن نمی‌گردید. فورسماژور ممکن است شرکت نفت را از دادن اطلاع به ایستمن برای قطع اجاره معاف سازد، لیکن در اوآخر فوریه ۱۹۷۹ که اوضاع صنعت نفت ایران آرامش بیشتری یافت، شرکت نفت موظف بود که ایستمن را از کاهش برنامه حفاری خود مطلع سازد و تجهیزات غیر ضروری را عودت دهد و به صورتحسابهای نادرست اعتراض کند. رجوع کنید به: بند ۱۳۷ حکم شماره ۲۵۵-۴۸-۳ مورخ ۲۸ شهریورماه ۱۳۶۵ [۱۹ سپتامبر ۱۹۸۶] صادره در پرونده امریکن بیل اینترنشنال اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی

اگر اند چاپ شده در ۱۷۰,۲۱۱ Iran-U.S. C.T.R. ۱۲. شرکت نفت حق نداشت به دلایل شخصی خود و بدون اطلاع به ایستمن برنامه حفاری خود را تغییر دهد و سپس مدتی بعد به صورتحسابهای ایستمن اعتراض نماید. اینک مسئله بدين صورت در می آید که آیا شرکت نفت نیازهای جدید تجهیزاتی و خدماتی خود را به ایستمن اطلاع داد یا خیر، و اگر داد، در چه زمانی.

۵۴ - ایستمن ارسال صورتحساب به شرکت نفت را بعد از ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] کماکان ادامه داد. تلکس مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [پنجم مه ۱۹۷۹] شرکت نفت به ایستمن اشعار می دارد که "ما همچنان نیازمند خدمات شما هستیم. لیکن درنتیجه تغییراتی که در فعالیت حفاری ما بوجود آمده مایلیم به اطلاع برسانیم که میزان خدمات شما در آینده باید بر اساس عملیات ده سکوی حفاری باشد." معلوم نیست ایستمن پیام فوق را دریافت کرده باشد، لیکن همین پیام را که "مجدداً" در هفتم مرداد ماه ۱۳۵۸ [۲۹ ژوئیه ۱۹۷۹] تلکس گردید، دریافت نمود. با آنکه در تلکس فوق سکوهایی که اجاره آنها باید متوقف شود مشخص نشده است، لیکن دیوان آن را برای اعلام نیازهای جدید شرکت نفت، کافی می داند. ایستمن موظف بود که سایر جزئیات مورد نیاز خود را درخواست نماید. دیوان نتیجه می گیرد که صورتحسابهای اجاره و خدمات ایستمن بین ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ و هفتم مرداد ماه ۱۳۵۸ [۱۷ فوریه و ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۹] باید به طور کامل پرداخت شود. در ارتباط با دوره بعد از هفتم مرداد ماه ۱۳۵۸ [۲۹ ژوئیه ۱۹۷۹]، دیوان ایرادات شرکت نفت به ۳۰ فقره صورتحساب را می پذیرد. جمع این صورتحسابها ۴۳,۵۶۶ دلار Amerika است. شرکت نفت جمعاً نسبت به مبلغ ۲۲,۶۲۸/۵۰ دلار از اجاره بها ایراد دارد. با این یافته که شرکت نفت به ایستمن اطلاع داد که اجاره پاره ای تجهیزات باید متوقف شود، دیوان مبلغ ۲۲,۶۲۸/۵۰ دلار Amerika از مبلغ قابل پرداخت بابت صورتحسابهای ایستمن کسر می کند.

۵۵ - قبل از پرداختن به آخرین موضوع عده دعوای ایستمن بابت صورتحسابها یعنی موضوع تخفیف کلی که مربوط به کلیه صورتحسابهای تحت قرارداد ۲۸۰ می‌شود، دیوان باید ده فقره صورتحساب را به مبلغ کل ۱۸۸/۹۵ ۷۷ دلار امریکا که مسایل مربوط به ارائه دلایل را مطرح می‌کند، بررسی نماید^(۵). در مورد اغلب این صورتحسابها مسئله اینست که آیا شرکت نفت صحیحاً نسبت به آنها اعتراض کرده است یا خیر. مدارک آن زمان شامل نامه‌های ارسالی شرکت نفت به ایستمن در اعتراض به پاره‌ای از این صورتحسابها و نیز چند یادداشت دستی روی نامه‌ها و یک صورتحساب است.

۵۶ - دیوان نتیجه می‌گیرد که در مورد پنج فقره از این صورتحسابها اعتراضات شرکت نفت حاوی توضیحات و مدارک کافی نیست. (برخلاف بسیاری از اعتراضات دیگری که شرکت نفت اقامه نمود و مآلًا مورد قبول ایستمن قرار گرفت. رجوع کنید به: بند ۳۵ فوق). در مورد پنج صورتحساب دیگر دیوان اعتراضات شرکت نفت را می‌پذیرد. ایستمن ظاهراً ۱۰۴ دلار کسری پرداخت آسکو را برای صورتحساب شماره ۰۰۱۸۲ ادر سال ۱۹۷۶ قبول کرده بود. ایستمن نسخه صورتحساب شماره D ۱۳۱۵۶ مورخ ۲۱ آذرماه ۱۳۵۶ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۷] به مبلغ ۷۳۷۳ دلار را ارائه نکرده است. درج این صورتحساب در "تراز آزمایشی قدیمی" ایستمن کافی نیست که ثابت کند صورتحساب قابل پرداخت است. در مورد صورتحساب شماره ۱۶۵۶۲ I اعتراض شرکت نفت به این که ایستمن بابت تجدید آب کرم یک گیره دیلی مبلغ ۳۸۵/۵۰ دلار اضافه حساب کرده، صحیح بوده است. دو صورتحساب آخر، به شماره ۰۰۴۹۱ I به مبلغ ۳۷۵/۱۰ دلار و به شماره ۰۰۷۸۰/۶ I به مبلغ

(۵) این صورتحسابها عبارتند از شماره ۰۰۱۸۲ I ، ۰۰۴۹۱ I ، ۰۰۵۱۲ I ، ۰۰۵۱۶ D ۱۳۱۵۶ ، ۱۶۳۶۲ I ، ۱۶۵۵۰ I ، ۱۶۵۶۲ I ، ۱۶۵۷۶ I ، ۰۰۷۸۰/۶ I .

۲۷،۵۴۶/- دلار حاوی یادداشت‌های دستی است. اصالت یادداشت‌های مذکور به طور قطع تعیین نشده است، با اینحال دیوان بر اساس مدارک فراوانی قانع شده است که اعتراض شرکت نفت به دو صورتحساب فوق، کافی بوده و بدین ترتیب بار اثبات بیشتر آنها را به دوش ایستمن می‌گذارد. جمع مبلغ مورد اختلاف در پنج صورتحساب فوق بالغ بر ۳۵،۷۸۳/۶۰ دلار است که از مبلغ قابل پرداخت بابت صورتحسابهای ایستمن کسر می‌شود.

۵۷ - آخرین موضوع عده دعوای ایستمن بابت صورتحسابها مربوط به موضوع تخفیف کلی در قرارداد ۲۸۰ است. اختلافی نیست که ایستمن طبق جدول نرخهای قرارداد، تخفیف فوق را در مورد اجاره "ابزار نفتی متعلق به ایستمن ویپستاک" اعمال نکرده است(۶). بر این اساس، ایستمن پذیرفته است که میزان تخفیف کلی در بسیاری از صورتحسابهای وی - منجمله آنهای که توسط آسکو پرداخت شده - باید با عطف به مسابق محاسبه و از مبلغ بدھی شرکت نفت به وی کسر گردد. موضوع مورد اختلاف در آینجا منحصراً مربوط به میزان تخفیف است.

۵۸ - شرکت نفت در نامه‌ای به تاریخ ۲۷ خردادماه ۱۳۵۹ [۱۷ ژوئن ۱۹۸۰] ادعا کرد که رقم تخفیف باید ۱۴۲/۸۹ ۲۲۰،۱۴۲ دلار امریکا باشد. شرکت نفت دلیل و مدرکی در تأیید این رقم ارائه نکرد. ایستمن در لایحه خود مدعی شد که رقم تخفیف بایستی ۴۴۰/۰۷ ۱۵۵،۴۴۰ دلار امریکا باشد. ایستمن مبلغ مزبور را با رجوع به صورتحسابهای موجود و "گزارش‌های درآمد حاصله" خود (سوابق وقت که در آن نوع تجهیزات مورد اجاره در هر صورتحساب مشخص می‌گردید) محاسبه کرده است.

(۶) اشتباه فوق یکی از مواردی بود که ظاهرها در تابستان ۱۹۷۹ شرکت نفت را بر آن داشت که قبل از آنکه صدور تجهیزات ایستمن را تصویب نماید، خواستار مقابله حسابهای ایستمن با حسابهای آسکو شود. رجوع کنید به: بندهای ۹۲-۹۴ زیر.

شرکت نفت در لایحه معارض خود رقم ۱۵۵،۴۴۰/۰۷ دلار ایستمن را به عنوان رقم صحیح تخفیف برای مبالغ اجاره‌بها و خدماتی که نسبت به آنها اعمال شده، قبول کرد، لیکن ضمناً ادعا کرد که تخفیف مزبور باید در مورد کلیه مبالغ اجاره‌بها ضربه‌زنی‌ای دلیل نیز اعمال شود. بدین ترتیب مبلغ ۲۵۲،۸۹۶/۸۲ دلار امریکا به تخفیف اضافه شده و آن را به ۴۰۸،۳۳۶/۸۹ دلار امریکا بالغ می‌گرداند. شرکت نفت استدلال مزبور را بر ساخت قرارداد ۲۸۰ مبتنی ساخته و می‌گوید: نظر به اینکه "ایستمن... از تجهیزات (ضربه‌زنی‌ای حفاری) دلیل (که ۵۰٪ کل هزینه‌های هر ماه را تشکیل می‌داد) به عنوان تجهیزات متعلق به خویش" استفاده می‌کرد، "غیر عقلایی" به نظر می‌رسد که ضربه‌زنی‌ای دلیل تحت عنوان "خدمات متفرقه دیگر" موضوع بند ۴ طبقه‌بندی شود. شرکت نفت به عنوان دلیل اظهارات خود به این واقعیت اشاره می‌کند که ایستمن در واقع در بیست و چهار فقره صورتحساب مبلغ تخفیف را نسبت به اجاره‌بها ضربه‌زنی‌ای دلیل اعمال کرده است. این کار هنگامی صورت گرفته که ایستمن مبلغ تخفیف را به منظور ارائه در رسیدگی‌های حاضر محاسبه می‌کرد. بیست و چهار فقره صورتحساب مزبور در شمار متجاوز از ۱۶۵۰ فقره صورتحسابی بوده که ایستمن در فاصله زمانی ۱۱ خردادماه ۱۳۵۶ الی نهم مهرماه ۱۳۵۷ [اول ژوئن ۱۹۷۷ الی اول اکتبر ۱۹۷۸] به آسکو تسلیم کرده بود. در پاسخ به این استدلال، ایستمن در جلسه استماع اظهار داشت که وی در اعمال تخفیف در مورد اجاره‌بها پاره‌ای از ضربه‌زنی‌ای دلیل دچار اشتباه شده است. ایستمن سپس از کل رقم تخفیف مورد قبول خود مبلغ ۸،۴۸۳/۴۳ دلار امریکا، که اشتباه‌ها" از این بیست و چهار فقره صورتحساب کسر گردیده بود، کاهش داده و بدین ترتیب همین مبلغ را به ادعای خود بابت صورتحسابها افزود.

۵۹ - دیوان داوری قبله" نظر داده است که اجاره ضربه‌زنی‌ای دلیل توسط ایستمن یک "خدمت متفرقه دیگر" نبوده است. لیکن، این نتیجه‌گیری، فی‌نفسه ضربه‌زنی‌ای دلیل را به صورت "وسائل و تجهیزات نفتی متعلق به ایستمن ویستاک" تغییر ماهیت

نمی دهد تا مشمول شرط تخفیف کلی مندرج در قرارداد بشود. در فهرست قیمت ضربه زنها دیلی که جزو قرارداد ۲۸۰ شد ضربه زنها صریحاً دارایی "دیلی اویل تولز" معرفی شده است. این امر اجاره بهای ضربه زنها دیلی را از مشمول تخفیف کلی خارج می سازد. این واقعیت که ایستمن در هنگام محاسبه تخفیف کلی برای درج در لایحه خود بیست و چهار فقره صورتحساب ضربه زنها دیلی را منظور نموده این نتیجه گیری را تغییر نمی دهد. به نظر می رسد اقدام ایستمن یک اشتباه دفتری بوده باشد. این امر قانوناً ایستمن را از اقامه ادعای خود بابت پرداخت کامل سایر صورتحسابهای ضربه زنها دیلی منع نمی کند. لیکن، در رابطه با بیست و چهار فقره صورتحساب مورد بحث، تصحیح اشتباه توسط ایستمن که به صورت اصلاحیه ادعای وی در جلسه استماع به عمل آمد با تأکید زیاد صورت گرفته و لذا قابل پذیرش نیست.

۶- به طوری که در بالا اشاره شد هر دو طرف رقم ۱۵۵،۴۴۰/۰۷ دلار امریکا را به عنوان تخفیف کلی، در صورت حذف اجاره بهای ضربه زنها دیلی پذیرفته اند. با توجه به نتیجه گیریهای دیوان مبنی بر اینکه برخی از صورتحسابها قابل پرداخت نیستند رقم مزبور باید اصلاح گردد. رقم تخفیف کلی بر حسب جمع کل ماهانه صورتحسابهای ایستمن از صفر درصد تا ۱۶ درصد مبلغ مشمول تخفیف، نوسان داشته است. کل رقم مشمول تخفیف در صورتحسابهای ایستمن تحت قرارداد ۲۸۰، مبلغ ۳۱۵/۷۵ ۲،۹۸۰ دلار امریکا بوده است. حذف صورتحسابهای غیر قابل پرداخت، مبلغ مشمول تخفیف را به شرح زیر کاهش می دهد:

رقم اولیه مشمول تخفیف	۲،۹۸۰،۳۱۵/۷۵
مبالغ مشمول تخفیف صورتحسابهای غیر قابل پرداخت:	
- فورس مازور	(۳۰،۲۲۶/-)
- بعداز هفتم مردادماه ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] زوئیه ۲۹	(۱۵،۴۹۴/۵۰)
- موضوعات متفرقه	(۶۸/-)

مبلغ اصلاحی مشمول تخفیف ۲،۹۳۴،۵۲۷/۲۵ دلار امریکا

کاهش تخفیف کلی به میزانی متناسب با کاهش ۴۵،۷۸۸/۵۰ دلاری مزبور در رقم مشمول تخفیف، رقم تقریباً صحیح تخفیف را به دست می‌دهد. بنابراین، نظر دیوان اینست که رقم تخفیف کلی باید مبلغ ۱۵۳،۰۵۲/- دلار امریکا باشد.

۶۱ - دیوان برای اختتام بررسی دعوای ایستمن بابت صورتحسابها و محاسبه مبلغ قابل پرداخت به ایستمن، رسیدگی را از مبلغ کل همه صورتحسابهای مربوطه در این ادعا آغاز می‌کند. این مبلغ عبارت است از مجموع رقم صورتحسابهایی که حسب ادعا قابل پرداخت بوده و پرداختهای انجام شده به ایستمن در آن منظور شده باشد. رقم مزبور یعنی ۱،۵۷۸،۰۸۴/۴۶ دلار امریکا نقطه شروع قابل اعتمادی است، زیرا از اسناد و مدارک تسلیمی هر دو طرف قابل استخراج است. بابت پرداختهایی که به ایستمن انجام شده، که باید به حساب شرکت نفت منظور شود، و بابت صورتحسابهای غیر قابل پرداخت و نیز به منظور اعمال تخفیف کلی، مبالغی از رقم مزبور کسر شده است. طبق مقاد فرادراد ۲۸۰ مالیات پیمانکار نیز از آن کسر خواهد شد. بدین ترتیب مبلغ خالص قابل پرداخت به ایستمن به شرح زیر به دست می‌آید:

۱،۵۷۸،۰۸۴/۴۶

(۸۶۳،۷۹۷—)

کسور مورد قبول ایستمن در پاسخ به لایحه شرکت نفت

تحصیقات انجام شده^(۷)

(۸۷۴/۶۸)

مبلغ کل همه صورتحسابها

پرداختهای شرکت نفت به ایستمن

(۶۰،۶۲۲—)

— بعداز هفتم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۹ ژوئیه ۱۹۷۹]

(۳۵،۷۸۳/۶۰)

(۱۵۳،۰۵۲—)

دوره فورس مازور

— موضوعات متفرقه

تخفیف کلی

۴۱۳،۸۰۲/۵۱

(۲۲،۷۵۹/۱۴)

رقم ناچالص قابل پرداخت

مالیات پیمانکار (۵/۵ درصد کسر می شود)

۳۹۱،۰۴۳/۳۷

مبلغ خالص قابل پرداخت

بنابراین، دیوان مبلغ ۳۹۱،۰۴۳/۳۷ دلار امریکا بابت دعاوی ایستمن بابت صورتحسابها به نفع خواهانها حکم صادر می کند. بهره به این مبلغ از ۲۸ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۱]، یعنی از تاریخ دادخواست تعلق خواهد گرفت.

۲ - دعوا بایت کسور [بیمه های اجتماعی]

۶۲ - ایستمن حساب خود با سازمان بیمه های اجتماعی را تسویه نمود و در ژانویه ۱۹۸۰ مفاسد حساب خود را دریافت کرد. برای این منظور، ایستمن ملزم بود پرداخت

(۷) ایستمن در پاسخ به لایحه شرکت نفت قبول کرد که رقم مزبور باید از صورتحسابهای شماره ۱۵۲۰، ۱۶۳۲۴، ۱۶۴۴۷، ۱۶۴۴۲، ۱۶۴۴۴، ۱۶۴۴۶، ۱۶۴۴۳ و ۱۶۶۷۸ I کسر شود. لیکن، "بعداً" از اعمال تعدیلات لازم در ادعای خود، به ترتیبی که در "خلاصه تطبیق" خود (خلاصه حسابهای ایستمن با آسکو) ارائه شده بود، غفلت نمود.

نهایی به مبلغ ۱۹۰،۷۵۱/- ریال به سازمان بیمه‌های اجتماعی انجام دهد. ایستمن ترتیبی داد که این مبلغ توسط شرکت نفت با استفاده از کسوری که به حساب ایستمن نگهداری شده بود، پرداخت شود. پس از صدور مفاسد حساب، شرکت نفت در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۸ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۰] مبلغ ۹،۲۹۱،۲۳۳/- ریال به ایستمن پرداخت کرد. شرکت نفت ادعا کرد که این رقم، مبلغ خالص کسور قابل پرداخت به ایستمن بعد از تهاوتر اضافه پرداختهایی به مبلغ ۲۲،۶۹۹،۴۲۲/- ریال است که در صورتحسابهای ایستمن انجام شده است.

۶۳ - پرداخت مبلغ ۹،۲۹۱،۲۳۳/- ریال در ژانویه ۱۹۸۰ توسط شرکت نفت به ایستمن نمایانگر آن است که شرکت نفت اذعان داشته که ایستمن مستحق دریافت کسور بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی خود بوده است. تنها دلیل شرکت نفت برای ادامه نگهداری مانده کسور بیمه‌های اجتماعی ایستمن این ادعاست که وی بیش از مبلغ صورتحسابهای ایستمن پرداخت کرده است. لیکن، بررسی دعوای مربوط به صورتحسابهای ایستمن توسط دیوان نشان داده است که شرکت نفت در واقع هنوز مبالغ قابل ملاحظه‌ای بابت صورتحسابهای پرداخت نشده به ایستمن بدهکار است. دیوان داوری، همچنین بر این نظر است که شرکت نفت ثابت نکرده است که مبلغ موضوع مفاسد در برگ مفاسد حساب اشتباه است. بنابراین، نتیجه آن می‌شود که شرکت نفت باید وجه کسور بیمه اجتماعی را که هنوز به حساب ایستمن نگهداشته، مسترد نماید. مبلغ نگهداری شده توسط شرکت نفت، ۲۲،۶۹۹،۴۲۲/- ریال، یعنی معادل ۳۲۲،۰۹۲/- دلار امریکا به نرخ تبدیل ۷۰،۴۷۵ ریال = ۱ دلار امریکا می‌باشد. نرخ مزبور نرخ رایج در ژانویه ۱۹۸۰ بوده، یعنی هنگامی که وجوده می‌باشتی مسترد می‌شدند. رجوع شود به: صندوق بین‌المللی پول، آمار مالی بین‌المللی، تکمله نرخهای تبدیل ۶۴(۱۹۸۵). لذا، دیوان مبلغ ۳۲۲،۰۹۲/- دلار امریکا بابت ادعای کسور ایستمن به نفع خواهانها در حکم منظور می‌کند. بهره مبلغ مزبور از ۲۹ دیماه ۱۳۵۸ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۰] شروع خواهد شد، یعنی تاریخی که

شرکت نفت می‌بایستی تمام مبلغ کسور و نه فقط بخشی از آن را، آزاد می‌کرد.

۳ - دعوا بابت اموال

مقدمه درباره وقایع

۶۴ - اختلافی نیست که ایستمن کلیه تجهیزات، ابزار و وسائل و قطعات یدکی لازم برای ایفای تعهدات خود تحت قراردادهای ۴۰۰، ۹۵۴ و ۲۸۰ ("تجهیزات") را به نام شرکت نفت به ایران وارد کرد. در شرایط کلی قرارداد خدمات آسکو ("شرايط کلی")، تجهیزات مذبور "کارگاه [تجهیزات] خدماتی" (Service Plant) خوانده شده است. همانطور که قبله در این حکم ملاحظه شد، کارگاه خدمات نه تنها شامل تجهیزات متعلق به ایستمن بوده، بلکه ابزار و وسائل شرکتهای دیگر را نیز در بر می‌گرفته است. تجهیزات اخیرالذکر شامل ضربه‌زنی‌های حفاری دیلی متعلق به دیلی اینترنشنال سیلز کورپوریشن و "وسائل ضربه زن کوگار" متعلق به او.بی.آی. لیمیتد بوده است.

۶۵ - دیلی طبق قرارداد نمایندگی مورخ سوم شهریورماه ۱۳۵۷ [۲۵ آوت ۱۹۷۸] ضربه‌زنی‌ای دیلی را برای اجاره به اشخاص ثالث در اختیار ایستمن قرار داده بود. در قرارداد نمایندگی ذکر شده که قرارداد "ایستمن را مالک ضربه‌زنی‌های حفاری نمی‌سازد". ماده هفت قرارداد نمایندگی که تعهدات طرفین در صورت از دست رفتن تجهیزات در آن تعیین شده، به شرح زیر است:

چنانچه هر یک از ضربه‌زنی‌های حفاری گم شود و در مدتی که در امانت مشتری [ایستمن] است اعاده نگردد، [ایستمن] باید به مجرد تسلیم صورتحساب توسط [دیلی] قیمت فروش کامل گیره حفاری را طبق قیمت جاری آن، به اضافه هزینه‌های تهییه و جابجایی مجدد... پرداخت کند.

۶۶ - به همین نحو، او بی. آی. وسائل ضربه زن کوکار ("وسائل ضربه زن") را برای اجاره به اشخاص ثالث طبق قرارداد نمایندگی مورخ نهم مردادماه ۱۳۵۷ [۳۱ ژوئیه ۱۹۷۸] در اختیار ایستمن قرار داده بود. در قرارداد تصریح شده که "مالکیت وسائل ضربه زن که توسط او بی. آی در اختیار [ایستمن] گذارده می‌شود... در دست او بی. آی باقی خواهد ماند...". در رابطه با وسائل کم شده ماده نه قرارداد نمایندگی چنین مقرر می‌دارد:

۹-۱ پیش‌بینی می‌شود که گاه به گاه پس از تحویل وسائل ضربه زن به [ایستمن]، مشتریان [ایستمن] در طول عملیات حفاری و یا غیر آن وسائل را از دست بدھند و یا آن را رها نمایند. [ایستمن] باید به فوریت از دست رفتن وسائل را به اطلاع او بی. آی رسانده و به مجرد دریافت صورتحساب او بی. آی بابت وسائل، قیمت فروش صادراتی وسائل ضربه زن از دست رفته را به ترتیب مندرج در جدول الف سند حاضر، منهاج بیست درصد (۲۰%) به او بی. آی پرداخت نماید.

۶۷ - در شرایط عمومی آسکو، دستورالعمل صدور کارگاه خدمات ایستمن به تفصیل قید شده است. ماده ۱۶ در قسمت مربوطه مقرر می‌دارد که:

پس از خاتمه خدمات و یا فسخ قبل از موعد قرارداد طبق شرایط عمومی حاضر، [ایستمن] تجهیزات خدماتی را طبق دستورالعمل (ورود و صدور) کالا، مندرج در جدول دوم سند حاضر خارج ساخته و یا آنها را در قرارداد دیگری با [آسکو] مورد استفاده قرار خواهد داد و یا با موافقت [آسکو] حقوق و عوارض گمرکی تجهیزات خدماتی را پرداخت و اجازه ترخیص آن را از مقامات گمرکی کسب خواهد کرد و در آنصورت اجازه خواهد داشت تجهیزات را در ایران برای استفاده در اختیار اشخاص ثالث قرار داده و یا به فروش رساند.

۶۸ - دستورالعمل کالاها و تجهیزات مندرج در جدول دوم شرایط عمومی، ازجمله مطالب دیگر، روش صدور تجهیزات را تعیین می‌کند. بند الف ماده ۴ "واگذاری و تعیین تکلیف از طریق صادر کردن" مقرر می‌دارد که:

قبل از صدور هر قلم از تجهیزات خدماتی که از ابتدا توسط [ایستمن] به نام شرکت نفت وارد شده، [ایستمن] باید اصل و دو برگ فتوکپی "تلقاضای صدور" تجهیزات را که به امضای [ایستمن] رسیده همراه با اصل جواز^(۸) ورود گمرکی برای هر یک از اقلام مندرج در "تلقاضای صدور" به نماینده [آسکو] تسلیم نماید.

به علاوه، در قسمت ج همان ماده چنین مقرر شده است:

به مجرد دریافت "تلقاضای صدور" که به تائید نماینده [آسکو] رسیده و توسط اداره کالا و تجهیزات شرکت نفت تائید شده باشد [ایستمن] طبق دستورات [آسکو] ترتیب حمل تجهیزات را خواهد داد.

استدلالهای خواهان

- ۶۹ - ایستمن اظهار می‌دارد که شرکت نفت و آسکو همواره درخواست ایستمن برای اجازه صدور آن دسته از تجهیزات ایستمن را که دیگر برای اجرای قرارداد ۲۸۰ ضروری نبود ("تجهیزات اضافی") رد کرده‌اند. ایستمن ادعا می‌کند که این تجهیزات اضافی موضوع درخواستهای صدوری بوده که ایستمن در ماههای آوریل و ژوئن ۱۹۷۹ به شرکت نفت و آسکو تسلیم کرده بود. خواهان می‌گوید که آسکو و شرکت نفت بدون دلیل موجه از تصویب درخواستهای صدور ماه آوریل خودداری نمودند؛ و اگرچه درخواست صدور ماه ژوئن را امضا کردند، لکن از بذل کمک ضروری در ترخیص تجهیزات موضوع این درخواستها از گمرک، امتناع کردند.

- ۷۰ - خواهان می‌گوید پس از آنکه مک میلان قرارداد ۲۸۰ را در ۳۰ مردادماه

(۸) بروانه ترخیص گمرکی در ایران.

۱۳۵۸ [۲۱ آوت ۱۹۷۹] امضا کرد، شرکت نفت به طور یکجانبه شرایط جدیدی برای صدور تجهیزات اضافی ایستمن وضع کرد که هیچگونه اساس و مبنای قراردادی نداشت. ایستمن اظهار می‌دارد پس از آنکه اجازه صدور این تجهیزات در آوریل ۱۹۷۹ به وی داده نشد، چند قلم از آنها را به آسکو اجاره داد.

۷۱ - خواهان استدلال می‌کند که خودداری خواندگان از دادن اجازه صدور تجهیزات اضافی طبق هر قانون قابل اعمال، در حکم ضبط تجهیزات و موجب غرامت است. ایستمن می‌گوید که خواه به موجب شرایط صریح قرارداد ۲۸۰ و خواه به موجب قانون، تجهیزات مزبور می‌باشی بایستی به ایستمن مسترد می‌شود. خواهان نتیجه می‌گیرد که اقدامات و/یا ترک فعلهای خواندگان در حکم نقض قرارداد و نیز مصادره اموال ایستمن است. در رابطه با جنبه اخیر، ایستمن استدلال می‌نماید که طبق حقوق بین‌الملل، مصادره می‌تواند بر اثر مداخله دولت در استفاده و تمنع از مال، به وقوع بپیوندد. از نظر خواهان، جلوگیری عمدی خواندگان از صدور تجهیزات اضافی ایستمن غیرقانونی و طبق هر یک از فرضیه‌های جبران خسارت، موجد مسئولیت بابت خسارت است.

۷۲ - در جلسه استماع، خواهان ماه ژوئیه ۱۹۷۹ را تاریخ ممکن برای ضبط قلمداد کرد، به این دلیل که تا آن تاریخ ایستمن طبق کلیه تشریفات قراردادی مربوط به صدور تجهیزات اضافی عمل کرده و شرکت نفت در اوایل ژوئیه ۱۹۷۹ کلیه جوازه‌های ورود گرفتی را که همراه درخواست صدور ماه آوریل به وی تسليم شده بود، امضا کرده بود.

۷۳ - ایستمن، "مضافا" استدلال می‌نماید که اعمال ادعایی کنترل تسهیلات ایستمن در اهواز به وسیله نمایندگان بنیاد مستضعفان ("بنیاد") در مارس یا آوریل ۱۹۸۰ و امتناع آنان از دادن اجازه دسترسی به تجهیزات، انبار و دفاتر ایستمن به باقی کارکنان

آن، عمل دولت ایران به شمار می‌آید، زیرا بنیاد واحدی است تحت کنترل ایران. ایستمن مدعی است که هم از نظر حقوق بین‌الملل و هم طبق عهدنامه موادت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی منعقده فیما بین ایالات متحده امریکا و ایران مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۳۴ [۱۹۵۵ آوت ۱۵] بابت چنین مصادرهای غرامت قابل پرداخت است. خواهان استدلال می‌نماید که بر اثر اقدامات بنیاد، وی نه فقط کنترل تجهیزات موضوع درخواستی صدور آوریل و ژوئن، بلکه همچنین کنترل داراییهای ثابت خود و نیز کنترل مابقی تجهیزات را که در ایران داشت، به طور قطع از دست داد. اختلافی نیست که ایستمن هیچگونه درخواستی برای صدور تجهیزات اخیرالذکر به شرکت نفت و آسکو نداده است. خواهان می‌گوید که تجهیزات حفاری چاههای انحرافی که حسب ادعا مصادره شده، در حال حاضر مورد استفاده شرکت نفت می‌باشد.

۷۴ - خواهان استدلال می‌کند که بابت "ارزش عادله کامل بازاری" اموال مصادره شده ادعایی، از جمله ابزار و لوازم حفاری متعلق به دیلی و اویی آی استحقاق اقامه دعوا دارد. در رابطه با اقلام اخیر، ایستمن اظهار می‌دارد که موافقنامه‌های منعقده با دیلی و اویی آی که طبق آن شرکتهای یاد شده تجهیزات خود را جهت اجاره به اشخاص ثالث در اختیار وی قرار دادند عقود امانی به وجود آورد. بنابراین، حسب اظهار ایستمن، وی به عنوان امانتدار این شرکتها حق دریافت خسارت بابت تصرف عدوانی اموال آنها متناسب با ارزش بازاری اموال را نیز دارد.

۷۵ - از نظر خواهان، ارزش عادله کامل بازاری تجهیزات، ارزش جانشینی آنهاست. در تائید این استدلال، ایستمن دلایل متعددی ارائه می‌کند: وی اظهار می‌دارد که "اولاً" تجهیزات حفاری چاههای انحرافی در سال ۱۹۷۹ تقاضای زیادی داشت، "ثانیاً" به دلیل کیفیت بالای نگهداری و تعمیر ایستمن، تجهیزات مستعمل به اندازه تجهیزات تولید شده جدید ارزش داشته است، ثالثاً، فشارهای تورمی عامل مهمی

در افزایش هزینه‌ها در سراسر صنعت خدمات حفاری نفتی در طول دوره بین ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ بوده است.

۷۶ - مبلغ مورد تقاضای ایستمن بابت عدم النفع، حسب ادعا معادل عایدی است که ایستمن می‌توانسته درصورتیکه از دسترسی به تجهیزات محروم نمی‌شد، ظرف یک سال به دست آورد و یک سال مدت زمانی است که حسب ادعا جایگزین کردن این تجهیزات طول می‌کشید.

استدلالات خوandگان

۷۷ - خوandگان هیچیک از قسمتهای این ادعا را قبول ندارند و انکار می‌کنند که هیچیک از فعل و یا ترک فعلهای ادعایی، خواه به وسیله شرکت نفت، خواه آسکو و خواه ایران، تحت هر فرضیه حقوقی می‌توانسته عمل ضبط تلقی شود و یا فی الواقع ضبطی تحقق یافته است.

۷۸ - در رابطه با ادعای مبتنی بر امتناع ادعایی شرکت نفت از دادن اجازه صدور تجهیزات اضافی خواهان، خوandگان استدلال می‌کنند که عدم صدور مجدد این اموال توسط ایستمن معلول هیچ اقدام یا ترک فعلی از جانب شرکت نفت و آسکو نبوده، بلکه نتیجه اقدامات و ترک فعلهای خود ایستمن بوده است. به نظر خوandگان، ایستمن اقدامات لازم جهت صدور کارگاه خدمات را به ترتیب مقرر در شرایط عمومی آسکو انجام نداده است.

۷۹ - خوandگان به ویژه منکر آنند که درخواست صدور ماه آوریل اصولاً "جهت تصویب به آسکو یا شرکت نفت تسلیم شده باشد. در تائید این ادعا، خوandگان ازجمله به سوکندنامه احمد ساقیان، رئیس اداره کالا و تجهیزات شرکت نفت و سوکندنامه‌های

مهدی صدری، رئیس عملیات حفاری این شرکت استناد می‌نمایند. در رابطه با تقاضای صدور آوریل ساقیان اظهار می‌دارد: "من به خاطر ندارم که در مورد این فرمهای صدور با آقای مک میلان یا باورسایی مذاکره نموده باشم". صدری در اولین سوگندنامه خود تصدیق می‌کند که در اوت ۱۹۷۹ با مک میلان در اهواز ملاقات نموده و "لوازم و وسائل ایستمن اینک" جزو موضوعاتی بود که مورد بحث واقع شد. صدری مضافاً اظهار می‌دارد که "در مورد صدور اقلام مازاد که ایستمن علاقمند بود از ایران صادر کند، قرار شد لیست جدیدی توسط ایستمن تهیه شود و برای تائید در اختیار اداره کل حفاری قرار گیرد". صدری مدعی است که مع الوصف "مدارک مربوط به اجازه صدور اموال مازاد... ارائه نگردید". در سوگندنامه تکمیلی خود صدری اظهارات قبلی خود را تائید نموده و اضافه کرد: "[مک میلان]... درخواست صدور جدید بر مبنای لوازم مازاد ارائه ننموده است".

۸۰ - در رابطه با صدور تجهیزات موضوع درخواست صدور ماه ژوئن، خواندگان اظهار می‌دارند که آسکو و شرکت نفت با امضای درخواست فوق الذکر و اعلام موافقت خود با صدور اموال مزبور، آنچه را که طبق قرارداد ملزم به انجام آن بودند انجام دادند. خواندگان می‌گویند که به احتمال قوى ایستمن اموال مزبور را تا این تاریخ از ایران خارج ساخته است.

۸۱ - در رابطه با ضبط ادعایی تسهیلات ایستمن در اهواز توسط بنیاد مستضعفان، خواندگان استدلال می‌کنند که ایستمن دلیل و مدرکی در اثبات این ادعا ارائه نکرده است. خواندگان نتیجه می‌گیرند که به احتمال قوى آقای باورسایی تجهیزات و داراییهای ثابت را در ژوئیه ۱۹۸۰ در ایران رها کرده است. در جلسه استماع، نماینده شرکت نفت اظهار داشت که آن شرکت از محل کنونی تجهیزات ایستمن اطلاعی ندارد.

تصمیم دیوان

الف - مصادره توسط بنياد

۸۲ - ادعای خواهان مبنی بر مصادره تسهیلات اهواز وی توسط نمایندگان بنیاد مستضعفان مبتنی است بر اظهارات آقای باورسایی. نامبرده در سوکننامه خود چنین گفته است:

در مارس یا آوریل ۱۹۸۰، افرادی که می‌گفتند نماینده بنیاد مستضعفان هستند به محل دفتر ایستمن آمده و کلیدهای دفتر، درب ورودی، کامیون و منزل کارکنان را ضبط کردند. به خاطر دارم که این افراد سندی به من نشان دادند مبنی بر اینکه وسائل و ابزار ایستمن باید به شرکت نفت داده شود. آنان نسخه‌ای از سند را به من تدادند. پس از مصادره مذکور درب ورودی حیاط و دفاتر ایستمن قفل شد و من از دسترسی به تجهیزات ایستمن معنو شدم.

در جلسه استماع، باورسایی قسمت اعظم این اظهارات را مورد تأیید قرار داد. لکن وی نتوانست هویت اشخاصی را که کنترل محوطه ایستمن را در اوایل سال ۱۹۸۰ به دست گرفته بودند به دقت بیشتری مشخص سازد. باورسایی گواهی داد که وی به خاطر نمی‌آورد که سندی که حسب اظهار اجازه مصادره تجهیزات ایستمن را می‌داد به امضای چه کسی بود. علاوه بر این، هنگامی که از وی سوال شد به چه دلیل تصور می‌کرده افرادی که می‌گفتند نماینده بنیاد هستند واقعاً اجازه و اختیار مصادره تسهیلات و تجهیزات ایستمن را دارند، باورسایی توضیح داد نظر به اینکه سندی که این افراد به وی نشان دادند "به طور رسمی به فارسی ماشین و امضا شده بود" وی فرض کرده که آن سند، یک "نامه رسمی" از جانب بنیاد است. باورسایی سپس عبارتی را که قبل از سوکننامه خود گفته بود اصلاح کرده گفت که نسخه‌ای از نامه در واقع به وی داده شد و وی آن را به دفتر ایستمن در آتن

فرستاد. خواهان می‌گوید که در سوابق پرونده‌های خود جستجو کرده ولی نشانی از آن نامه پیدا نکرده است. دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که سند مذبور در سوابق دیوان موجود نیست.

۸۳ - دیوان بر مبنای ادله مذبور متقادع شده است که ایستمن در مارس یا آوریل ۱۹۸۰ کنترل تجهیزات، دفاتر و دارایی‌های ثابت خود در اهواز را از دست داد. لیکن نظر دیوان اینست که ادله و مدارک موجود کافی نیست ثابت کند که از دست رفتن کنترل قابل انتساب به دولت ایران است. محفوظات باورسایی آنقدر قاطعیت نداشت که به خودی خود ثابت کند که اشغال تسهیلات ایستمن توسط افرادی که از طرف دولت اختیار داشته‌اند صورت گرفته است. از اینرو، ادعای مبتنی بر مصادره مستقیم توسط بنیاد باید به علت فقد دلیل رد شود.

ب - منع صدور مجدد [تجهیزات]

۸۴ - تحت این شق دادخواهی، غرامت احتمالی خواهان شامل خسارت بابت از دست رفتن دارایی‌های ثابت وی نخواهد بود.

۸۵ - ایستمن استدلال می‌کند که امتناع آسکو و شرکت نفت از دادن اجازه به ایستمن برای خارج ساختن کارگاه خدماتی خود، در حکم نقض قرارداد و همچنین سلب مالکیت از تجهیزات است. دیوان می‌پذیرد که به ادعای مذبور در پرتو هر دو فرضیه جبران خسارت رسیدگی نماید.

۸۶ - دیوان داوری قبله "نظر داده است که "چنانچه طرفی در مساعدت لازم برای صدور به ترتیبی که در قرارداد پیش‌بینی شده قصور ورزد، این امر ممکن است در نهایت امر به صورت ضبط یا غصب اموال مورد تصرف در آید". بند ۲۱ حکم

صادره در پرونده سدکو اینک، مذکور در بالا، ۳۱ Iran-U.S. C.T.R. 15 در حکم شماره ۳۷۸-۳۱۷۲، بند ۴۶۷، مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۷ [۲۲] ژوئیه ۱۹۸۸] صادره در پرونده هیوستون کاترکتینگ کامپنی و شرکت ملی نفت ایران و سایرین (جایب شده در ۳,۱۲۴ Iran-U.S. C.T.R. 20) که امتناع ادعایی خوانده از دادن اجازه صدور اموال خواهان باز هم موضوع اختلاف بود، دیوان نظر داد که خواهان "باید اثبات کند که برای خارج کردن وسایل، کلیه اقدامات معقول را معمول داشته تا بتواند از عهده اثبات این امر بر آید که زیانهای متحمله توسط وی معلوم فعل یا ترک فعل ایران بوده و ناشی از قصور خود وی نبوده است". دیوان داوری به بررسی اوضاع و احوال پرونده حاضر در پرتو اصول فوق الذکر می پردازد.

۸۷ - به عنوان یک موضوع مقدماتی، دیوان باید تعیین کند که ایستمن درخواست صدور ماه آوریل را به آسکو و شرکت نفت ارائه کرده یا خیر و بدینسان بند الف از ماده ۴ دستورالعمل (ورود و صدور) کالا و تجهیزات مندرج در جدول دو شرایط عمومی آسکو را رعایت کرده یا نکرده است. ایستمن ادله مستند معاصری راجع به این موضوع را ارائه کرده است: علاوه بر نسخهای از خود درخواست صدور ماه آوریل، مدرکی که به ویژه مرتبط به موضوع می باشد، عبارتست از یادداشتی به تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۵۸ [۲۱ اکتبر ۱۹۷۹] که توسط مک میلان به کیت بنگستان، مدیر عملیات بخش خاورمیانه و افریقای غربی ایستمن ارسال شده است ("یادداشت مک میلان"). مک میلان از جمله مطالب دیگر به بنگستان تزارش داد که:

در آغاز شرط لازم برای خارج کردن وسایل، رعایت دستورات مندرج در شروط مربوط به "دستورالعمل (ورود و صدور) کالا و تجهیزات" در قرارداد ما بود. این شرط مقرر می دارد که نسخ فرمایی ورودی و فهرست موجودی همراه فرمایی اجازه صدور باشد. ما به طور کامل طبق این الزام عمل کرده ایم... (تاکید اضافه شده است)

۸۸ - مک میلان در جلسه استماع و در اولین سوگندنامه خود شهادت داد که درخواست صدور ماه آوریل همراه با کلیه اسناد و مدارکی که طبق قرارداد الزامی بوده به آسکو و شرکت نفت تسلیم گردید.

۸۹ - خواندگان در تائیید این ادعای خود که ایستمن درخواست صدور ماه آوریل را تسلیم نکرده، به سوگندنامه‌های ساقیان و صدری استناد می‌کنند. ساقیان اظهار داشته که به خاطر نمی‌آورد که راجع به این درخواست صدور با مک میلان یا باورسایی مذکوره کرده باشد. صدری در سوگندنامه اول خود اظهار نموده که سند و مدرکی راجع به صادر کردن مازاد تجهیزات ایستمن به شرکت نفت ارائه نشده است. لکن، در سوگندنامه تکمیلی خود، ضمن تائیید اظهارات قبلی اضافه نموده که مک میلان درخواست جدیدی برای صادر کردن تجهیزات به شرکت نفت تسلیم نکرده است. برای دیوان روشن نیست که منظور صدری این بوده که ایستمن قبل "تقاضای صدوری تسلیم داشته بوده لیکن شرکت نفت از وی خواسته بوده که تقاضای جدیدی ارائه نماید و یا اینکه اشاره صدری به درخواست صدور ماه ژوئن است. دیوان داوری خاطرشنان می‌سازد که خواندگان ادلهٔ مستندی در تائیید موضع خود تسلیم نکرده‌اند.

۹۰ - پس از بررسی کلیه دلایل و مدارک تسلیمی، دیوان می‌پذیرد که ایستمن درخواست صدور آوریل را به شرکت نفت و آسکو تسلیم داشته است.

۹۱ - دیوان اکنون باید بررسی کند که آیا ایستمن ثابت کرده است که محرومیتی که وی از آن شاکی است معلول اقدامات و ترک فعلهای خواندگان بوده و نتیجه مسامحه خود وی نبوده است. در بررسی این مسائله، دیوان این امر را در نظر می‌گیرد که ایستمن درخواست صدور ماه آوریل را به آسکو و شرکت نفت تسلیم نموده و این شرکتها با درخواست صدور ماه ژوئن موافقت کرده بودند.

۹۲ - خواهان دلایل و مدارکی ارائه نموده که حاکی است اندکی قبل و بعد از امضای قرارداد ۲۸۰ توسط مک میلان در ۳۰ مردادماه ۱۳۵۸ [۲۱ آوت ۱۹۷۹]، شرکت نفت یک سلسله شرایط برای خارج کردن مازاد تجهیزات ایستمن وضع نمود که به شرح زیر است:

- (۱) این الزام که ایستمن نزد آسکو بستانکاری داشته باشد، صورتحسابهای ایستمن با پرداختهای آسکو مقابله شود،
- (۲) نامه‌ای به مضمون بالا توسط دبیر حاجیان تهرانی، یکی از مقامات عالیرتبه شرکت نفت صادر شود، و بالاخره
- (۳) درخواست ایستمن برای صادر کردن تجهیزات به وسیله یک کمیته سه نفره شرکت نفت در تهران بررسی شود ("شرایط").

وضع این شرایط توسط شرکت نفت در دو شهادتname مک میلان تشریح شده است (رجوع شود به: بند ۳۲ بالا). مک میلان در شهادت خود در جلسه استماع این اظهارات را به طور کامل مورد تأیید قرار داد. خواهان، همچنین ادله مستند معاصری در مورد این موضوع را ارائه کرده که از آن میان دیوان یادداشت مک میلان را حائز اهمیت ویژه می‌داند. در اکتبر ۱۹۷۹ مک میلان در مورد تقاضای صدور ابزار و تجهیزات ایستمن به رئیس خود در آتن گزارشی داد. در این گزارش آمده است که:

ما به طور کامل طبق این مقررات [یعنی طبق مقررات دستورالعمل آسکو برای ورود و صدور کالا و تجهیزات] عمل کردیم ... سپس به ما تکلیف شد که قرارداد اولیه را که از مه ۱۹۷۷ تا آوریل ۱۹۸۰ معتبر بود امضا کنیم. اینکار را هم انجام دادیم. سپس آسکو اظهار داشت که لازمت ایستمن ویستاک از آسکو طلبکار باشد. این کار را نیز از طریق تسویه صورتحسابها انجام دادیم. لکن اکنون آنها اصرار دارند که تسویه‌نامه کاملی توسط آنها و نامه‌ای توسط آقای تهرانی قائم مقام مدیرعامل و نایب رئیس [هیئت مدیره شرکت نفت] صادر گردد... "پرونده" ما - یعنی

تفاضای صدور تجهیزات - در دهم آبانماه ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] به یک کمیته سه نفره از شرکت نفت تسلیم خواهد شد. آقای صدری که خود از اعضای کمیته است پرونده را مطرح خواهد کرد. وی با قاطعیت زیاد به من گفت که آسکو به طور غیر قانونی از صدور اجازه خارج کردن وسائل، یعنی رویه‌ای که در قرارداد ما وضع شده، خودداری می‌کند...

۹۳ - خواهان مضافاً به عنوان مدرک نسخ تلکس‌هایی را که مک میلان در آن زمان به دفاتر ایستمن در هیوستون و آتن ارسال کرده بود ارائه نمود که آنها نیز حاکی از وضع این شرایط توسط شرکت نفت است. مک میلان در ۳۰ مردادماه ۱۳۵۸ [۲۱ آوت ۱۹۷۹] گزارش داد که "شرط لازم" برای خارج کردن وسائل و تجهیزات مازاد اینست که "تعداد کافی صورتحساب تسویه گردد تا آسکو اطمینان حاصل کند که ایستمن/ ویستاک بولی به وی بدھکار نیست". در چهارم شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۶ آوت ۱۹۷۹]، مک میلان چنین نوشت: "ما [موافقت] مربوط به صدور تجهیزات اضافی را به دست آورده‌ایم. لکن قبل از اینکه اجازه‌نامه صدور آنها به امضا برسد، لازمست دو سه نکته راجع به حساب ما با آسکو و راجع به قرارداد را روشن کنیم. بالاخره، در دهم شهریورماه ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] مک میلان به دفتر ایستمن در هیوستون اطلاع داد که دادن اجازه صدور تجهیزات "ظاهراً" منوط به آنست که آسکو را قانع سازیم که ایستمن/ ویستاک از آنها طلبکار است...". در جلسه استماع، مک میلان شهادت داد که ایستمن این شرط را که از آسکو طلبکار باشد ایفا کرد. مک میلان، همچنین گواهی داد که تصمیم کمیته سه نفره‌ای که ظاهراً قرار بود در نوامبر ۱۹۷۹ درخواست صدور تجهیزات ایستمن را بررسی کند هرگز به ایستمن اطلاع داده نشد. مک میلان، مضافاً اظهار داشت که ایستمن نامه دبیر حاجیان تهرانی، مقام شرکت نفت، راجع به مقابله صورتحسابها را هرگز دریافت نکرد. به طوری که دیوان از نامه مورخ ۲۷ خردادماه ۱۳۵۹ [۱۷ ژوئن ۱۹۸۰] شرکت نفت به دفتر اهواز ایستمن استنباط می‌کند، ظاهراً شرکت نفت کار مقابله صورتحسابهای ایستمن با پرداختهای آسکو را در ژوئن ۱۹۸۰ به پایان رساند. در

نامه مزبور شرکت نفت موضع خود را در مورد قابل پرداخت بودن صورتحسابهای معوقه ایستمن اعلام کرد. (رجوع شود به: بند ۵۸ بالا).

۹۴ - ادله و مدارک نشان می‌دهد با آنکه ایستمن به کلیه الزامات قراردادی جهت صدور تجهیزات عمل کرده و می‌کوشید در حدی که امکان داشت به شرایط موضوعه شرکت نفت عمل کند، شرکت نفت با اتخاذ تصمیمات لازم واکنش نشان نمی‌داده بلکه به عکس موانع جدیدی برای خروج کارگاه خدمات خواهان به وجود می‌آورد. به نظر دیوان، معقول ترین توضیح برای امتناع شرکت نفت از دادن اجازه صدور تجهیزات اضافی ایستمن اینست که شرکت نفت احتمالاً تصور می‌کرده که ایستمن به آسکو بدھی دارد، زیرا شرکت نفت ظاهراً بعد از آنکه نسخه‌ای از قرارداد ۲۸۰ به اهواز ارسال شد متوجه شده بود که صورتحسابهای ایستمن که بعد از مه ۱۹۷۷ تسلیم شده حاوی تخفیف کلی مقرر در قرارداد نبود و ایستمن بابت اجاره وسائل ضربه زن به آسکو اضافه حساب کرده است. دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که این دفاعی نیست که خواندگان مطرح کرده باشند و خواندگان خود می‌گویند که مقابله صورتحسابهای ایستمن با پرداختهای آسکو "هیچ ربطی" به موضوع خارج کردن تجهیزات اضافی ایستمن نداشته است. با توجه به اوضاع و احوال پرونده حاضر، به نظر دیوان اینکه دلایل مندرج در بالا امتناع شرکت نفت از دادن اجازه صدور تجهیزات اضافی ایستمن در طول سال ۱۹۷۹ را توجیه می‌کرده یا خیر حائز اهمیت نیست.

۹۵ - دیوان داوری بر مبنای ادله و مدارک نزد خود نتیجه می‌گیرد که ایستمن کلیه اقدامات معقول جهت صدور تجهیزات اضافی خود را به عمل آورده، لکن تلاش‌های اوی بر اثر عدم همکاری آسکو و شرکت نفت بی شمر ماند. بالاخره، امتناع خواندگان از رسیدگی به درخواست صدور ماه آوریل قابل توجیه نبوده و شرایط تحمیلی شرکت نفت بر ایستمن هیچگونه شالوده قراردادی نداشته و موانع ناروا و نامعقولی در

برابر حق ایستمن به خارج ساختن تجهیزات اضافی خود بوده است.

۹۶ - دیوان داوری مقاعد شده است که شرکت نفت و آسکو از خارج ساختن تجهیزات مندرج در درخواست صدور ماه ژوئن نیز جلوگیری کردند. این ادعای خواندگان که به اقوی احتمال ایستمن تجهیزات مزبور را خارج کرده است با هیچ مدرکی تاعیید نشده است. علی القاعده خواندگان به گواهیهای اداره نمک ایران حاکی از ترجیح و صدور این تجهیزات دسترسی داشته و می‌توانستند آنها را ارائه نمایند. دیوان "مضافاً" ملاحظه می‌نماید که طبق بند ج از ماده ۴ دستورالعمل [ورود و صدور] کالا و تجهیزات آسکو، ایستمن می‌بایست به مجرد دریافت درخواست صدوری که به تصویب آسکو و تاعیید شرکت نفت رسیده باشد، "طبق رهنمودهای [آسکو] ترتیب حمل را بدهد". خواندگان نه اثبات و نه حتی ادعا کرده‌اند که آسکو رهنمودی به ایستمن داده باشد.

۹۷ - بر مبنای مراتب پیشگفته، دیوان نتیجه می‌گیرد که شرکت نفت با منع خواهان از خارج کردن کارگاه خدمتش برخلاف قرارداد وی را عمل^۹" از استفاده، تمنع و کنترل تجهیزات مندرج در درخواستهای صدور ماه آوریل و ماه ژوئن محروم ساخته و نیز عملی در حکم سلب مالکیت کرده که دولت ایران مسئول آن است^(۹). بر طبق حقوق

(۹) دیوان عمومی در پرونده اوپل فیلد آو تکزاس خاطرنشان ساخت که "واضح است که شرکت ملی نفت ایران یکی از ابزارهایی است که دولت ایران بدانوسیله خط مشی و سیاست نفتی کشور را اعمال کرد، و می‌کند." ص ۱۲ (فارسی) اوپل فیلد آو تکزاس، اینک، مذکور در بالا. حقوق پین‌الملل می‌پذیرد که دولت ممکن است از طریق نهادها و واحدهایی که جزو ساخت رسمی آن نیستند عمل کند. عمل این واحدها هنگامی که در لفاف اختیارات دولتی که طبق قوانین داخلی به آنها تفویض شده انجام پذیرد، عمل دولت تلقی می‌شود.
رجوع شود به:

Article 7 (2) of the Draft Articles on State Responsibility adopted by the International Law Commission, Yearbook International Law Commission 2 (1975),

at 60.

قانون نفت ایران مصوب سال ۱۹۷۴ "اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی ایران" را صریحاً به شرکت ملی نفت ایران اعطای کرده است. شرکت نفت، بعدها در اکتبر ۱۹۷۹ در وزارت خانه جدید التأسیس نفت ادغام شد.

بین‌الملل، محرومیت از مال یا مصادره مال می‌تواند با مداخله دولت در استفاده از آن مال و یا تمنع از منافع آن حتی زمانیکه تغییری در عنوان قانونی مالکیت داده نشده، به وقوع پیوندد. رجوع شود به: حکم شماره ۱۴۱۷-۲ صفحات ۱۰-۱۱ (انگلیسی) مورخ سوم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۴] در پرونده تیپس، ابت، مک کارتی، استراتن و مهندسین مشاور تامس - آفای ایران و سایرین (چاپ شده در ۲۱۹,۲۲۵ C.T.R. (6 Iran-U.S.

۹۸ - به منظور تعیین تاریخ نقض (قرارداد) و سلب مالکیت، دیوان این امر را مورد توجه قرار می‌دهد که طرفین حداقل تا نوامبر ۱۹۷۹، یعنی هنگامی که مک میلان ایران را ترک کرد، کماکان در مورد صادر کردن تجهیزات مندرج در درخواستهای صدور ماههای آوریل و ژوئن مشغول مذاکره بودند. علاوه بر این، خواهان با توجه به امتناع شرکت نفت از دادن اجازه صدور تصمیم گرفت تعدادی از اقلام تجهیزات مندرج در درخواست صدور ماه آوریل را، که مشخص نشده، حداقل تا اکتبر ۱۹۷۹ به آسکو اجاره دهد. دیوان بر این نظر است که این اقدامات خواهان شانگر درجه‌ای از کنترل بر تجهیزات بوده و با این نتیجه‌گیری که طبق استدلال خواهان تجهیزات مذبور در ژوئیه ۱۹۷۹ مصادره شده منافات دارد.

۹۹ - در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۵۸ [دهم دسامبر ۱۹۷۹]، آسکو قرارداد ۲۸۰ را از تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [دهم فوریه ۱۹۸۰] فسخ کرد. دیوان بر این نظر است که شرکت نفت می‌باشد این تجهیزات را حداقل تا ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [دهم فوریه ۱۹۸۰] آزاد می‌کرد. تا این تاریخ، شرکت نفت می‌باشد منطقاً کار مقابله پرداختهای آسکو با صورتحسابهای

ایستمن را که قبله" از اواخر تابستان ۱۹۷۹ شروع شده بود، به پایان می‌رساند. با توجه به نتیجه‌گیری دیوان در بالا در رابطه با صورتحسابها و کسور بیمه اجتماعی، روشن است که ایستمن پولی به شرکت نفت بدھکار نمی‌بود. از اینرو، حتی با فرض اینکه عمل شرکت نفت در سال ۱۹۷۹ در منع صدور تجهیزات احتمالاً" با توجه به اختلاف مربوط به صورتحسابها قابل توجیه بوده باشد، در فوریه ۱۹۸۰ هیچ دلیلی برای چنین عملی وجود نداشت. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که تجهیزات مندرج در درخواستهای صدور ماه آوریل و ماه ژوئن در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۵۹ [دهم فوریه ۱۹۸۰] مصادره شده است. به همین جهت، خواندگان از آن تاریخ مسؤولیت جیران زیان خواهان را پیدا کرده‌اند.

۱۰۰- ایستمن مدعی است که زیانهای وی محدود به تجهیزات مندرج در دو فقره درخواست صدور نبود، زیرا در هنگام تهیه آن فهرستها تعدادی از تجهیزاتی که در اجاره آسکو بوده، از قلم افتاده بود. ایستمن صورتی از موجودی تجهیزات حفاری نفتی به تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] تسلیم نموده که ظاهرآ" حاوی کلیه تجهیزات متعلق به وی بوده و در اجاره آسکو قرار داشته است (به استثنای پاره‌ای تجهیزات کوگار که آنها نیز متعلق به ایستمن بوده است). ایستمن استدلال می‌کند که برای مشخص کردن تجهیزاتی که توسط شرکت نفت ضبط شده، این صورت باید مورد استفاده قرار گیرد.

۱۰۱ - اختلافی نیست که در سراسر سال ۱۹۷۹، تجهیزاتی از ایستمن برای استفاده در سکوهای آسکو اجاره می‌شد. ظاهراً هنگامی که شرکت نفت قرارداد ۲۸۰ را فسخ کرد بعضی از این تجهیزات در سکوها باقی ماند. ایستمن هرگز درخواست صدوری برای تجهیزاتی که در درخواستهای صدور آوریل و ژوئن ذکر نشده بود، تسلیم نکرد. لیکن در تلکسی که در پاسخ به فسخ قرارداد توسط شرکت نفت فرستاد تعامل خود به "خارج ساختن کارگاه خدمات ما در اسرع وقت" را اعلام و به مقررات ذیربط قرارداد اشاره نمود و در پایان تلکس به شرکت نفت اطلاع داد که آقای باورسایی برای ترتیب صدور کارگاه خدمات ایستمن با آن شرکت تماس خواهد گرفت. قرایینی وجود دارد که یکی از کارکنان ایستمن زمانی در اوائل سال ۱۹۸۰ مذاکرات بیشتری با شرکت نفت انجام داد و به وی گفته شد که شرکت نفت ممکن است به زودی اجازه خارج ساختن تجهیزات را بدهد (رجوع شود به آخر بند ۳۳ بالا). مع الوصف، روشن است که اصولاً تجهیزاتی خارج نشد. خواندنکان می‌گویند اطلاعی ندارند تجهیزاتی که در طول سال ۱۹۷۹ در سکوها بوده چه شده است.

۱۰۲ - فهرست موجودی مورخ نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] حسب ادعا شامل تجهیزاتی است که در هیچیک از درخواستهای صدور صورت نشده بود. لیکن، بین این فهرست و درخواستهای صدور به قدر کافی رابطه وجود ندارد که بتوان تجهیزات مورد اختلاف را مشخص نمود. ضمناً، ایستمن اذعان دارد که برخی از تجهیزات مذکور در درخواست صدور ماه آوریل بعداً به آسکو اجاره داده شد. آسکو تجهیزات دیگری را نیز در طول سال ۱۹۷۹ به ایستمن عودت داد. بنابراین، تجهیزاتی که هنگام فسخ قرارداد توسط شرکت نفت در سکوهای حفاری باقی ماند ممکن است شامل آتهایی بوده باشد که در درخواست صدور ماه آوریل فهرست شده بود. با توضیحات ایستمن و مدارک مورد استناد وی دیوان قادر نیست تجهیزات دیگری را که در سکوهای حفاری باقی مانده ولی در هیچ درخواست صدوری فهرست نشده بود، مشخص کند. نظر به این واقعیت که دیوان براساس مدارک

تسلیمی قادر نیست تجهیزاتی را که در هنگام فسخ قرارداد ۲۸۰ در سکوها باقی مانده بود مشخص کند، لذا ضرورت ندارد در این باره تصمیم بگیرد که آیا ایستمن کلیه اندامات معقول را برای صدور آن تجهیزات به عمل آورد و آیا شرکت نفت مسئول خسارات ایستمن می‌باشد یا خیر.

ج - تجهیزات متعلق به اشخاص ثالث

۱۰۳ - در رابطه با ضربه‌زنی‌ای دیلی و وسائل ضربه زن که به ترتیب متعلق به دیلی و اویی آی بوده، دیوان داوری ملاحظه می‌نماید که خواهان در لوایح خود دلیل و مدرکی ارائه نکرده که شرکتهای مزبور بابت از دست دادن این وسائل و تجهیزات، به ترتیب مقرر در قراردادهای نمایندگی و امتیاز (رجوع شود به: بندهای ۶۵ و ۶۶ بالا)، اصولاً به وی صورتحسابی داده باشند و یا وی هرگز بابت این زیان غرامتی به دیلی و اویی آی پرداخته باشد. در جلسه استماع، نماینده خواهان اظهار داشت که دیلی و اویی آی، هر دو بابت از دست رفتن تجهیزات خود از ایستمن مطالبه غرامت کرده‌اند. بنا به اظهار نماینده مزبور، ایستمن موافقت کرد مبلغ ۴۰،۰۰۰ دلار امریکا به اضافه ۴۰ درصد از هر مبلغی متجاوز از ۱۰،۵۸۴،۰۰۰ دلار تا ۱۵،۰۰۰ دلار که بابت مصادره تجهیزات دیلی به نفع ایستمن حکم داده شود، به دیلی پرداخت کند. حسب ادعا، اویی آی متعاقب شکست مذکورات درباره مبلغ بدھی به اویی آی، علیه ایستمن اقامه دعوا کرد. اویی آی بعداً به دلیل ورشکستگی در معرض تصفیه قرار گرفت، لکن حسب اظهار، دعوای مزبور هنوز در جریان است.

۱۰۴ - دیوان داوری بر این نظر است که این اظهارات دیر از موقع، که به هر حال قادر مدارک و مستندات مثبته می‌باشد، با تائیخی غیر قابل قبولی ابراز شده و قابل پذیرش نیست. بنابراین، دلیلی حاکی از خسارت واقعی ناشی از امتناع خواندگان از

دادن اجازه صدور ضربه‌زنی‌ای دیلی و وسائل ضربه زن [اوی آی] در دست نیست. با آنکه امین ممکن است طبق قوانین داخلی حقی به دریافت ارزش اموال مورد تصرف عدوانی داشته باشد، لکن دیوان هیچ پیشنهادی در حقوق بین‌الملل سراغ ندارد که به امین اجازه دریافت ارزش مال مصادره را بدهد. غرامت این قبیل اموال به مالک آن مال و یا به دولت متبع مالک آن تعلق می‌گیرد. صرف فرض ورود خسارت مبنای کافی برای انتساب مسئولیت به خوادگان نیست. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان از عهده اثبات ورود خسارات بر نیامده است. لذا، ادعای مربوط به تجهیزات متعلق به افراد ثالث باید به علت فقد دلیل رد شود.

د - بررسی ارزش تجهیزات

۱۰۵ - طبق اصول حقوق بین‌الملل و نیز در اجرای مفاد عهدنامه مودت فیما بین ایران و ایالات متحده^(۱۰)، بابت محرومیتی که خواهان متحمل شده باید غرامتی معادل ارزش کامل و یا "معادل کامل"^(۱۱) مال مصادره شده به وی پرداخت شود. رجوع

(۱۰) عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایالات متحده امریکا و ایران که در ۲۴ مردادماه ۱۳۳۴ [۱۵ آوت ۱۹۵۵] امضا شد و در ۲۶ خردادماه ۱۳۳۶ [۱۶ ژوئن ۱۹۵۷] به اجرا درآمد. 284 U.N.T.S. 93, T.I.A.S. No. 3853, 8 U.S.T. 900.

(۱۱) بند ۲ ماده چهار عهدنامه حاوی شرط مربوطه است که مقرر می‌دارد:

اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین از جمله منافع اموال از حد اعلای حمایت و امنیت دائم به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات قانون بین‌المللی نباشد در داخل قلمرو طرف متعاهد دیگر برخوردار خواهد بود. این اموال جز به منظور نفع عامه، آنهم بی آنکه غرامت عادلانه آنها به اسرع اوقات پرداخت شود گرفته نخواهد شد. غرامت مزبور باید به وجه موثری قابل تحقق باشد و به نحو کامل معادل مالی خواهد بود که گرفته شده است و قبل از آنکه گرفته شود یا در حین گرفتن مال قرار کافی جهت تعیین مبلغ غرامت و پرداخت آن داده خواهد شد.

شود فی المثل یه: پرونده تیپس، ابت، مک کارتی استراتژ مذکور در بالا، و حکم شماره ۲۱۷-۹۹-۲ مورخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۴ [۱۹ مارس ۱۹۸۶] صادره در پرونده فلیس داج کورپ و اورسیز برایووت اینوستمنت کورپ و جمهوری اسلامی ایران (چاپ شده در C.T.R. 121 Iran-U.S. 10). بنابراین، دیوان باید تعیین نماید که "معادل کامل" تجهیزات متعلق به ایستمن که در درخواستهای صدور ماههای آوریل و ژوئن فهرست شده، چه میزان است.

۱۰۶ - خواهان اظهار می دارد که ارزش عادله بازار تجهیزات مصادره شده که استحقاق دریافت آن را دارد، معادل ارزش جایگزینی آنهاست. ایستمن این ارزش را عمدتاً "از "فهرست قیمتیهای صادراتی" سال ۱۹۷۹ خود استخراج کرده است. محاسبات ایستمن توسط آستین جونز، مشاور تجهیزات تخصصی نفتی، بررسی شده است. جونز دارای ۳۷ سال تجربه کار در رشته نفت است و در ۲۰ سال اخیر با شرکتهایی که به طور مستقیم با صنعت حفاری چاههای انحرافی مرتبط بوده‌اند همکاری و "ضمناً" مسئولیت ارزیابی تجهیزات را نیز به عهده داشته است. جونز در دو سوکننامه و نیز در شهادت شفاهی خود در جلسه استماع اظهار داشت که ارزش عادله بازار تجهیزات ایستمن، ارزش جایگزینی آنهاست. دلیل این امر تقاضای فوق العاده زیاد برای وسائل حفاری چاههای انحرافی در خاورمیانه در سال ۱۹۷۹، ضرورت نگهداری دائم این تجهیزات در وضعیت "نو" و نرخ تورم بوده است. در جلسه استماع، جونز گواهی داد که تجهیزات مستعمل از نوعی که ایستمن مالک آنها بوده و اجاره می داد دارای همان ارزش تجهیزات نو است، زیرا نرخهای اجاره برای تجهیزات مستعمل و نو، یکسان است. جونز اظهار داشت که وی قیمتیهای جایگزینی مورد ادعای ایستمن برای هر قلم از تجهیزات را عادلانه و معقول می داند. کل ارزش جایگزینی اعلام شده خواهان برای تجهیزات فهرست شده در درخواستهای صدور آوریل و ژوئن که متعلق به ایستمن بوده $2,350,405/50$ دلار امریکا می باشد. فهرست قیمتیهای صادراتی سال ۱۹۷۹ ایستمن، به استثنای موردی راجع

به "لوله‌های مهار کننده" (stabilizer sleeves) که ذیلاً تشریح شده است، ادعای وی برای این مبلغ را اثبات می‌کند.

۱۰۷ - راجع به لوله‌های مهار کننده، [باید توجه داشت که] از ۴۰۵/۵۰، ۳۵۰، ۴۰۵ دلاری که ایستمن بابت تجهیزات متعلق به خود مطالبه می‌کند، مبلغ ۵۶۹/۶۶۱ دلار امریکا بابت ۲۸۶ لوله مهار کننده است. لیکن، طبق فهرست قیمتی‌های صادراتی سال ۱۹۷۹ ایستمن، این لوله‌ها درصورتیکه نو بودند تنها ۳۹۳/۳۵۲ دلار امریکا ارزش داشتند. ضمناً مدارک موجود حاکی است که تنها ۱۰۷ لوله نو و ۱۷۹ دستگاه لوله دیگر، مستعمل بوده‌اند. بنا به اظهار یکی از شاهدان خواهان، لوله‌های مهار کننده وسائل مصرف شدنی است که معمولاً فروخته می‌شود و به اجاره داده نمی‌شود و در جریان حفاری تقریباً از بین می‌رود به طوری که بعد از استفاده صرفنظر از اینکه به انبار خواهان عودت داده شود، یا خیر، غیر قابل مصرف است. دیوان نتیجه می‌گیرد که ایستمن نباید بابت مصادره لوله‌های مستعمل غرامتی دریافت کند. لیکن باید ارزش جایگزینی کامل لوله‌های نو را که مصادره شده دریافت نماید. بر این اساس، از رقم ۴۰۵/۵۰، ۳۵۰، ۴۰۵ دلار، مبلغ ۵۶۹/۶۶۱ دلار امریکا کسر خواهد شد. ارزش جایگزینی ۱۰۷ دستگاه لوله نو مبلغ ۱۱۹،۷۱۷ دلار امریکا بوده است. این مبلغ به طور جداگانه در حکم منظور خواهد شد. پنجاه لوله مهار کننده نیز در درخواست ماه ژوئن فهرست شده بود. این لوله‌ها ظاهراً نو و ارزش هر یک از آنها ۹۰۸ دلار بوده است ولی آفای جونز اشتباه‌اً ارزش هر یک از آنها را ۲،۲۶۹ دلار یعنی به قیمت ایستمن برای بدنه لوله تعیین کرده بود. بنابراین، مبلغ ۶۸،۰۵۰ دلار دیگر نیز باید از رقم ۴۰۵/۵۰، ۳۵۰، ۴۰۵ کسر شود.

۱۰۸ - گرچه دیوان تردید دارد که قیمت تجهیزات مستعمل حفاری (انحرافی)، حتی درصورتی که به صورت تجهیزات نو نگهداری شده باشد، به طور معمول با قیمت تجهیزات نوی حفاری (انحرافی) یکسان باشد، مع‌الوصف تنها مدرک موجود در

پرونده، به طوری که در بند ۱۰۶ بالا اشاره شد، حاکی است که تجهیزات مستعمل خواهان به دلیل شرایط غیر عادی آن زمان واقعاً چنین ارزشی داشتند. خواندگان دلیل و مدرکی حاکی از خلاف آن ارائه نکرده و در لوایح خود اصولاً به موضوع ارزش تجهیزات ایستمن نپرداخته‌اند. در جلسه استماع خواندگان اظهار داشتند که مبالغ مندرج در درخواستهای صدور (رجوع شود به بند ۲۷-۲۸ در بالا)، باید به عنوان ارزش تجهیزات مورد قبول قرار گیرد (ارزش مندرج در درخواست صدور). در این درخواستها، تجهیزات متعلق به ایستمن و اشخاص ثالث هر دو درج شده‌اند. با آنکه کل مبلغ ارزش همه این تجهیزات در درخواستها ذکر شده، لیکن ارزش هر یک از اقلام به تنهایی مشخص نشده است. تحت این شرایط، دیوان قادر نیست ارزش تجهیزات متعلق به ایستمن را از درخواست صدور معین نماید. بر این اساس، درخواستهای صدور مبنای کافی برای تعیین ارزش تجهیزات مصادره شده به دست نمی‌دهد و خواندگان مدارک دیگری نیز تسلیم نکرده‌اند. چون دیوان مبنای مستندی برای نتیجه‌گیری دیگری ندارد، بر این نظر است که معیار مناسب برای تعیین ارزش عادله (بازار) تجهیزات، عبارتست از ارزش جایگزینی آنها به طوری که در فهرست قیمت‌های صادراتی سال ۱۹۷۹ ایستمن منعکس گردیده است. بر این اساس، دیوان حکمی به مبلغ ۱۰۶۲۰،۷۸۶/۵۰ دلار امریکا بابت مصادره تجهیزات استیجاری خواهان به اضافه ۱۱۹،۷۱۷-۱ دلار امریکا بابت لوله‌های مهار کننده و جمعاً به مبلغ ۱۰،۷۴۰،۵۰۳/۵ دلار امریکا به نفع خواهان صادر می‌نماید. به این مبلغ، از تاریخ محرومیت از تجهیزات، یعنی از ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [دهم فوریه ۱۹۸۰] بهره تعلق می‌گیرد.

هـ عدم النفع

۱۰۹- ایستمن استدلال می‌کند که از استفاده از تجهیزات حفاری چاههای انحرافی در زمانی که تقاضا برای این قبیل تجهیزات به ویژه زیاد بوده محروم شد. ایستمن

می‌گوید که تجهیزات مزبور می‌توانست ظرف یکماه پس از صدور از ایران در قرارداد دیگری مورد ببرهبرداری واقع شود و ادعا می‌کند که در نتیجه عدم دسترسی به تجهیزات مزبور، سود حاصله از آنها را حداقل به مدت یک سال از دست داد، زیرا فاصله زمانی بین سفارش و تحويل تجهیزات جدید دوازده ماه بوده است.

۱۱۰ - دیوان داوری خاطرشنان می‌سازد که خواهان مدرکی ارائه نکرده که نشان دهد در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ مدت انتظار بین سفارش و تحويل تجهیزات ایستمن واقع "دوازده ماه بوده است. دیوان مضافاً" ملاحظه می‌نماید که خواهان مدرکی مانند دعوتنامه شرکت در مناقصه یا استعلام از جانب مشتریان بالقوه در تائید این ادعای خود ارائه ننموده که پس از محروم شدن از تجهیزات خود واقع" می‌توانسته آنها را با تحصیل سود اجاره دهد. به نظر دیوان خواهان ادعای خود بابت عدم النفع را به قدر کافی ثابت نکرده است و لذا ادعای مزبور باید مردود شناخته شود. در چنین وضعی، لزومی ندارد که دیوان نظر دهد که آیا عدم النفع ادعایی در غیر اینصورت قابل جبران می‌بود یا خیر.

د - دعای متقابل علیه ایستمن

۱ - دعای متقابل بابت نقض قرارداد

۱۱۱ - شرکت نفت ادعا می‌کند که ایستمن در دسامبر ۱۹۷۸ کارکنان خود را از ایران خارج و در نتیجه قرارداد خود با آسکو را نقض کرد. شرکت نفت همچنین مدعی است که ایستمن تجهیزات متعلق به آسکو را پس نداد. شرکت نفت بابت جبران خسارات ادعایی خود بر اثر نقض قرارداد، خواستار اعاده تجهیزات است به اضافه حکمی معادل ۱۰ درصد کل درآمد ایستمن از قرارداد، ۲۸۰،۰۰۰ دلار آمریکا می‌باشد. ایستمن صلاحیت دیوان نسبت به این ادعای متقابل را می‌پذیرد، لکن استدلال می‌کند که ادعا فاقد مبنای است.

۲ - دعوای متقابل بابت پیشپرداختها

۱۱۲ - شرکت نفت مدعی است که ۳۲۲،۶۶۴/- دلار امریکا بابت صورتحسابهای ایستمن اضافه پیشپرداخت کرده است. شرکت نفت اذعان دارد که این اضافه پرداختها را از محل کسور بیمه‌های اجتماعی ایستمن برداشت کرده و دعوای متقابل حاضر را صرفانه برای محفوظ داشتن حق خود به بازدربایافت مبلغ ۳۲۲،۶۶۴/- دلار امریکا اقامه نموده است. مبلغ مورد ادعای حاضر پس از تسعیر هر دلار امریکا به نرخ ۷۰/۳۵ ریال، معادل ۴۲۲،۶۹۹/- ریال، یعنی رقم مورد اختلاف در ادعای ایستمن بابت کسور [بیمه‌های اجتماعی] است. رجوع شود به: بند ۳۸ بالا. ایستمن منکر است که شرکت نفت بابت صورتحسابهای وی اضافه پرداخت داشته و حتی در دعوای مربوط به صورتحسابهای خود اظهار می‌دارد که طبق دفاتر حساب وی، شرکت نفت هنوز به وی بدھکار است. رجوع شود به: بند ۳۵ بالا.

۳ - دعوای متقابل بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی و مالیاتها

۱۱۳ - شرکت نفت مدعی است که ایستمن مبلغ ۴۰،۸۰۱،۳۴۳/- ریال بابت حقوق معوقه بیمه‌های اجتماعی بدھکار است و همچنین ادعای متقابلی بابت مالیاتهای تاعده نشده اقامه کرده است. شرکت نفت [از این بابت] بدوا ۹،۴۱۸،۷۶۱/- ریال مطالبه می‌کرد، لکن در لایحه تکمیلی خود رقم ادعای متقابل مالیاتی خود را به ۱۴۸۵،۸۹۱،۱۳ ریال افزایش داد. ایستمن در مقام پاسخ استدلال می‌کند که این ادعاهای متقابل خارج از صلاحیت دیوان است.

۴ - دعوای متقابل بابت فوق العاده خاتمه خدمت، حقوق و مزایای

معوقه

۱۱۴ - شرکت نفت مدعی است که ایستمن فوق العاده خاتمه خدمت کشور کریمی، مدیر دفتر ایستمن در اهواز را پرداخت نکرده است. شرکت نفت سندی تسلیم نموده که دلالت دارد "شورای کارگاه" استان خوزستان در تاریخ ۲۲ شهریورماه ۱۳۵۹ [۱۳ سپتامبر ۱۹۸۰] حکمی مبنی بر پرداخت فوق العاده خاتمه خدمت، یک ماه حقوق و سایر مزایا به نفع کریمی صادر کرده بود. شورای کارگاه راعی داد که "ایستمن محکوم است به پرداخت مبلغ ۶۴۸،۴۹۰/- ریال به خانم کشور کریمی". شرکت نفت همچنین نامه (اداره) اجرای دادگاه عمومی اهواز ("دادگاه") را که در تاریخ ۲۰ بهمنماه ۱۳۵۹ [نهم فوریه ۱۹۸۱] به آسکو فرستاده شده ارائه نموده که ضمن آن دادگاه از آسکو خواسته است تا مبلغ حکم شورای کارگاه را، "از مطالبات شرکت محکوم علیه بازداشت و به این اجرا ارسال دارند". شرکت نفت اظهار می‌دارد که طبق دستور دادگاه، مبلغ ۱۶۳،۵۸۷/- ریال از بخشی از صورتحسابهای ایستمن که در ماههای اوت و سپتامبر ۱۹۷۹ قابل پرداخت بوده کسر نموده و در مارس ۱۹۸۱ به دادگاه پرداخت کرده است. شرکت مذکور به عنوان مدرک پرداخت، چکی به مبلغ ۱۶۳،۵۸۷/- ریال که توسط شرکت نفت به نام دادگاه صادر شده تسلیم کرده است. شرکت نفت توضیح داد که از کل مبلغی که شورای کارگاه راعی داده فقط این مبلغ را پرداخته است، زیرا در زمان اجرای راعی شوراء، موجودی ایستمن نزد شرکت نفت بیش از ۱۶۳،۵۸۷/- ریال نبوده است. شرکت نفت دعوای متقابلی به مبلغ ۴۸۴،۹۰۳/- ریال بابت مانده پرداخت نشده حکم شورای کارگاه اقامه کرده است.

۵ - دعوای متقابل بابت هزینه‌های متفرقه

۱۱۵ - شرکت نفت در جوابیه مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۶۳ [دهم اکتبر ۱۹۸۴] خود به اظهارات خواهانها در مورد لایحه دفاعی، دعوای متقابل دیگری مطرح کرده است. در این دعوای متقابل مبلغ ۲،۴۷۶/- دلار آمریکا بابت پرداخت هزینه‌های خدمات شهری و هزینه‌های متفرقه مطالبه شده است. ایستمن اظهار می‌دارد که این دعوای متقابل فاقد مبناست.

هـ ماهیت دعوای متقابل علیه ایستمن

۱ - دعوای متقابل بابت نقض قرارداد

۱۱۶ - اختلافی نیست که دیوان نسبت به این دعوای متقابل صلاحیت دارد. شرکت نفت اسناد و مدارک داخلی شرکت را در تأیید این اظهار خود تسلیم نموده که عزیمت کارشناسان ایستمن مانع اقدامات شرکت نفت جهت کنترل فوران (نفت) با حفر چاه انحرافی اضطراری گردید. این مدارک حاوی جزئیات فنی بسیاری در رابطه با پاره‌ای عملیات حفر چاههای اضطراری است، لیکن به هیچوجه نشان نمی‌دهند که ایستمن به وظیفه‌ای طبق قرارداد عمل نکرده باشد و لذا مسئولیتی در قبال هیچیک از اقلام هزینه‌های شرکت نفت در رابطه با حفر چاه اضطراری داشته باشد. مدارک مزبور موئثر در مقام نیست زیرا مدرکی که ایستمن و قرارداد ۲۸۰ را با ادله و مدارک حفاری شرکت نفت مرتبط سازد وجود ندارد. ادله و مدارک دیگر نشان می‌دهد که ایستمن در هر زمانی که شرکت نفت تقاضا نموده خدمات مورد درخواست را تأمین کرده و وسائل حفاری را اجاره داده است. از اینرو، نظر دیوان این است که دعوای متقابل حاضر باید به علت فقد دلیل رد شود.

۲ - دعوای متقابل بابت بیش برداختها

۱۱۷ - تصمیم دیوان درباره دعوای مربوط به صور تحسابهای ایستمن سرنوشت این دعوای متقابل را نیز تعیین می‌کند. مبالغی که شرکت نفت به ایستمن پرداخته بیش از بدهی شرکت نفت به ایستمن نبوده است. بر عکس شرکت نفت هنوز مبلغ ۳۹۱،۰۴۳ دلار به ایستمن بدهکار است. رجوع شود به: بند ۶۱ فوق. بنابراین دیوان این دعوای متقابل را در ماهیت رد می‌کند.

۳ - دعوای متقابل بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی و مالیاتها

۱۱۸ - دیوان پیوسته نظر داده است که نسبت به دعوای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی تاعده نشده صلاحیت ندارد. تعهد ادعایی پرداخت این حقوق "نه" به وسیله قراردادی که موضوع ادعاست، بلکه به موجب قانون ذیربسط بیمه‌های اجتماعی ایران وضع گردیده است" ص ۳۹ حکم شماره ۱۹۱-۵۹-۱ مورخ سوم مهرماه ۱۳۶۴ [۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده کوئستک، اینکورپوریتد و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 107,135 ۹ و احکام مذکور در آن. منطق منع صلاحیت نسبت به دعوای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی تاعده نشده، با اعمال تغییرات لازم، در مورد دعوای متقابل بابت مالیات نیز صدق می‌کند. رجوع شود به: همان مأخذ ص ۳۹، ۱۳۴ Iran-U.S. C.T.R. ۹. بنابراین دیوان دعوای متقابل شرکت نفت بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی و مالیات را به لحاظ فقد صلاحیت رد می‌کند.

۲ - دعوای متقابل بابت فوق العاده خاتمه خدمت، حقوق و مزایای

معوقه

۱۱۹ - ادعای کریمی علیه ایستمن ظاهراً در سال ۱۹۸۰ ایجاد شده است. دستور دادگاه مبنی بر الزام شرکت نفت به تخصیص مبلغ مورد حکم شورای کارگاه (وزارت کار) به نفع کریمی از مبالغی که شرکت نفت به ایستمن بدھکار بوده در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۹ [نهش فوریه ۱۹۸۱] صادر شد. اگر دعوای متقابل شرکت نفت از آن دستور ناشی شده باشد طبق مفہوم بیانیه حل و فصل دعاوی پابرجا نمیباشد زیرا دستور دادگاه بعد از انعقاد معاهدات الجزیره صادر گردید. ولی اگر ادعای کریمی خود موجب پیدایش دعوای متقابل شرکت نفت شده باشد در آن صورت دعوای متقابل بی تردید پابرجا خواهد بود. طرفین به بحث درباره این موضوع نپرداخته‌اند. به نظر دیوان دستور دادگاه نوعاً به این مضمون بوده که شرکت نفت تا حدی که با پرداخت به کریمی دستور را رعایت کرد، جانشین حقوق کریمی در مقابل ایستمن گردید. بنابراین دعوای متقابل شرکت نفت بابت بازپرداخت مبالغی که عملاً پرداخت شده در سال ۱۹۸۰ یعنی هنگامیکه ادعای اصلی ناشی شد بروز کرد نه در سال ۱۹۸۱ که دادگاه دستور تخصیص مبلغ را به شرکت نفت داد.

۱۲۰ - ایستمن منکر نیست که کریمی یکی از کارمندان وی بوده و در قسمت خدمات وی برای آسکو کار میکرده و با ایستمن قرارداد استخدام داشته است. به علاوه بخشی نیست که ادعای فوق العاده خاتمه خدمت و سایر مزایای کریمی از آن قرارداد استخدامی ناشی شده است. بنابراین دیوان به ماهیت این دعوای متقابل می‌پردازد.

۱۲۱ - شرکت نفت ثابت کرده است که در اجرای دستور دادگاه مبنی بر تخصیص مبلغ ۶۴۸،۴۹۰/- ریال که مبلغ مورد حکم شورای کارگاه بود، مبلغ ۱۶۳،۵۸۷/- ریال پرداخته است. شرکت نفت اینک مبلغ ۴۸۴،۹۰۳/- ریال یعنی مابه التفاوت مبلغ

حکم و مبلغی را که "عملاً" پرداخته است مطالبه می‌کند. از آنجا که شرکت نفت مبلغ ۴۸۴،۹۰۳/- ریال را نپرداخته، حق طرح دعوای متقابلی بابت آن ندارد ولی "عملاً" به عنوان جانشین کریمی در آن قسمت از مبلغ حکم که "واقعاً" پرداخته، نسبت به بازدريافت آن ذیحق است. بنابراین دیوان بابت این دعوای متقابل حکمی به مبلغ ۱۶۳،۵۸۷/- ریال به نفع شرکت نفت صادر می‌کند. از نظر تهاتر با مبالغی که به نفع خواهان حکم شده، مبلغ ۱۶۳،۵۸۷/- ریال به نرخ هر دلار برابر ۷۰،۴۷۵ ریال، معادل ۲،۳۲۱ دلار می‌شود. به این مبلغ از تاریخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۵۹ [۱۵ مارس ۱۹۸۱] یعنی از تاریخ پرداخت شرکت نفت به دادگاه بهره تعلق می‌گیرد.

۵ - دعای متقابل بابت هزینه‌های متفرقه

۱۲۲ - شرکت نفت در تائید دعوای متقابل خود بابت هزینه‌های متفرقه مدرکی تسلیم نکرده است. بنابراین دیوان این دعوای متقابل را مردود اعلام می‌کند.

پنجم - دعای سی هورس و دعای متقابل علیه سی هورس

الف - واقعیات و اظهارات

۱۲۳ - ادعاهای ادعاها و ادعاهای متقابل سی هورس "عمدتاً" از قرارداد بهره‌برداری ناشی می‌شود. قرارداد مذبور در تاریخ ۱۱ خردادماه ۱۳۵۴ [اول ژوئن ۱۹۷۵] بین شرکت نفت پان امریکن ایران ("ایپاک") (ایرانیان پان امریکن اویل کامپنی) و ایسترن آفسور بوائز اینکورپوریتد (سلف سی هورس فلیت اینکورپوریتد)، که منبعد در حکم حاضر "سی هورس" نامیده می‌شود، منعقد گردید. طی این قرارداد سی هورس موافقت کرد که به مدت سه سال از دهم مردادماه ۱۳۵۴ [اول اوت ۱۹۷۵] از سه فروند

کشتی ایپاک به نامهای یدک کش مریم و کشتیهای عملیاتی لادن و لله ببرهبرداری کند. قرارداد ببرهبرداری سی هورس را ملزم می‌کرد به هزینه خود کشتیها را نتاهداری و تعمیر کند، "به استثنای استهلاکهای معمولی". در قرارداد، "استهلاک معمولی" به معنای "فرسودگی" و استهلاک که در اثر استفاده عادی تجاری هنگام انجام عملیات با وجود نگهداری معمول به وجود می‌آید" تعریف شده است. قرارداد همچنین سی هورس را ملزم می‌کرد که هر یک از کشتیها را حداقل هر دو سال یکبار به هزینه خود در حوضچه، تعمیر اساسی کند. دو کشتی عملیاتی لله و لادن به ترتیب در آوریل و مه ۱۹۷۸ در حوضچه تعمیر و نگهداری شدند. سی هورس کشتی مریم را طی ماههای آخر قرارداد ببرهبرداری به حوضچه تعمیر نبرد. آخرين تعمير اساسی آن کشتی در سپتامبر ۱۹۷۶ انجام شده بود.

۱۲۴ - میزان حق‌الزحمه خدمات سی هورس بر حسب کشتی و به نرخ روزانه به دلار و ریال هر دو معین شده بود. در صورتی که کشتی خراب یا از سرویس خارج می‌شد پرداخت به سی هورس متوقف می‌گردید، و این فقط در صورتی بود که جمع ساعت "توقف" در ماه، از ۴۸ ساعت تجاوز می‌کرد. این چهل و هشت ساعت توقف مجاز، "زمان توقف قابل پرداخت" نامیده می‌شد. سی هورس مجاز بود در هر سال تا بیست روز "زمان توقف قابل پرداخت" داشته باشد و این مدت جزء مدت توقف عملیات کشتی منظور می‌شد و در غیر اینصورت موجب کاهش حق‌الزحمه سی هورس می‌شد.

۱۲۵ - سی هورس و ایپاک همچنین دو قرارداد اجاره دربست در سال ۱۹۷۵ منعقد کردند. طبق این دو قرارداد که اساساً همسان بودند، ایپاک دو کشتی به نامهای کورال سی هورس و امیلی ال، از سی هورس اجاره کرد. مدت اجاره بر طبق این قراردادها، سه سال از ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ [اول مه ۱۹۷۵] بود.

۱۲۶ - اختلافات بین سی هورس و ایپاک در ژوئیه ۱۹۷۸، تزدیک به پایان مدت قرارداد

بهره‌برداری بروز کرد. در ۱۱ تیرماه ۱۳۵۷ [دوم ژوئیه ۱۹۷۸] سی هرس نامه‌ای به ایپاک نوشت و درخواست کرد که بخشی از هزینه تعمیر اساسی لله به او مسترد شود به این دلیل که هزینه تعمیر بابت استهلاک معموله بوده است. سی هرس نسخه‌ای از آن نامه را به دیوان تسلیم کرده است. سی هرس مدعی است که در همان زمان نامه مشابهی نیز درباره لادن به ایپاک ارسال داشته ولی نسخه‌ای از آن را به دیوان تسلیم نکرده است. در پرونده پاسخی از ایپاک به سی هرس وجود ندارد. مکاتبات داخلی که خوانده به دیوان تسلیم کرده نشان می‌دهد که در حدود همان زمان ایپاک تصمیم گرفته بود حداقل ۲۴/۲۳ هزینه تعمیر اساسی مریم را (که نوبت تعمیر آن در سپتامبر ۱۹۷۸ بود) از سی هرس مطالبه نماید و تا تمام طلب وی وصول نشده از پرداخت همه صورتحساب‌های ژوئیه ۱۹۷۸ سی هرس بابت هر سه کشتی خودداری کند.^(۱۲) ایپاک در تلکس مورخ هشتم مردادماه ۱۳۵۷ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۸] به سی هرس توضیح داد که چرا طبق تفسیر خود از قرارداد انتظار داشت که سی هرس هزینه تعمیر اساسی بعدی مریم را بپردازد. سایر مدارک حاکی از آن است که ایپاک مبلغ ۴۰,۰۰۰ دلار از سی هرس بابت هزینه تعمیر اساسی یدک کش [مریم] مطالبه کرد. سی هرس طی تلکس مورخ ششم شهریورماه ۱۳۵۷ [۲۸ اوت ۱۹۷۸] به شرح زیر پاسخ داد:

با اظهارات شما مبنی بر اینکه تعمیر سپتامبر ۷۶ ما طبق مقررات تعمیر این کشتی [مریم] نبوده موافق نیستیم، معهذا به خاطر حسن رابطه با ایپاک موافقت می‌کنیم قبل از ارسال کشتی به تعمیرگاه مبلغ ثابتی به شما بپردازم.

(۱۲) به عنوان مثال، در یکی از تلکس‌های داخلی مورخ ۲۰ مردادماه ۱۳۵۷ [۱۱ اوت ۱۹۷۸] آمده است که:

تا پایان تعمیر اساسی مریم و رفع نقاچی در لله و لادن، [ایپاک] صورتحساب ژوئیه [سی هرس] بابت مریم و لله و لادن را پرداخت نخواهد کرد.

سی هورس باتوجه به اینکه ایپاک "قبله" موافقت کرده بود بابت مدت توقف [به سی هورس] غرامت پردازد" داوطلب شد بابت تعمیر اساسی مریم مبلغ ۱۷،۹۴۱/- دلار پردازد. این مبلغ معادل میانگین هزینه تعمیر کشتی لادن و لله یعنی ۳۴،۲۲۵/- دلار با کسر ۱۶،۲۸۴/- دلار بابت کل زمان توقف بود. در تلکس ارسالی به ایپاک همچنین اشعار شده که برآورد کارشناس از هزینه تعمیر لادن و لله به ترتیب ۱۰،۸۳۰/- و ۳،۵۷۰/- دلار بوده است. سی هورس این مبالغ را "منطقی" دانسته با پرداخت آنها موافقت کرد. ایپاک این پیشنهاد را رد و کماکان از پرداخت صورتحسابهای ماه ژوئیه ۱۹۷۸ خودداری کرد.

۱۲۷ - قریب یک سال بعد در ۱۹ مردادماه ۱۳۵۸ [دهم اوت ۱۹۷۹] سی هورس تلکسی به ایپاک مخابره و پیشنهاد کرد کلیه ادعاهای مربوط به لادن و لله و مریم حل و فصل شود. در مورد مریم، سی هورس پیشنهاد کرد مبلغ ۱۶،۲۸۴/- دلار که معادل زمان توقف قابل پرداخت بود، از ۴۰،۰۰۰/- دلار یعنی مبلغی که ایپاک بابت تعمیر اساسی یدک کش مطالبه می کرد، کسر شود. سی هورس همچنین قبول کرد مبلغ ۸،۸۳۰/- دلار بابت تعمیر لادن پردازد و مبلغ ۳،۷۴۰/- دلاری را نیز که قبله "به عنوان بدھی سی هورس به ایپاک قبول کرده بود" برای [تعمیرات] لله به آن افزود. سی هورس پیشنهاد کرد که جمع این مبالغ یعنی ۳۶،۲۸۶/- دلار از ۱۱۱،۵۴۰/۵۳ دلاری که ایپاک بابت صورتحسابهای ماه ژوئیه ۱۹۷۸ به وی بدھکار بود کسر شود که در آن صورت مبلغ خالص قابل پرداخت به سی هورس ۵۳/۵۴،۲۵۴/- دلار می شد. در پرونده پاسخ مستقیمی به این تلکس وجود ندارد ولی در تلکس مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۹]، ایپاک رقم ۱۱۱،۵۴۰/۵۳ دلار را مورد سؤال قرار داد و اظهار داشت که طبق دفاتر وی، طلب سی هورس مبلغ ۹۰،۸۹۲/- دلار بوده است. ایپاک همچنین در مورد اقدامات سی هورس "راجع به تحويل محور عقب و پمپ آتششانی لادن به شرح مندرج در مکاتبات قبلی ما" جویا شد. سی هورس در پاسخ تلکسی در ۱۴ دیماه

۱۳۵۸ [چهارم ژانویه ۱۹۸۰] به ایاک ارسال داشت و پنج صورتحساب را که سه فقره آنها بابت عملیات سه کشتی در ژوئیه ۱۹۷۸ و دو فقره دیگر بابت تعمیرات لادن و لله و جمعا" به مبلغ ۱۱۲،۶۴۲/۵۶ دلار بود صورت کرد. در تلکس توضیح داده شده که تعمیرات به لحاظ عمر دو کشتی عملیاتی ضروری بوده است ولی ذکری از محور و پمپ آتش نشانی لادن به میان نیامد. نهایتاً، ایاک دو نامه در سال ۱۹۸۰ به سی هرس ارسال داشت. در نامه اول مورخ ۲۰ خردادماه [دهم ژوئن] ایاک صورتحسابهای تعمیر دو کشتی عملیاتی را رد کرد و در نامه دوم مورخ سوم تیرماه [۲۴ ژوئن] ایرادات خود به صورتحسابهای ژوئیه ۱۹۷۸ سی هرس را تشريح کرد و مبلغ ۷۰،۰۰۰/- دلار بابت تعمیر اساسی مریم و دو کشتی عملیاتی و مبلغ ۱۵،۲۴۷/- دلار بابت "هزینه‌های برآورده" محور و پمپ آتش نشانی لادن مطالبه نمود.

ب - دعاوی سی هرس

۱ - دعوا بابت صورتحسابها

۱۲۸ - این ادعا مربوط به هشت فقره صورتحساب است. طی صورتحسابهای شماره ۱۲۷۵۵-۲۳ و ۱۲۷۵۷-۲۳ بابت کارهای سی هرس روی کشتیهای لله و لادن در طول ماه ژوئیه ۱۹۷۸ از ایاک مطالبه هزینه شده است. شرکت نفت اظهار می‌دارد که از این دو صورتحساب باید به اندازه زمان توقف اضافی ادعایی (یعنی زمان توقف واقعی و یا ساعات "خارج از مدت اجاره" منتهای مجموع زمان توقف قابل پرداخت) کاسته شود. در صورتحسابهای شماره ۱۲۹۰۷-۲۳ و ۱۲۹۰۸-۲۳ سی هرس بازپرداخت هزینه تعمیر "فرسودگی عادی" هنگام تعمیر اساسی این دو کشتی در ماههای آوریل و مه ۱۹۷۸ را مطالبه می‌نماید. شرکت

نفت استدلال می‌کند که این هزینه‌ها به عهده سی هورس است. چهار صورتحساب دیگر مورد اختلاف نیستند: شرکت نفت قبول دارد که صورتحساب شماره ۱۲۷۵۹-۲۳ بابت عملیات ژوئیه ۱۹۷۸ مریم باید به طور کامل پرداخت شود. (لیکن شرکت نفت ادعا می‌کند که این صورتحساب و صورتحسابهای مربوط به دو کشتی عملیاتی مشمول کسور حقوق بیمه‌های اجتماعی و مالیات می‌باشند). شرکت نفت همچنین صورتحساب شماره ۱۳۲۹۷-۲۳ را که شامل سیم وی از هزینه بازبینی کورال سی هورس می‌باشد پذیرفته است. و بالاخره سی هورس قبول دارد که بابت دو صورتحساب اعتباری به شماره‌های ۱۰۴۰۸-۳۸ و ۱۰۵۸۷-۳۸ مربوط به کورال سی هورس و امیلی ال مبلغ ۱۰۲۰۲/۸۷ دلار به ایپاک بدھکار است. در جدول زیر، صورتحسابها و مبالغ مربوط به دعواهای سی هورس بابت صورتحسابها خلاصه شده است:

مبلغ	موضوع	شماره صورتحساب
۲۹،۱۴۰/- دلار امریکا	لله ، ژوئیه ۱۹۷۸	۱۲۷۵۵-۲۳
" " ۲۹،۱۴۰/-	لادن ، ژوئیه ۱۹۷۸	۱۲۷۵۷-۲۳
" " ۱۴،۵۵۰/۵۷	تعمیرات لادن	۱۲۹۰۷-۲۳
" " ۷،۱۹۹/۹۹	تعمیرات لله	۱۲۹۰۸-۲۳
" " ۳۲،۶۱۲/-	مریم ژوئیه ۱۹۷۸	۱۲۷۵۹-۲۳
" " ۱۰۰/۸۴	بازبینی <u>کورال سی هورس</u>	۱۳۲۹۷-۲۳
" " (۱،۱۳۵/۴۷)	اعتبار <u>کورال سی هورس</u>	۱۰۴۰۸-۳۸
" " (۶۷/۴۰)	اعتبار <u>امیلی ال</u>	۱۰۵۸۷-۳۸
۱۱۱،۵۴۰/۵۳	جمع مبلغ مورد ادعاهای سی هورس:	

۲ - دعوا بابت کسور (بیمه‌های اجتماعی)

۱۲۹ - سی هورس خواستار است که مبلغ ۲۹۶،۲۹۱/۴۲ دلار که ایپاک از پرداختهای موضوع قرارداد ببره برداری و دو قرارداد اجاره کسر کرده است آزاد شود. منظور

از این کسور تضمین پرداخت حقوق بیمه‌های اجتماعی سی هورس بود. سی هورس از طریق نماینده خود، فاست شیپینگ آند سرویس لیمیتد ("فاست شیپینگ") در ژوئیه ۱۹۷۹ مفاصل حسابی از سازمان بیمه‌های اجتماعی دریافت و به ایپاک تسلیم نمود. شرکت نفت اذعان دارد که ایپاک مفاصل حساب را دریافت کرده ولی ادعا می‌کند که مفاصل حساب "قطعی" و بابت هر پنج کشتی نبوده است. شرکت نفت اظهار می‌دارد که سی هورس هنوز مبالغی به سازمان بیمه‌های اجتماعی بدهکار است و بنابراین حقی به کسر ندارد. سی هورس در پاسخ می‌گوید که صرفنظر از اینکه می‌توانسته مفاصل حساب "قطعی" برای هر پنج کشتی دریافت کند یا نه، کسور وی باید آزاد شود زیرا تعهدات حقوق بیمه‌های اجتماعی خود را ایفا نموده و به دلیل اوضاع ایران در سال ۱۹۷۹ نمی‌توانسته مفاصل حساب دیگری دریافت کند.

ج - ماهیت دعاوی سی هورس

۱ - دعوا بابت صورتحسابها

۱۳۰ - سه فقره از صورتحسابهای ژوئیه ۱۹۷۸ سی هورس بابت قرارداد بهره‌برداری بلاتاude مانده است. شرکت نفت استدلال می‌کند که از دو فقره از آنها به میزان توقف اضافی مبالغی باید کسر شود. طبق اظهار شرکت نفت، لادن به مدت ۱۲۴ ساعت متجاوز از زمان توقف قابل پرداخت خارج از سرویس بوده است. به همین نحو، حسب ادعا مدت توقف لاله ده ساعت متجاوز از کل زمان توقف قابل پرداخت آن بوده و این امر مستلزم این است که مبلغ ۴،۸۵۶/- دلار از صورتحساب شماره ۱۲۷۵۷-۲۳ و مبلغ ۳۹۲/- دلار از صورتحساب شماره ۱۲۷۵۵-۲۳ کسر شود. به علاوه چون حسب ادعا شرکت نفت صورتحسابهای ریالی مربوطه را به طور کامل پرداخته، پذیرش موضع شرکت نفت مستلزم تعديل بیشتری جمعاً به مبلغ ۳۹۷/- دلار است. سی هورس معتقد است که این صورتحسابها به طور کامل قابل

پرداخت است و اظهار می‌دارد که شرکت نفت ثابت نکرده که این دو کشتی عملیاتی در ژوئیه ۱۹۷۸ چه مدتی زمان توقف واقعی و یا چه مدت زمان توقف قابل پرداخت داشته‌اند. شرکت نفت همچنین ادعا می‌کند که بابت مالیات پیمانکار و حقوق بیمه‌های اجتماعی جمعاً ۱۰/۵ درصد باید از مبلغ صورتحسابها کسر شود ولی سی هورس منکر این ادعاست.

۱۳۱ - شرکت نفت برای اثبات اعتراض خود به این صورتحسابها فتوکپی برگهای ساعت خدمت کشتیهای عملیاتی را تسلیم کرده است. در این برگها آمار زمان توقف در یک ماه ثبت شده ولی کل زمان توقف قابل پرداخت هر کشتی نشان داده نشده است. در یک دسته از برگهای ساعت خدمت، تاریخ "ژوئیه ۱۹۷۸" مشخص شده و عیناً مانند دسته دیگری است که با همان مدارک تسلیم شده، جز اینکه تاریخ برگها "ژوئیه ۱۹۷۹" ذکر شده است. شرکت نفت در آخرین لایحه خود جداولی تحت عنوان "زمان توقف کشتی" ارائه داده است. این جداول "زمان توقف واقعی" و "کل زمان توقف قابل پرداخت" را از اوت ۱۹۷۷ تا پایان ژوئیه ۱۹۷۸ برای دو کشتی عملیاتی نشان می‌دهند. این جداول جزئیاتی مانند سر عنوان یا امضاء که به شناسایی آنها کمک کند ندارند. برخی از شروط قرارداد بهره‌برداری در آنها نقل شده ولی مدت قرارداد که در آنها ذکر شده اشتباه است.

۱۳۲ - دیوان در ارزیابی این مدارک ملاحظه می‌کند که ایپاک از ابتدا سه صورتحساب ژوئیه ۱۹۷۸ سی هورس را به دلایلی کاملاً بی ارتباط با صحت صورتحسابها پرداخت ننمود. وجود این صورتحسابها موجب شد که ایپاک در اختلاف طرفین راجع به تعییر اساسی مریم نسبت به سی هورس در موقعیت برتری قرار گیرد. ایپاک در تلکس مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۹] خود به سی هورس اذعان کرد که اسناد و مدارک خود وی نشان می‌دهد که مبلغ ۹۰،۸۹۲/ دلار به سی هورس بدھکار است که این دقیقاً مبلغ سه صورتحساب ماه ژوئیه

۱۹۷۸ است.(۱۳) در تاریخ سوم تیرماه ۱۳۵۹ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۰] بود که ایپاک با ارسال نامه به سی هورس اعتراض خود را نسبت به صورتحسابهای لادن و لله اظهار نمود.

۱۳۳ - به نظر دیوان، این مدارک با اینکه احتمالاً زمان توقف هر کشتی در ژوئیه ۱۹۷۸ را ثابت می‌کنند ولی به نحو قانع کننده‌ای شان نمی‌دهند که زمان توقف کشتیها متجاوز از مجموع زمان توقف قابل پرداخت آنها بوده است. این واقعیت که ایپاک صورتحسابهای ریالی سی هورس را بابت عملیات دو کشتی عملیاتی در ژوئیه ۱۹۷۸ پرداخت کرد، این برداشت را تقویت می‌کند که ادعاهای ایپاک راجع به زیاد بودن مدت زمان توقف، اعتراضاتی است که بعداً به میان آمده و مبنای ندارند. دیوان نتیجه می‌گیرد که صورتحسابهای شماره ۱۲۷۵۵-۲۳ و ۱۲۷۵۷-۲۳ و همچنین صورتحساب شماره ۱۲۷۵۹-۲۳ بابت مریم به طور کامل قابل پرداخت می‌باشند. طبق یکی از مواد قرارداد ببرهبرداری، صورتحسابهای ماهانه مشمول کسوری به میزان ۵/۵٪ بابت مالیات بر پیمانکار می‌باشند. همچنین قرارداد ببرهبرداری ۵٪ کسور بابت سهم بیمه‌های اجتماعی سی هورس مقرر داشته است. ولی با توجه به تصمیم دیوان در بند ۱۴۷ زیر مبنی بر اینکه مبالغ کسر شده از پرداختهای موضوع این قرارداد باید آزاد گردد، دیگر از این سه صورتحساب هیچ مبلغی بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی نباید کسر شود. بر این اساس ایپاک مبلغ

(۱۳) بخش مربوطه این تلکس به شرح زیر است:

در رقم پنجم ایپاک به سی هورس، ما به یک مورد اشتباه برخورد کرده‌ایم که باید روشن شود. طبق تلکس شماره ۹۵۷.۹.۰۵/۵۳، این رقم ۱۹۷۹ شما، این رقم ۱۱۱، ۵۴۰/۵۳ دلار است در حالیکه دفاتر ما این رقم را ۹۰، ۸۹۲/- دلار نشان می‌دهد. خواهشمند است در پاسخ خود صورت ریز این مبلغ را اعلام کنید تا بررسی و اقدام شود.

۱۲۷۵۷-۲۳ و ۱۲۷۵۵-۲۳ دلار بابت هر یک از صورتحسابهای شماره ۱۲۹۰۷-۲۳ و ۱۲۹۰۸-۲۳ مورخ هفتم و هشتم شهریورماه ۱۳۵۷ [۲۹ و ۳۰ اوت ۱۹۷۸] سی هرس، هزینه قسمتی از تعمیرات انجام شده روی کشتیهای عملیاتی لادن و الله در آوریل و مه ۱۹۷۸ که کشتیها در حوضچه تعمیر بودند به حساب ایپاک منظور شده است. سی هرس ضمن کوشش به اثبات استحقاق خود به وجه این صورتحسابها اذعان دارد که طبق قرارداد بهرهبرداری مسئول تعمیرات اساسی کشتیها در تعمیرگاه و نگاهداری و تعمیر آنها بوده است، ولی استدلال می‌کند که وجه این صورتحسابها بابت تعمیر "فرسودگی عادی" کشتیها، که ایپاک طبق قرارداد مسئول آنها بوده، از ایپاک مطالبه شده است. سی هرس فتوکپی دو صورتحساب صادره ایران مرین اینداستریال کامپنی ("ایمیکو") را بابت تعمیر اساسی الله و لادن در آوریل و مه ۱۹۷۸ تسلیم کرده است. در این صورتحسابها به ترتیب مبلغ ۳۳،۴۵۰/۳۵ دلار و ۴۳،۲۸۲/۴۵ دلار به حساب سی هرس منظور شده است. سی هرس مدعی است که وجه این صورتحسابها را به طور کامل پرداخته است. ریز اقلام مورد مطالبه در صورتحسابها ذکر شده ولی مشخص نشده که کدام اقلام بابت تعمیرات فرسودگی عادی است. سی هرس ادعا می‌کند که نامه‌هایی همراه با فتوکپی صورتحسابهای ایمیکو برای ایپاک ارسال داشته و توضیح داده است که کدام هزینه‌ها به عهده ایپاک می‌باشد. سی هرس فتوکپی نامه مربوط به الله را که مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۷ [دوم ژوئیه ۱۹۷۸] است تسلیم کرده ولی نامه مشابهی در مورد لادن ارائه نداده است. شرکت نفت مدرکی ارائه نداده که ایپاک به این نامه پاسخ داده باشد. سی هرس در تلکس مورخ ۱۴ دیماه ۱۳۵۸ [چهارم ژانویه ۱۹۸۰] خود به ایپاک اعلام آمادگی کرد که اظهارات خود را مبنی بر اینکه قبلًا" به نمایندگان

ایپاک اطلاع داده و آنها در نظارت بر تعمیر دو کشتی عملیاتی کم کرده‌اند ثابت کند. سی هورس مدرکی راجع به اثبات ادعای مزبور به دیوان تسلیم نکرده است. در پرونده مدرکی حاکی از عکس العمل مستقیم ایپاک نسبت به صورتحسابها و نامه‌های ژوئیه ۱۹۷۸ سی هورس وجود ندارد. ایپاک در تلکس مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۹] خود صورتحسابهای پرداخت نشده سی هورس را به صورت کلی مورد سؤال قرار داد و سپس در نامه مورخ ۲۰ خردادماه ۱۳۵۹ [دهم ژوئن ۱۹۸۰] دو صورتحساب مربوط به تعمیرات لادن و لله را بکلی رد کرد.

۱۳۵ - نامه مورخ ۲۰ خردادماه ۱۳۵۹ [دهم ژوئن ۱۹۸۰] ایپاک به خودی خود اعتراض به موقعی به صورتحسابهای سی هورس نیست. ولی مدارک موجود در پرونده نشان می‌دهد که طرفین درگیر چندین مورد اختلاف مرتبط به هم راجع به اقلام هزینه بابت خدمات و تعمیرات از ژوئیه ۱۹۷۸ تا پایان ژوئن ۱۹۸۰ بوده‌اند. بر این اساس دیوان نتیجه می‌گیرد که صورتحسابهای سی هورس باید با مدارکی که نشان دهد کدام هزینه‌ها به عهده ایپاک بوده تاعیید شود. دیوان فقط از صورتحسابهای ایمیکو نمی‌تواند قضاوت کند که کدام یک از اقلام هزینه‌ها بابت تعمیر "فرسودگی عادی" به تعریف قرارداد بهره‌برداری بوده و کدام نبوده است. دیوان معتقد است که نامه مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۷ [دوم ژوئیه ۱۹۷۸] سی هورس به اندازه کافی هزینه تعمیرات لله را در صورتحساب شماره ۱۲۹۰۸-۲۳ توضیح می‌دهد. فقدان نامه مشابهی در مورد لادن، ادعای سی هورس را بابت پرداخت صورتحساب شماره ۱۲۹۰۷-۲۳ تضعیف می‌کند. بنابراین رائی دیوان این است که صورتحساب شماره ۱۲۹۰۸-۲۳ قابل پرداخت و صورتحساب شماره ۱۲۹۰۷-۲۳ غیر قابل پرداخت است. شرط قراردادی مبنی بر کسر مالیات پیمانکار در مورد "هر یک از صورتحسابهای ماهانه" صدق می‌کند و به نظر نمی‌رسد که شامل صورتحساب جبران هزینه باشد. بنابراین دیوان معتقد است که ایپاک مبلغ ۷،۱۹۹/۹۹ دلار بابت وجه کامل صورتحساب شماره ۱۲۹۰۸-۲۳ به سی هورس بدهکار است.

۱۳۶ - در جدول زیر خلاصه نتیجه‌گیریهای دیوان درباره صورتحسابهای سی هورس و رقم خالص مطالبات سی هورس ذکر شده است:

صورتحساب شماره	موضوع	مبلغ قابل پرداخت
۱۲۷۵۵-۲۳	لله ، ژوئیه ۱۹۷۸	۲۷،۵۳۷/- دلار امریکا
۱۲۷۵۷-۲۳	لادن ، ژوئیه ۱۹۷۸	" " ۲۷،۵۳۷/-
۱۲۹۰۷-۲۳	تعیرات لادن	۰/-
۱۲۹۰۸-۲۳	تعیرات لله	" " ۷،۱۹۹/۹۹
۱۲۷۵۹-۲۳	مریم ژوئیه ۱۹۷۸	" " ۳۰،۸۱۸/-
۱۳۲۹۷-۲۳	بازبینی کورال سی هورس	" " ۱۰۰/۸۴
۱۰۴۰۸-۳۸	اعتبار بابت کورال سی هورس	" " (۱۰۱۳۵/۴۷)
۱۰۵۸۷-۳۸	اعتبار بابت امیلی ال.	" " (۶۷/۴۰)

۹۱،۹۸۹/۹۶ دلار امریکا

جمع مطالبات سی هورس:

دیوان بابت ادعای صورتحسابهای سی هورس حکمی به مبلغ ۹۱،۹۹۰/- دلار به نفع وی صادر می‌کند. نظر به اختلاف طرفین درباره این صورتحسابها و سایر هزینه‌ها، دیوان مقرر می‌دارد که تعلق بهره به این مبلغ از ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۹] یعنی از تاریخ تلکس ایپاک به سی هورس آغاز شود. رجوع شود به: بند ۱۳۲ بالا.

۲ - دعوا بابت کسور

۱۳۷ - طرفین قبول دارند که ایپاک از پرداختهای خود به سی هورس مبلغ ۲۹۶،۲۹۱/۴۲ دلار کسر نموده و شرکت نفت اذعان دارد که این وجه هنوز در دست ایپاک می‌باشد. ظاهراً این کسور ناشی از بهره‌برداری لله و لادن و مریم به موجب قرارداد بهره‌برداری، و اجاره کشتیهای امیلی ال و کورال سی هورس

طبق دو قرارداد اجاره می‌باشد: در قرارداد بهره‌برداری کسر ۵ درصد از وجه صورتحساب‌های سی هورس برای تضمین پرداخت بدھیهای بیمه‌های اجتماعی وی "صريحًا" مقرر شده است. قرار بود این کسور "به مجرد ارائه مقاصا حساب سازمان بیمه‌های اجتماعی توسط [سی هورس]" آزاد شود. در قراردادهای اجاره کسر یا برداشت مرتب مبالغی برای تضمین انجام مقررات بیمه‌های اجتماعی توسط سی هورس پیش بینی نشده است. در عوض در آن قراردادها قید شده که "پرداخت نهایی" تا تسلیم گواهی مقاصا حساب بیمه اجتماعی توسط سی هورس انجام نخواهد شد. معندا هر دو طرف اشاره به "کسر" مبالغی از اجاره‌بها امیلی ال. و کورال سی هورس کردند. بررسی خدمات، نرخها و شروط سه قرارداد تأثیر می‌کند که مبلغ ۲۹۱،۴۲۶ دلار مورد اختلاف در این دعوا نمی‌تواند فقط از پرداختهای مربوط به قرارداد بهره‌برداری کسر شده باشد، بلکه می‌بایست شامل کسوری از پرداختهای موضوع دو قرارداد اجاره نیز باشد.

۱۳۸ - سی هورس در استدلال برای آزاد کردن کسور خود ادعا می‌کند که در سال ۱۹۷۹، مقاصا حساب "نهایی" برای هر سه کشتی موضوع قرارداد بهره‌برداری یعنی الله، لادن و مریم را تسلیم کرد. سی هورس اظهار می‌کند که از تعهد تسلیم مقاصا حساب برای امیلی ال. و کورال سی هورس باید معذور شناخته شود زیرا در سال ۱۹۷۹ با وجود آنکه تعهدات بیمه اجتماعی خود را ایفا کرده بود تحصیل مقاصا حساب برای سی هورس مقدور نبود. شرکت نفت اذعان دارد که ایپاک مقاصا حسابی از سی هورس دریافت کرد. بنا به اظهار شرکت نفت این مقاصا حساب فقط مربوط به قرارداد بهره‌برداری بود. لیکن شرکت نفت یک "اعلامیه بدھی" مربوط به سال ۱۹۸۶ از سازمان بیمه‌های اجتماعی تسلیم کرده که اشاره به هر سه قرارداد دارد. در این اعلامیه اظهار شده که مجموع کار انجام شده بالغ بر ۵۶۲،۰۱۹،۲۷۷ ریال بوده، و مقاصا حساب بابت مبلغ ۹۶۸،۳۷۹،۱۸۷ ریال است. شرکت نفت ادعا می‌کند که ایپاک قصد داشت در

سال ۱۹۷۹ مبلغ ۹،۳۶۸،۹۶۸ ریال (که %۵ مبلغ ۱۸۷،۳۷۹،۳۶۵ ریال و به نرخ هر دلار برابر ۷۰/۳۵ ریال معادل ۱۳۳،۱۷۶/۵۱ دلار است) را آزاد کند. شرکت نفت با استناد به اعلامیه سازمان بیمه‌های اجتماعی اینک اظهار می‌دارد که سی هورس بیش از مبلغ کسر شده به سازمان بیمه‌های اجتماعی بدھکار است و بنابراین استحقاقی نسبت به آزاد شدن هیچ مبلغی از کسور خود ندارد.

۱۳۹ - هیچیک از طرفین فتوکپی برگ مقاصا حسابی را که قبول دارند در سال ۱۹۷۹ به ایپاک تسلیم شده ارائه نکرده‌اند. درواقع طرفین توضیح نداده‌اند که منظورشان از مقاصا حساب "نهایی" چیست. از مدارک تسلیمی در پرونده حاضر چنین به نظر می‌رسد که هر مقاصا حسابی حسب شرایط مندرج در آن - یعنی از لحظه‌یک یا چند قرارداد مذکور در آن و تا میزان مالی محدودی از کار انجام شده - "نهایی" است.

۱۴۰ - از مدارک ملاحظه می‌شود که قراردادهای اجاره در دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۳۰ آوریل ۱۹۷۸] به پایان رسید و قرارداد ببره‌برداری در نهم مردادماه ۱۳۵۷ [۳۱ زوئیه ۱۹۷۸] منقضی شد. سی هورس در ۲۶ مردادماه ۱۳۵۷ [۱۵ اوت ۱۹۷۸] دفتر خود را در آبادان بست و سال بعد در تلکس مورخ ۱۴ تیرماه ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹] خود به ایپاک درخواست کرد که ایپاک "صورت ریز کسور بیمه اجتماعی مربوط به کشتیهای کورال سی هورس و امیلی ال و لادن و لاله و مریم" را در اختیار وی قرار دهد. سی هورس به ایپاک اطلاع داد که فاست شیپینگ را به عنوان نماینده رسمی خود منصوب کرده است "تا موضوع بیمه اجتماعی را با ایپاک فیصله دهد و مبلغ لازم کسور را اخذ نماید". در تلکس سپس اشعار شده است:

منظور ما این است که فاست شیپینگ مقاصا حساب نهایی را به ایپاک ارائه دهد و مایلیم که ایپاک در آن وقت چکی به نام ایسترن آفسور بوتر بابت مبالغ کسر شده به فاست شیپینگ تحويل دهد.

۱۴۱ - سی هرس در اول مردادماه ۱۳۵۸ [۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹] طی تلکسی به فاست شیپینگ اطلاع داد که هیچگونه پاسخی به "تلکس‌های مکرر [خود] درباره قصد فیصله موضوع بیمه اجتماعی" از ایپاک دریافت نکرده است. در تلکس به فاست شیپینگ اختیار داده شد که از طرف سی هرس با ایپاک تعاس بگیرد و از وی درخواست شده که "گواهی سازمان بیمه اجتماعی را تحصیل نماید". دو روز بعد از آن سی هرس تلکسی از فاست شیپینگ به مضمون زیر دریافت کرد:

کل مبلغ را به سازمان بیمه اجتماعی پرداخت و مفاصی حساب دریافت و آن را به ایپاک تحویل دادیم. ایپاک برای تحویل چک شما به ما ۲ تا ۳ هفته وقت لازم دارد. تمولات بعدی به اطلاع خواهد رسید.

۱۴۲ - ایپاک سرانجام طی تلکس مورخ سوم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۴ نوامبر ۱۹۷۹] به تلکس ۱۴ تیرماه [پنجم ژوئیه] سی هرس پاسخ داد. ایپاک تایید کرد که فاست شیپینگ "مفاصی حساب سازمان بیمه اجتماعی را به ایپاک تسلیم کرده است" و در خاتمه اشعار داشت که: "ایپاک آماده است چک شما را به ریال به فاست شیپینگ تحویل دهد. لطفاً" اطلاع دهید که آیا این چک باید تحویل فاست شیپینگ شود یا خیر". سی هرس طی تلکس مورخ نهم آذرماه ۱۳۵۸ [۳۰ نوامبر ۱۹۷۹] پیشنهاد ایپاک را رد کرد:

باتوجه به اینکه بازپرداخت کسور بیمه‌های اجتماعی فقط بخشی از کل بدهی ایپاک می‌باشد و باتوجه به مقررات جاری ارزی ما نمی‌توانیم دریابیم که پرداخت کسور بیمه‌های اجتماعی به فاست شیپینگ چگونه مطالبات ما را جبران خواهد کرد. بنابراین نمی‌توانیم به شما اختیار دهیم بابت تسویه حسابهای ما وجهی به فاست شیپینگ پردازید.

در پرونده چند فقره مکاتبات بعدی طرفین موجود است. رجوع شود به بندهای ۱۲۷، ۱۳۲ و ۱۳۴ بالا، ولی در هیچیک از آنها ذکری از مبلغ کسور سی هرس نشده است.

۱۴۳ - دیوان قبل از رسیدگی بیشتر به ماهیت این ادعا ملاحظه می‌کند که تلکس مورخ نهم آذرماه ۱۳۵۸ [۳۰ نوامبر ۱۹۷۹] سی هورس این سوال را پیش می‌آورد که آیا ادعای وی بابت کسور طبق الزام بیانیه حل و فصل دعاوی در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است یا خیر. از تلکس فوق مشهود است و خواهانها در جلسه استماع تائید کردند که اولین اعتراض سی هورس به پیشنهاد ایپاک اشاره به صورتحسابهای تاءعده نشده سی هورس دارد. اگر آن تنها مورد اعتراض سی هورس می‌بود، رد پیشنهاد از طرف وی می‌توانست به عنوان انصراف یا تعلیق ادعای کسور وی تفسیر شود. فقدان مدرکی دال بر اینکه سی هورس درخواست مربوط به کسور را قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مجدداً عنوان کرده باشد بدین معنی می‌بود که ادعا در آن تاریخ پابرجا نبوده است. ولی محدودیتهای ارزی جاری در ایران و اقدامات ایالات متده در انسداد دارائیهای ایران در پاسخ به اشغال سفارت امریکا در تهران به این معنی بود که سی هورس در نوامبر ۱۹۷۹ برای خارج کردن کسوری که ایپاک به وی پیشنهاد می‌کرد با مشکل بزرگی مواجه می‌شد. درنتیجه اعتراض دوم بجا بود و سی هورس با رد پیشنهاد ایپاک ادعای خود بابت کسور را معلق یا از آن اعراض نکرد.

۱۴۴ - هیچ مدرک مستقیم و مربوط به آن زمان وجود ندارد که نشان دهد کدام قرارداد یا چه میزان کار مشمول مقاصدا حساب بوده است. تلکسها که در فوق نقل شد تلویحاً حاکی است که مقاصدا حساب شامل هر پنج کشتی و در نتیجه شامل قرارداد بهرهبرداری و دو قرارداد اجاره کشتی بوده لیکن هر دو طرف در لوایح خود اشعار داشته‌اند که مقاصدا حسابی که فاست شیپینگ از طرف سی هورس به ایپاک تسلیم کرد فقط شامل قرارداد بهرهبرداری بوده است. از آنجا که طرفین در این نکته توافق دارند، دیوان نظر می‌دهد که سی هورس فقط برای آن قرارداد مقاصدا حساب گرفته است. سی هورس اذعان می‌کند که فاست شیپینگ موفق نشد برای دو قرارداد اجاره کشتی مقاصدا حساب تحصیل کند. ولی اظهار می‌دارد که با اینحال

عدم توانایی وی در تحصیل آن مقاصدا حسابها نباید مانع شود که وی بتواند وجوهی را که ایساک بابت قراردادهای اجاره کشتی نگاهداشته وصول کند زیرا وی کلیه تعهدات خود را از لحاظ حقوق بیمه‌های اجتماعی ایفا کرده است.

۱۴۵ - دیوان قبلاً نظر داده است که عدم ارائه مقاصدا حساب سازمان بیمه‌های اجتماعی فی‌نفسه دلیل موجبی برای ادامه نگاهداری کسور بیمه‌های اجتماعی نیست. طرفی که استرداد چنین کسوری را مطالبه می‌کند و به دلیل فورس‌ماژور نتوانسته مقاصدا حساب ارائه دهد، اگر بتواند ثابت کند که دیون خود را به سازمان بیمه‌های اجتماعی پرداخته حق دارد که کسور خود را بازپس بگیرد. برای مثال رجوع شود به بند ۶۷ حکم شماره ۵۰۶-۳۰۸-۲ مورخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۶۹ [۱۸] فوریه ۱۹۹۱ صادره در پرونده کامباسچن انجینیرینگ اینکورپوریتد و سایرین و جمهوری اسلامی ایران و سایرین. در این پرونده سی هورس هیچ مدرکی حاکی از پرداخت بدھی خود به سازمان بیمه‌های اجتماعی بابت دو قرارداد اجاره کشتی ارائه نداده است. به این دلیل، دعوای سی هورس بابت کسور تا آنجا که به این دو قرارداد ارتباط می‌یابد باید رد شود.

۱۴۶ - در مورد قرارداد بیمه‌برداری بحثی نیست که سی هورس مقاصدا حساب تحصیل کرده است. شرکت نفت اذعان کرده که جمع مبلغ تسویه شده توسط سازمان بیمه‌های اجتماعی ۳۶۵،۳۷۹،۱۸۷ ریال بوده است. ولی شرکت نفت مدعی است که میزان دیون سی هورس به سازمان بیمه‌های اجتماعی به مراتب بیش از مبلغ کسور می‌باشد و در نتیجه سی هورس حق نسبت به آزاد شدن کسور خود ندارد. دیوان این استدلال را رد می‌کند. ارائه مقاصدا حساب ایجاب می‌کرد که تعهد قراردادی آسکو در آزاد کردن کسور فوراً اجرا شود. رابطه حقوقی بین سی هورس و سازمان بیمه‌های اجتماعی موضوعی است که از صلاحیت دیوان خارج بوده و شرکت نفت نمی‌تواند آن را به عنوان دفاعی در برابر ادعای سی هورس مطرح کند.

۱۴۷ - براساس مراتب پیشگفته، دیوان سی هرس را مستحق آزاد شدن وجوهی که ایپاک نگاهداشته و طبق اذعان شرکت نفت $۹,۳۶۸,۹۶۸/-$ ریال است می‌داند. این مبلغ بعد از تبدیل به نرخ هر دلار در برابر $۷۰/۴۷۵$ ریال معادل $۱۳۲,۹۴۰/-$ دلار آمریکا است. نرخ فوق در تمام سال ۱۹۷۹ نرخ رایج تبدیل بوده است. رجوع شود به آمار مالی بین‌المللی صندوق بین‌المللی پول، مذکور در فوق. بنابراین دیوان بابت دعوای کسور سی هرس حکمی به مبلغ $۱۳۲,۹۴۰/-$ دلار به نفع وی صادر می‌کند. به این مبلغ از تاریخ ۲۸ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۱] یعنی تاریخ دادخواست، بهره تعلق می‌گیرد.

د - دعاوی متقابل علیه سی هرس

۱ - تعمیر اساسی مریم، لادن و لاله

۱۴۸ - "متقابل" شرکت نفت بابت هزینه تعمیر اساسی مریم لادن و لاله مبلغ $۷۰,۰۰۰/-$ دلار مطالبه کرده است. این دعوای متقابل مبتنی بر تعهد قراردادی سی هرس به تعمیر اساسی هر یک از این کشتیها در هر دو سال یکبار است. شرکت نفت تلکس مورخ ششم شهریورماه ۱۳۵۷ [۲۸ اوت ۱۹۷۸] سی هرس را به عنوان موافقت [وی] به پرداخت $۳۴,۲۲۵/-$ دلار بابت مریم و $۵,۴۰۰/-$ دلار بابت لادن و لاله تفسیر می‌کند. به همین نحو حسب ادعا سی هرس طی تلکس مورخ ۱۹ مردادماه ۱۳۵۸ [دهم اوت ۱۹۷۹] خود "قبول کرد" مبلغ $۴۰,۰۰۰/-$ دلار بابت مریم و $۱۲,۵۷۰/-$ دلار بابت دو کشتی دیگر پردازد. سی هرس این تلکسها را به عنوان پیشنهاد حل و فصل توصیف می‌کند نه اقرار به واقعیت.

۲ - محور عقب و پمپ آتش نشانی لادن

۱۴۹ - شرکت نفت ادعا می کند که سی هورس محور و پمپ آتش نشانی لادن را برداشته و دیگر مسترد نکرده است. وی اظهار می دارد که ارزش آنها ۱۵،۲۴۷ دلار بوده و به همان مبلغ دعوای متقابلی مطرح کرده است. سی هورس استدلال می کند که مدارک شرکت نفت مسئولیت سی هورس یا ارزش تجهیزات را ثابت نمی کند.

۳ - مالیات و حقوق بیمه های اجتماعی

۱۵۰ - شرکت نفت در دفاعیه خود متقابلاً مبلغ ۸۰۵،۶۶۰/۸۵ دلار بابت حقوق معوقه بیمه های اجتماعی مربوط به شش قرارداد منعقد بین سی هورس و ایپاک را مطالبه کرده است. شرکت نفت بعداً دعوای متقابلی به مبلغ ۱۵،۳۹۸،۳۶۲/۱ ریال بابت مالیات های معوقه به آن افزود. سی هورس استدلال می کند که دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی به دعوای متقابل مذکور بوده و در هر حال این دعوای بی اساس می باشدند.

۴ - اجناس و خدمات متفرقه

۱۵۱ - نهایتاً سی هورس در پاسخ به ادعای متقابل شرکت نفت قبول کرد که مبلغ ۷۷۰/۵۸ دلار بابت اجناس و خدمات متفرقه ای که ایپاک ارائه نموده به شرکت نفت بدھکار است(۱۴).

(۱۴) شرکت نفت همچنین بابت خسارات ناشی از طرح دعوای سی هورس علیه ایپاک در نیویورک ادعای متقابلی اقامه کرده بود. ظاهراً شرکت نفت از این دعوای متقابل صرف نظر کرده است.

هـ - ماهیت دعاوی متقابل علیه سی هورس

۱ - تعمیر اساسی مریم، لادن و لاله

۱۵۲ - بحثی نیست که دیوان صلاحیت رسیدگی به این دعواهای متقابل را دارد. این دعواهای متقابل مانند دعاوی سی هورس ناشی از قرارداد بهره‌برداری است. شرکت نفت در تائید دعواهای متقابل خود ابتدا به مکاتبات داخلی اپیاک و تلکسهايی که بین اپیاک و سی هورس مبادله شده استناد می‌کرد. سی هورس به این مدارک ایراد دارد به این دلیل که نشان نمی‌دهند اپیاک بابت تعمیر اساسی مریم واقعاً هزینه‌ای متحمل شده باشد. شرکت نفت در آخرین لایحه خود، مدارک بیشتری ارائه داده از جمله صورتحسابی از ایمیکو که در آن هزینه تعمیر اساسی مریم در ژوئن ۱۹۷۹ به حساب اپیاک منظور شده و نیز تحلیلی از صورتحساب که در آن هزینه‌های مربوط به تعمیرات دو سال پیکار یدک کش از سایر هزینه‌ها تفکیک شده است. شرکت نفت همچنین گزارشها بررسی "ساعات خارج از مدت اجاره" هر یک از سه کشتی را که به تاریخ سوم تا پنجم مردادماه ۱۳۵۷ [۲۵۲۷ ژوئیه ۱۹۷۸] می‌باشد تسلیم نموده است. این گزارشها حاکی است که سی هورس به عنوان اپراتور کشتیها مسئول پاره‌ای تعمیرات لازم در پایان مدت قرارداد بوده است. سی هورس در جلسه استماع به این مدارک ایراد نکرفت و فقط استدلال کرد که اگر مریم در ژوئن ۱۹۷۹ تعمیر اساسی شده، در آنصورت وی مسئول پرداخت بیش از ۲۳/۳۳ هزینه‌های مربوط به تعمیرات دو ساله یدک کش نباید باشد.

۱۵۳ - دیوان می‌پذیرد که تلکسهايی مورخ ششم شهریورماه ۱۳۵۷ [۲۸ آوت ۱۹۷۸] و ۱۹ مردادماه ۱۳۵۸ [دهم آوت ۱۹۷۹] سی هورس پیشنهادهای حل و فصل بود که به خودی خود برای وی الزام آور نیست. لیکن این تلکسها تاحدود معینی مدارک ذیربطی به جای می‌مانند. سی هورس در چهارچوب مذاکرات مربوط به دسته

بزرگتری از دعاوی که طرفین علیه یکدیگر داشتند این پیشنهادها را ارائه کرد و ایپاک هم به آنها پاسخ داد. عواملی خارج از این چهارچوب مانند صورتحسابهای معوقه سی هورس بابت بهرهبرداری از سه کشتی، در موضعی که طرفین نسبت به هزینه‌های تعمیر اساسی کشتیها گرفتند، اثر نهاد. رویه مرفته مدارک نشان می‌دهد که سی هورس متعهد قسمتی از هزینه تعمیر دو ساله مریم و همچنین پاره‌ای تعمیرات لادن و لله بوده است. این تعهدات مبتنی بر مفاد قرارداد بهرهبرداری بود که سی هورس را مسئول نگاهداری و تعمیرات معمول کشتیها و تعمیرات اساسی آنها هر دو سال یکبار می‌کرد. این مفاد متناظر با شرطی است که سی هورس را از تعمیر فرسودگی عادی معاف می‌کرد. مدارک همچنین نشان می‌دهند که سی هورس این تعهدات را قبول داشت و راجع به مبلغ بدھی خود با ایپاک در حال مذاکره بود. بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که سی هورس بابت هزینه تعمیر اساسی مریم و تعمیر دو کشتی دیگر عملیاتی به ایپاک مديون است.

۱۵۴ - در مورد مریم، دیوان هزینه واقعی تعمیر اساسی این یدک کش را بهترین معیار تعهد سی هورس می‌داند. شرکت نفت مدارک بلا معارضی ارائه داده مبنی بر اینکه مریم در ژوئن ۱۹۷۹ تعمیر اساسی شد و هزینه مربوط به تعمیرات دو ساله آن، مبلغ ۷۴۳۷،۸۹۰،۱ ریال بوده است. شرکت نفت همچنین ثابت کرده است که ایپاک در تاریخ ۲۲ آبانماه ۱۳۵۹ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۰]، ۲۳/۲۴ آن هزینه‌ها را که ادعا می‌کند سی هورس مسئول آنها بوده، پرداخته است. سی هورس استدلال کرده که نباید مسئول پرداخت بیش از ۲۳/۳۳ هزینه تعمیر باشد زیرا تعمیر اساسی سی و سه ماه بعد از تعمیر قبلی مریم در سپتامبر ۱۹۷۶ انجام شد. ولی تحقیک هزینه‌ها توسط ایپاک، به منظور استخراج هزینه‌های مربوط به مدت بعد از سپتامبر ۱۹۷۸ بوده و سی هورس این تحلیل را رد نکرده است. بنابراین دیوان استدلال شرکت نفت را مبنی بر اینکه سی هورس ۲۳/۲۴ مبلغ ۷۴۳۷،۸۹۰،۱

ریال یعنی مبلغ ۱۰،۸۱۱،۹۶۲/- ریال بابت تعمیر اساسی میرم به ایپاک بدھکار است، می پذیرد.

۱۵۵ - سی هورس در نکس مورخ ۱۹ مردادماه ۱۳۵۸ [دهم اوت ۱۹۷۹] خود پیشنهاد کرد مبلغ ۸،۸۳۰/- دلار بابت تعمیر کشتی لادن و مبلغ ۳،۷۴۰/- دلار بابت تعمیر لله بپردازد. همانطور که در بالا ذکر شد این پیشنهادات برای سی هورس الزام آوار نبود لیکن اظهار نظرهای سی هورس در موقع ارائه مبالغ پیشنهادی نشان می دهد که مبالغ مزبور نزدیک به مبالغ واقعی بدھی سی هورس بابت هزینه تعمیرات مندرج در گزارشہای کارشناس بوده است: یعنی بابت لادن رقم ۸،۸۳۰/- دلار "مبلغ درست و عادلانه ای" بود که سی هورس "باتوجه به..... اطلاعات واصله از کارمندان بھرہ بپردازی خود.... و آمار بررسیهاش" آن را قبول می کرد و در مورد لله رقم ۳،۷۴۰/- دلار "مبلغ بدھی مورد توافق قبلی سی هورس به ایپاک" بود. بنابراین دیوان مقرر می دارد که سی هورس جمعاً مبلغ ۱۲،۵۷۰/- دلار بابت تعمیرات لادن و لله به ایپاک بدھکار است.

۱۵۶ - دیوان بابت دعوای متقابل مربوط به تعمیرات اساسی حکمی به مبلغ ۱۰،۸۱۱،۹۶۲/- ریال و ۱۲،۵۷۰/- دلار به نفع خوادگان صادر می کند. به منظور تهاتر مبلغ این حکم در برابر مبلغ احکامی که در این پرونده به نفع سی هورس صادر شده، دیوان مبلغ ریالی را به نرخ هر دلار برابر ۷۱/۹۷۶ ریال به دلار تبدیل می نماید. بدین ترتیب مبلغ این حکم "مجموعاً" ۳۷،۷۴۵/- دلار می شود. به این مبلغ از تاریخ ۲۲ آبانماه ۱۳۵۹ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۰] یعنی از تاریخی که ایپاک وجه تعمیر اساسی را پرداخت کرد بھرہ تعلق می گیرد.

۲ - محور عقب و پمپ آتش نشانی لادن

۱۵۷ - در این مورد نیز بخشی نیست که دیوان نسبت به این دعوای متقابل صلاحیت دارد. شرکت نفت در تائید دعوای متقابل خود سندی تسلیم نموده که به نظر می‌رسد یادداشت داخلی و گزارش حصول توافق با سی هورس است مبنی بر اینکه سی هورس محور و پمپ آتش نشانی لادن را تعویض خواهد کرد. یادداشت مزبور حاکی است که این توافق در حضور مهندس کارشناس به عمل آمده و مورد قبول شرکتی که به عنوان اوپراتور کشتی جانشین سی هورس می‌شد، قرار گرفته است. ایپاک طی تلکس مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۹] خود از سی هورس درخواست کرد "اقداماتی را که (سی هورس) نسبت به تحويل محور و پمپ آتش نشانی لادن طبق مکاتبه قبلی ما" معمول داشته به اطلاع وی برساند". سی هورس در تاریخ ۱۴ دیماه ۱۳۵۸ [چهارم زانویه ۱۹۸۰] به این تلکس پاسخ داد ولی در تلکس خود ذکری از محور و پمپ آتش نشانی لادن نکرد. نهایتاً ایپاک طی نامه مورخ سوم تیرماه ۱۳۵۹ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۰] خود اشعار داشت که محور و پمپ آتش نشانی لادن تحويل داده نشده و "هزینه برآورده" آنها مبلغ ۱۵،۲۴۷ دلار بوده است. رجوع شود به بند ۱۲۷ فوق.

۱۵۸ - دیوان این یادداشت داخلی را از لحاظ احراز تعهد سی هورس مدرک معتبری می‌داند. تلکس و نامه ایپاک اخطاری به سی هورس راجع به مسئولیت بالقوه وی و ارزش ادعایی وسائل مفقوده بود. سی هورس در آن زمان به این مکاتبات هیچگونه اعتراضی نکرد. بر این اساس دیوان از بابت این دعوای متقابل حکمی به مبلغ ۱۵،۲۴۷ دلار به نفع خواندگان صادر می‌کند. نسبت به این مبلغ از تاریخ سوم تیرماه ۱۳۵۹ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۰] یعنی تاریخ نامه ایپاک به سی هورس و اعلام ارزش محور و پمپ آتش نشانی لادن بهره تعلق می‌گیرد.

۳ - مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی

۱۵۹ - این دعاوی متقابل مانند دعاوی متقابلي که نسبت به دعاوی ایستمن مورد بررسی قرار گرفت، خارج از صلاحیت دیوان می‌باشد رجوع شود به: بند ۱۱۸ فوق و بنابراین باید مردود اعلام شوند.

۴ - اجناس و خدمات متفرقه

۱۶۰ - بالاخره دیوان بابت دعوای متقابل بلامعارض شرکت نفت بابت صورتحسابهای پرداخت نشده اجناس و خدمات، حکمی به مبلغ ۷۷۱/۷ دلار به نفع خواندگان صادر می‌کند. نسبت به این مبلغ از تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۲ [۲۲ ژوئیه ۱۹۸۳] یعنی تاریخ دفاعیه شرکت نفت بهره تعلق می‌گیرد.

ششم - بهره

۱۶۱ - به منظور جبران خساراتی که طرفین درنتیجه تأخیر تاعده متحمل گردیده‌اند دیوان عادلانه می‌داند که حکم به پرداخت بهره ساده به نرخ ۹/۵ درصد (در سال) نسبت به مبالغی که قابل پرداخت تشخیص داده، صادر نماید. رجوع شود به: بندهای ۶۱، ۶۳، ۱۰۸، ۱۲۱، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۰ بالا.

هفتم - هزینه

۱۶۲ - هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متحمل شود.

هشتم - حکم

۱۶۳ - به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند :

الف - (۱) خوادکان، جمهوری اسلامی ایران و شرکت ملی نفت ایران مکلفند مبلغ دو میلیون و چهارصد و پنجاه و سه هزار و ششصد و سی و هشت دلار و پنجاه سنت ($2,453,638/50$ دلار امریکا) به علاوه بیمه ساده نسبت به آن به نرخ $9/5$ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) که به شرح زیر محاسبه می‌شود به خواهان، ایستمن ویستاک منیوفکچرینگ اینکورپوریتد پرداخت نمایند:

نسبت به مبلغ $391,043$ دلار، از تاریخ ۲۸ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۹] نوامبر ۱۹۸۱،

نسبت به مبلغ $322,092$ دلار، از تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۸ [۱۹] ژانویه ۱۹۸۰،

نسبت به مبلغ $5,03/50, 503,074$ دلار، از تاریخ ۲۱ بهمنماه ۱۳۵۸ [دهم فوریه ۱۹۸۰]

لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند.

(۲) خوانده متقابل، ایستمن ویپستاک منیوفکچرینگ اینکورپوریتد، مکلف است مبلغ دو هزار و یکصد و شصت و نه دلار امریکا (۲،۱۶۹/۲ دلار) به علاوه بهره ساده نسبت به آن به نرخ ۹/۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۵۹ [۱۵ مارس ۱۹۸۱] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت به ایستمن ویپستاک منیوفکچرینگ اینکورپوریتد را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر کند، به شرکت ملی نفت ایران پرداخت نماید.

(۳) سایر دعاوی متقابل شرکت ملی نفت ایران علیه ایستمن ویپستاک منیوفکچرینگ اینکورپوریتد به دلایل مذکور در زیر رد می شود:

دعوای متقابل بابت نقض قرارداد، به لحاظ فقد دلیل،

دعوای متقابل بابت استرداد پیشپرداختها، به دلایل ماهوی،

دعوای متقابل بابت حقوق بیمه های اجتماعی و مالیات، به لحاظ فقط صلاحیت.

از کارگزار امانی تقاضا می شود مبالغی را که به موجب این حکم به ایستمن ویپستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد و شرکت ملی نفت ایران تعلق می گیرد محاسبه کند و به بانک امین دستور دهد که پس از تهاتر بدھی ایستمن ویپستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد به شرکت ملی نفت ایران، خالص مابه التفاوت متعلقه به ایستمن ویپستاک منیوفکچرینگ، اینکورپوریتد را از محل حساب تضمینی به شرکت اخیر پرداخت نماید.

(۳) هر یک از طرفین باید هزینه داوری مربوط به خود را متحمل گردد.

ب - (۱) خوانده شرکت نفت پان امریکن ایران مکلف است مبلغ دویست و بیست و چهار هزار و نهصد و سی دلار امریکا (۲۲۴،۹۳۰/۵ دلار) به علاوه بیهده ساده نسبت به آن به نرخ ۹/۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) که به شرح زیر محاسبه می شود به خواهان سی هورس فلیت اینکورپوریتد بپردازد:

نسبت به مبلغ ۹۱،۹۹۰/۵ دلار، از تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۹] دسامبر ۱۹۷۹،

نسبت به مبلغ ۱۳۲،۹۴۰/۵ دلار، از تاریخ ۲۸ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۹] نوامبر ۱۹۸۱

لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند.

(۲) خوانده متقابل سی هورس فلیت اینکورپوریتد مکلف است مبلغ پنجاه و سه هزار و هفتصد و شصت و سه دلار امریکا (۵۳،۷۶۳ دلار) به علاوه بیهده ساده نسبت به آن به نرخ ۹/۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز)، که به شرح زیر محاسبه می شود، به شرکت نفت پان امریکن ایران بپردازد:

نسبت به مبلغ ۳۷،۷۴۵/۵ دلار از ۲۲ آبانماه ۱۳۵۹ [۱۳] نوامبر ۱۹۸۰،

نسبت به مبلغ ۱۵،۲۴۷ دلار از سوم تیرماه ۱۳۵۹ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۰]

نسبت به مبلغ ۷۷۱/۶ دلار از ۳۱ تیرماه ۱۳۶۲ [۲۲ ژوئیه ۱۹۸۳]

لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت به سی هورس فلیت
اینکورپوریتد را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر کند.

(۳) دعوای متقابل شرکت نفت پان امریکن ایران بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی
و مالیات، به دلیل فقد صلاحیت رد می‌شود.

از کارگزار امانی تقاضا می‌شود مبالغی را که به موجب این حکم به
سی هورس فلیت، اینکورپوریتد و شرکت نفت پان امریکن ایران تعلق
می‌گیرد محاسبه کند و به بانک امین دستور دهد که پس از تهاتر
بهدهیهای سی هورس فلیت، اینکورپوریتد به شرکت نفت پان امریکن ایران،
خالص مابه التفاوت متعلقه به سی هورس فلیت اینکورپوریتد را از محل
حساب تضمینی به شرکت اخیر پرداخت نماید.

(۴) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متحمل گردد.

ج - بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم
می‌شود.

- ۹۸ -

لاهه، به تاریخ ۲۳ میبداید ۱۳۷۰ برابر با ۱۴۱۱ وت ۱۹۹۱

Robert

روبرت بریزز

رئيس شعبه دو

به نام خدا

خلیل

سید خلیل خلیلیان

نظر مخالف و موافق

George S. Aldrich

جرج اچ. آلدربچ